

توجه ابنيه

Toseh Abnieh Social and Economic Quarterly

فصلنامه اجتماعی اقتصادی - شماره ۲۲ | Social and Economic Quarterly | قیمت ۷۰۰۰۰۰ ریال | Price 700000 Rials





دهبید لند

دهبید - شهرک صنعتی دهبید - فاز ۱ و ۲
انبار: ابتدای حکیم - بعد از پل المپیک
بازار سنگ تهران - واحد ۹



سرزمین سنگ دهبید

DEHBID LAND STONE

شماره تماس: ۰۹۱۲۲۸۹۵۴۱۹ - ۰۲۱۴۴۱۴۰۰۱۵



بزرگترین دپوی سنگ در غرب تهران

تولید انواع سنگ های ساختمانی نما و کف

(تراورتن مرمریت دهبید چینی گرانیت مرمر)

در سایز های اسلب تایل و طولی با بهترین متد روز دنیا

افتخار همکاری با پروژه های خصوصی و دولتی

در ایران و خارج از ایران

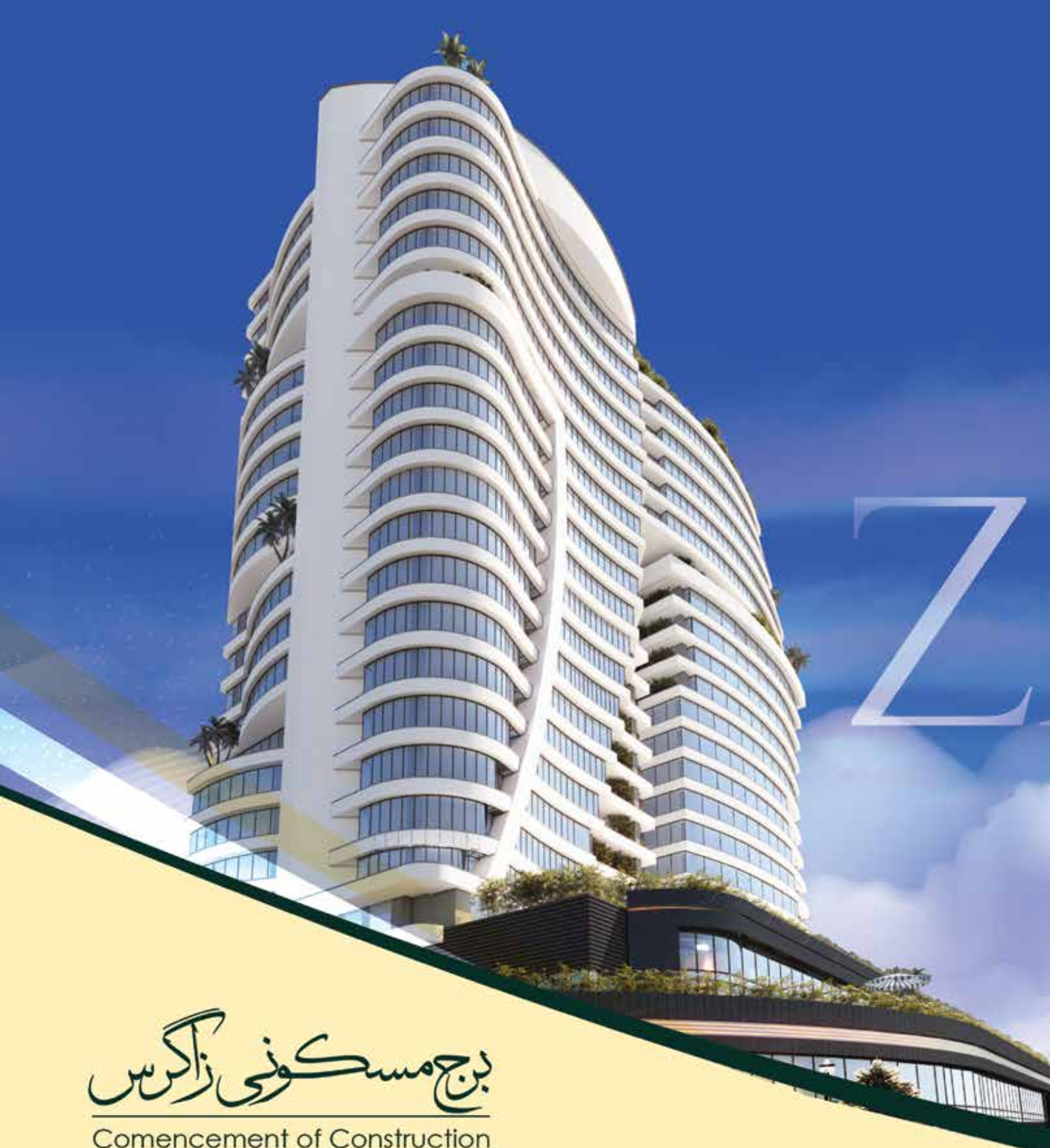
**DEHBID
LAND**



RESIDENTIAL TOWER

AGROS





بنج مسكونی زاگرس

Comencement of Construction
of ZAGROS residential project

دفتر فروش: تهران، ساحل شرقی دریاچه چیتگر، پروژه لکسون

02144755719-23-24 | 02144710097 | 0214784

09123118190 | 09121011061 | 09121003623



توجه ابنيه

TOSEH ABNIEH Social and Economic Quarterly

فهرست

۰۶	بازار ارز
۱۶	بازار انرژی
۳۲	بازار پول و اقتصاد ایران
۴۸	بازار سرمایه
۵۷	بازار طلا
۶۹	بازار فلزات
۷۸	بازار مسکن

صاحب امتیاز: حامد مهري

مدیر مسئول: شهرام پروین جهرمی

سر دبیر: حامد مهري

مدیر اجرایی: رضا شعبان زاده

دبیر گروه اقتصادی: وحید پا افشار

دبیر گروه عمران و معماری: روشنک میرحسینی

هیات تحریریه: امیر اسماعیل تبریزی - شهرام پروین جهرمی - پرویز جعفری

رسول میر قادری - حمید پرهیزکار - رضا شعبان زاده

مشاوران: محمد قاسمی - فرخ مسلمی - علیرضا فراهانی - حامد آراسته - رضا ملک

حمیدرضا دادگر - شهروز معصومی - روح الله شمسی - مهدی یاسور عینی - وحید قاسمی

طراح گرافیک: سمانه اسلامی ثمرین - مهران جعفرشعار

روابط عمومی: مجتبی تن ساز



بازار ارز

ارزهای مسدودی و راهکارهای رفع توقیف

ایران (به اتهام دست داشتن دولت ایران در حادثه انفجار مقرر تفنگداران آمریکایی در بیروت در سال ۱۹۸۳، در سال ۲۰۱۲ میلادی، قانونی در آمریکا به تصویب رسید و موجب اجرای رای دادگاه آمریکایی شد و به این ترتیب، مبلغ ۱/۸ میلیارد دلار دارایی بانک مرکزی که در اختیار کلی پراستریم قرار داشت، توقیف و توسط آمریکا مصادره شد. البته برای محکومیت دولت آمریکا و استرداد مبلغ مزبور، دعوایی نزد دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد که پس از مرحله احراز صلاحیت، پرونده مزبور تحت رسیدگی دیوان قرار دارد. علاوه بر این، در اجرای آرای صادره از دادگاه‌های آمریکا به نفع ورثه قربانیان حادثه یازدهم سپتامبر و به اتهام دست داشتن دولت ایران و بانک مرکزی در حادثه مزبور، دادگاه‌های لوکزامبورگ و ایتالیا نیز به درخواست طرف آمریکایی دستور توقیف دارایی‌های بانک مرکزی به ترتیب معادل ۱/۶ و ۶ میلیارد دلار را صادر کردند. به همین منظور روابط عمومی بانک مرکزی در گفت‌وگو با امیر حسین طیبی فرد، معاون حقوقی و امور مجلس بانک مرکزی، خلاصه‌ای از اقدامات حقوقی برای رفع توقیف اموال را توضیح داده است.

امیرحسین طیبی فرد، معاون حقوقی بانک مرکزی در خصوص رفع توقیف اموال ایران در بانک‌های اروپایی مجموعه اقدامات گسترده‌ای را صورت داده است که معاون حقوقی این بانک در مصاحبه‌ای از این اقدامات سخن گفت: اما نکته حایز اهمیت این است که در حال حاضر، این وجوه آزاد شده است؛ اما به دلیل تحریم‌ها و عدم اجرای توصیه‌های FATF و در نتیجه نداشتن روابط کارگزاری بانکی، این مبالغ قابلیت انتقال به کشور را ندارد. این موضوع تأیید می‌کند که برای بازگشت منابع ارزی نیاز است که با رفع موانع موجود، شرایط برای ایجاد روابط کارگزاری بانکی تسهیل شود. توقیف اموال ایران در پی اقدامات آمریکا در سال‌های گذشته اموال صورت گرفته بود. اما سیاست‌های حقوقی بانک مرکزی تا امروز موجب شده اموال متعلق به بانک مرکزی ایران رفع توقیف شوند. معاون حقوقی بانک مرکزی با تشریح ماجرای توقیف و پیروزی ایران در دادگاه‌های بین‌المللی، این گونه عنوان نمود که شرح ماجرای توقیف اموال ایران بعد از صدور رای دادگاه آمریکایی در پرونده پیترسون به محکومیت دولت و بانک مرکزی

آینده بازار دلار، تحت تاثیر چه عواملی است؟

اقتصاد کشور در افق آینده بوده به نحوی که در این خصوص اخبار مرتبط با برجام در هدایت مسیر حرکتی نرخ ارز موثر بوده است. اما آنچه در نهایت تعیین‌کننده مسیر تحولات نرخ ارز خواهد بود، متغیرهای بنیادین اقتصاد است. بر اساس این گزارش مجموع روند تحولات بخش حقیقی اقتصاد در سال ۱۳۹۹ حاکی از آن است که از فصل دوم سال گذشته، اقدامات و سیاست‌های اتخاذ شده از سوی سیاستگذار در مقابله با تحریم‌های دولت آمریکا و پیامدهای منفی ناشی از شیوع پاندمی کرونا با موفقیت همراه بوده به نحوی که اقتصاد کشور از حالت رکود و رشد منفی اقتصادی خارج شده است. همچنین در ادامه انتظار می‌رود با بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌های داخلی اقتصاد کشور، روند مثبت آغاز شده در سال ۱۴۰۰ نیز تداوم یابد و عملکرد مطلوبی در سال جاری محقق در خصوص نرخ رشد اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۹، نرخ رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۰ را به میزان ۲/۵ درصد پیش‌بینی کرده است. امید می‌رود با بهبود شرایط پیرامونی و روند آغاز شده در سال ۱۳۹۹، عملکرد رشد اقتصادی در سال ۱۴۰۰ بهتر از سال گذشته باشد.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در یک تحلیل رسمی، متغیرهای بنیادین و اثرگذار را در بازار ارز بهبود رشد اقتصادی و تولیدات بخش صنعتی را به عنوان متغیر اول مطرح نمود. متغیر دوم، آمار تجارت خارجی است که در دو ماه نخست سال جاری رشد قابل‌توجهی را ثبت کرده و میزان صادرات افزایش چشم‌گیری داشته است. و متغیر سوم چشم‌انداز مذاکرات برجام نیز مثبت بوده است. مجموع این عوامل نشان می‌دهد که نوسانات خارج از دامنه نرخ ارز، زودگذر بوده و همسو با تحولات مثبت، بازار ارز در مسیر تعادلی حرکت خواهد کرد. به عبارت دیگر بانک مرکزی، در این تحلیل سه متغیر کلیدی مسیر آینده ارز را «عملکرد مثبت رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۹ و پیش‌بینی وضعیت مطلوب در سال ۱۴۰۰»، «بهبود وضعیت تجارت در ۲ ماه نخست سال» و «وجود چشم‌انداز مثبت نسبت به مذاکرات برجام» تایید می‌کند که نوسانات خارج از دامنه نرخ ارز زودگذر بوده و بازار ارز به مسیر تعادلی باز خواهد گشت. از نگاه بانک مرکزی، نوسانات کوتاه‌مدت نرخ ارز طی سال‌های اخیر در کوتاه‌مدت متاثر از تغییر انتظارات نسبت به تحولات بخش خارجی





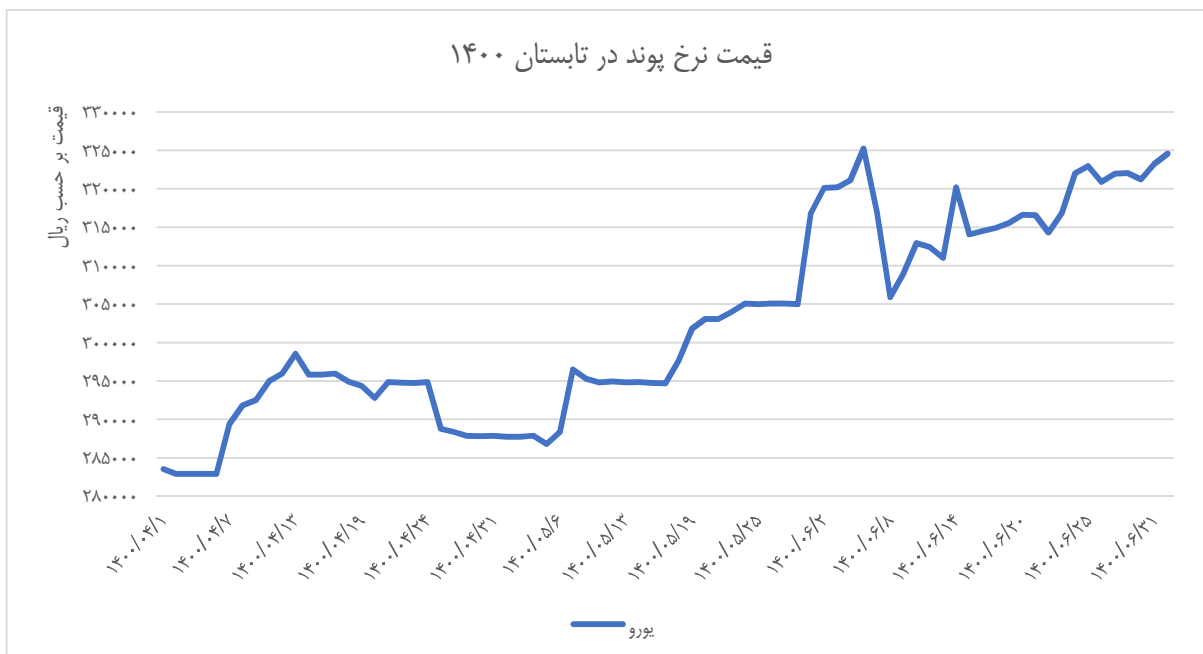
RETURN OF IRANIAN ASSETS

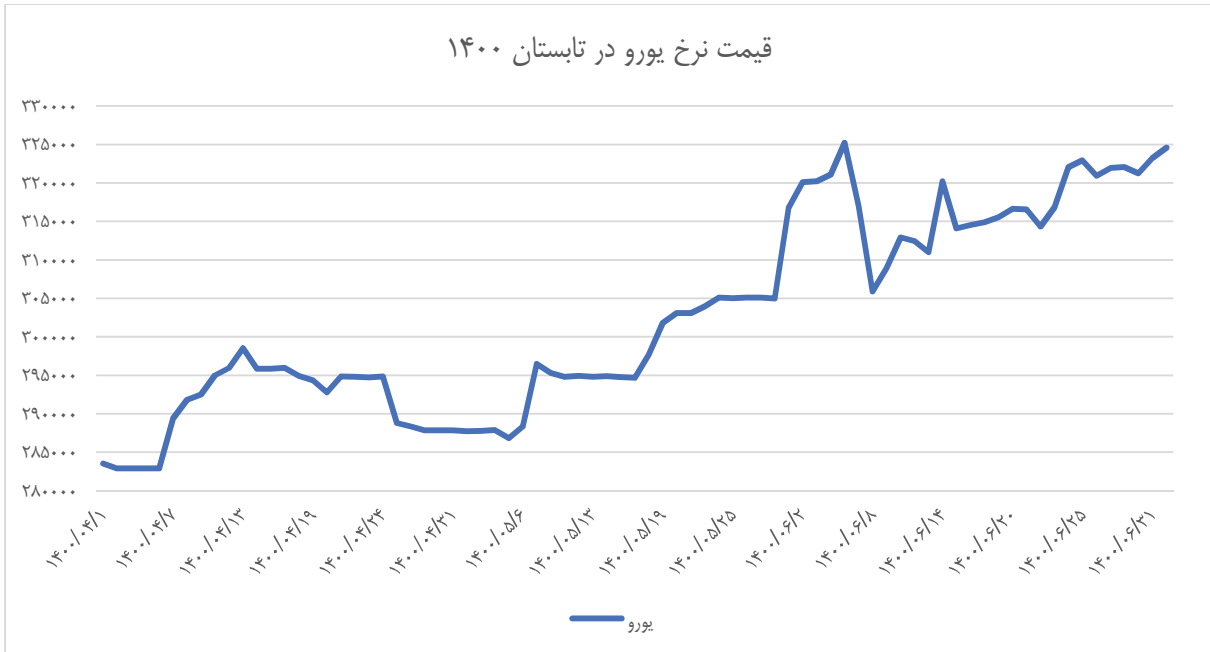
مرکزی، اثر این رابطه نادرست در احتمال استفاده انحرافی و پرریسک از دلارهای مسدودی را تشریح نمود. وی خاطر نشان کرد که در حالی که دولت، یکبار این منابع را به بانک مرکزی فروخته و ریال آن را دریافت کرده است، عملاً این منابع باید در اختیار بانک مرکزی برای مدیریت بازار قرار گیرد که با توجه به حجم این منابع، می‌تواند بخش قابل توجهی از نقدینگی را در صورت نیاز از بازار جمع کند. اما همتی هشدار داده است که دولت ممکن است از بانک مرکزی بخواهد ارزهای آزاد شده را با نرخ ۴۲۰۰ تومان صرف کالاهای اساسی کند و مابه‌التفاوت آن به شکل بدهی دولت به بانک مرکزی تبدیل شود. راه انحرافی‌ای که باعث کاهش قدرت مدیریت بانک مرکزی و افزایش چاپ پول می‌شود و تنها برنده آن رانت‌خواران خواهد بود. همتی یک پیش‌بینی و هشدار برای آینده داد. بر این اساس و به گفته او «به دلیل همین رابطه غلط مالی، با رفع تحریم‌ها دولت به ناچار از بانک مرکزی می‌خواهد که ارزهای آزاد شده را برای واردات کالاهای اساسی، احتمالاً با نرخ ترجیحی، اختصاص دهد. این البته ذخایر ارزی بانک را کاهش می‌دهد ولی با توجه به اینکه عمده ارزهای بانک مرکزی با نرخ ارز نیمایی خریداری و ذخیره شده است، معادل مابه‌التفاوت آن با ارز ۴۲۰۰، به بدهی دولت در بانک مرکزی یا به زیان بانک اضافه می‌شود.» سخنان همتی نشان از آن دارد که احتمالاً در شرایط تحریمی دولت با روش‌های دیگری ماشین نقدینگی را سوخت‌رسانی خواهد کرد.

وزیر خزانه‌داری آمریکا با وزیر اقتصاد کره جنوبی، بر سر بازگشت دارایی‌های ایران توافق کردند. این نشست در ونیز ایتالیا موسوم به جی ۲۰ بود. این اجلاس که ۱۹ کشور به علاوه اتحادیه اروپا در آن شرکت داشتند، محلی برای هماهنگی میان بیست کشور برتر اقتصادی در جهان است. در این دوره از اجلاس موارد مختلفی مورد بحث و بررسی سران اقتصادهای بزرگ جهان قرار گرفت. اما مهم‌ترین موضوع مربوط به ایران به دیداری در حاشیه اجلاس برمی‌گردد؛ جنت یلن، وزیر خزانه‌داری آمریکا با هنگ‌نام‌کی، وزیر اقتصاد کره جنوبی ضمن مذاکره درباره موضوعات مختلف و همکاری‌های دوجانبه، به بحث درباره منابع بلوکه شده ایران در کره جنوبی پرداختند. و در پایان این گفت‌وگوها هر دو طرف آمریکایی و کره‌ای توافق کردند که درباره دارایی‌های بلوکه شده ایران با یکدیگر همکاری کنند و قرار شد تا منابع بلوکه شده ایرانی در کره جنوبی از طریق کانال مالی سوئیس به ایران منتقل شود. خبرگزاری یونه‌پ در این باره گزارش داد: سؤال در تلاش است با حمایت ایالات متحده از یک کانال در سوئیس با استفاده از بخشی از پول مسدود شده ایران در کره جنوبی برای فروش کالاهای بشردوستانه، شامل محصولات درمانی شرکت‌های سوئسی به ایران استفاده کند. رابطه نادرست دولت و بانک مرکزی هم در زمان وفور درآمدهای نفتی و هم در زمان افت درآمدهای نفتی، موتور چاپ پول را روشن نگه می‌دارد. اصغر همتی رئیس کل سابق بانک



براساس اظهارنظر او، دولت ارزها را به قیمت نیمایی به بانک مرکزی فروخته است، اما زمانی که تحریم‌ها لغو شود و بانک مرکزی به ارزهای فروخته شده دسترسی داشته باشد، دولت از بانک مرکزی می‌خواهد این ارزها را به قیمت ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی به فروش برساند. و این در نهایت افزایش پایه پولی و به موجب آن افزایش تورم را برای کشور به ارمغان خواهد آورد. رئیس کل سابق بانک مرکزی دو پیشنهاد به رئیسی داد، عبدالناصر همتی با انتشار پیامی درباره اظهارنظر اخیر رئیس‌جمهوری مبنی بر لزوم خروج بانک مرکزی از حالت توصیه به بانکها و اتخاذ سیاست نظارت جدی همراه با اقدام و عمل بیان کرد. او در این خصوص اظهار کرد که بانک مرکزی در طول سه سال گذشته همواره اقدام‌های جدی برای نظارت بر بانکها، رفع ناترازی آنها، ادغام و سرپرستی بانکهای مشکل‌دار و نیز امهال تسهیلات با رعایت الزامات فقهی و شرعی انجام داده است. مورد دیگر اینکه اگر نهاد پولی و مالی بخواهد بر بانکها نظارت بیشتر و جدی‌تری داشته باشد، باید دو اقدام مهم را در دستور کار خود قرار دهد. نخست اینکه بر اساس استانداردهای مالی بین‌المللی می‌بایست فعالیت عمده بانکها به‌ویژه بانکهای دولتی را به‌خاطر نداشتن کفایت سرمایه، متوقف کند. و دوم اینکه مانع از پرداخت تسهیلات تکلیفی مجلس و دولت شود. ابراهیم رئیسی، نیز بر این موضوع تاکید کرد که سیاستگذار پولی باید از حالت توصیه به بانکها خارج شود و نظارت جدی به همراه اقدام و عمل داشته باشد.





OFFER

سیاست‌گذاری غلط!

۵/۵ میلیارد دلار ارزش‌ترجیحی کجا رفت؟

کجاست؟ درحالی‌که اختلاف ریالی این دلار ۴۲۰۰ و رقم بازار، حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت ایجاد می‌کند. اما نکته جالب این است که آثار مخرب سیاست ارزش‌ترجیحی همچنان در سال ۱۴۰۰ ادامه دارد. مرکز پژوهش‌های مجلس نیز در گزارشی به این موضوع پرداخت. دولت در قانون بودجه بخشی از منابع بودجه را از طریق مالیات بر واردات تامین می‌کند که در سه ماه ابتدایی سال جاری، کمتر از یک‌چهارم رقم پیش‌بینی‌شده در این مدت محقق شده است. ظاهراً این بار هم پای ارزش‌ترجیحی در میان است و محاسبه ارزش ریالی تمام کالاهای وارداتی براساس ارزش ۴۲۰۰ باعث می‌شود تا ارزش محموله وارداتی کم‌ارزش‌تر برآورد شود و مالیات تعلق‌گرفته به آن با کاهش روبه‌رو شود. این اقدام که در شرایط حاضر مانند پرداخت یارانه به واردات است، در حالی انجام می‌شود که براساس قانون نرخ ارز مورد استفاده در محاسبه ارزش واردات از ابتدای سال ۱۴۰۰ باید با رقم اعلام‌شده در سامانه ETS بانک مرکزی تطابق پیدا کند که به دلیل عدم ابلاغ آن به گمرک هنوز اجرایی نشده است. نتیجه این اقدام که زیرپا گذاشتن قانون نیز محسوب می‌شود، آن است که این منبع پیش‌بینی‌شده در بودجه محقق نشود و به کسری بودجه افزوده شود. این موضوع از معایب و مشکلات ارزش‌ترجیحی است که کمتر به آن پرداخته شده است.

شکست دلار ۴۲۰۰ دیگر بر تمامی مردم و اصحاب اقتصاد مشهود و غیر قابل انکار است. بررسی‌ها نشان می‌دهد از ابتدای سال جاری تا روز گذشته برای واردات کالاهای اساسی بالغ‌بر ۵/۵ میلیارد دلار ارزش‌ترجیحی به‌صورت نقدی و اعتباری تامین شده است. اما شاخص تورم کالاهای اساسی در بهار امسال حاکی از آن است که به‌رغم اختصاص ارزش ۴۲۰۰ به نهادهای تولید، کالاهای اساسی شاهد رشد بالای قیمت بودند. به این ترتیب سوالی که پیش می‌آید این است که مقصد دلار ۴۲۰۰ کجا بوده است؟ بررسی‌های نشان از آن دارد که عمده این مبلغ پرداختی به واردات مربوط به وزارتخانه‌های صنعت، معدن و تجارت، جهادکشاورزی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تخصیص یافته است. باید توجه کرد تخصیص ارزش‌ترجیحی به‌منظور کنترل قیمت کالاهای اساسی و اقلام پرمصرف خانوار انجام می‌شود، این درحالی است که بررسی آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار، مربوط به تورم ماهانه و نقطه به نقطه سه ماه ابتدایی سال جاری، حاکی از آن است که این سیاست علاوه بر شکست در سال‌های گذشته، در سال جدید نیز کاری از پیش نبرده است و اثر آن در کنترل قیمت کالاهای اساسی را به نوعی می‌توان صفر دانست. سوال مشخص این است که اگر این دلارها باعث کنترل تورم نشده، مقصد این مبالغ



رفتار تابستانه دلار در ایران

در اولین روز تابستان، خریداران دلار قدرت‌نمایی کردند و توانستند محدوده ۲۴ هزار و ۲۰۰ تومان را فتح کنند. روز سه‌شنبه، اسکناس آمریکایی ۲۳۰ تومان افزایش قیمت را تجربه کرد و به بهای ۲۴ هزار و ۲۳۰ تومان رسید. این دومین افزایش متوالی دلار در هفته اول تابستان بود و از نگاه برخی معامله‌گران، نشان‌دهنده فاز جدید رفتاری در بازار ارز بود. برخی از فعالان اعتقاد داشتند که تغییر رفتار معامله‌گران ناشی از تغییر سمت و سوی انتظارات نسبت به مذاکرات هسته‌ای بود. در واقع معامله‌گران در گذشته احساس می‌کردند که توافق هسته‌ای نزدیک است و به زودی انجام خواهد شد. در هفتمین روز از تیر ماه دلار به آستانه مرز ۲۵ هزار تومانی رسید و سقف قیمت خود در ۷۰ روز اخیر را تجربه کرد. بازیگران این بازار اعتقاد به عوامل سیاسی و اقتصادی داشتند. گروهی از بازیگران ارزی عنوان می‌کردند، حمله آمریکا به برخی گروه‌های عراقی و عدم‌تمدید تفاهم‌نامه با آژانس انرژی اتمی با جوسازی برخی معامله‌گران روبه‌رو شده بود. این دسته از معامله‌گران با تکیه بر چنین اخباری سعی می‌کردند، چنین تصویری را در بازار برجسته کنند که امکان لغو تحریم‌ها و احیای توافق هسته‌ای دشوار شده است. اما در روز هشتم تیر اسکناس آمریکایی ۲۵۰ تومان رشد را به ثبت رساند و با خروج از کانال ۲۴ هزار تومانی به بهای ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان رسید. دلار آخرین بار در ماه فروردین در کانال ۲۵ هزار تومانی نوسان کرده بود. در دومین روز کاری مردادماه، اتفاق مهمی در بازار ارز رخ داد. معامله‌گران در یک روز نیمه تعطیل توانستند قیمت دلار را از محدوده مقاومتی ۲۴ هزار و ۸۰۰ تومان عبور دهند و به دنبال آن، اسکناس آمریکایی تا عدد ۲۴ هزار و ۹۰۰ تومان پیشروی کرد. عدد یاد شده ۲۲۰ تومان بیشتر از روز شنبه بود و نشان می‌داد که خریداران به صورت زیرپوستی به بازار بازگشته‌اند، چرا که اسکناس آمریکایی از سه‌شنبه هفته گذشته عمدتاً در مسیر افزایشی قرار داشته است. به گفته فعالان، نامیدی معامله‌گران از احیای توافق هسته‌ای در دولت دوازدهم مهم‌ترین عاملی بوده که جهت انتظارات معامله‌گران بازار را در روزهای اخیر تحت تاثیر قرار داده است. در کنار این، اخباری شنیده می‌شود که در صورت خروج ایران از مذاکرات هسته‌ای، آمریکا تحریم‌های جدیدی را علیه صنعت نفت ایران اعمال خواهد کرد. روزنامه وال‌استریت ژورنال چندی پیش از قول چند منبع رسمی آمریکا گزارش داد که دولت جو بایدن در حال بررسی

اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای است. این گزارش می‌افزاید آمریکا در نظر دارد تحریم‌های سخت‌تری علیه فروش نفت ایران به چین اعمال کند تا ایران را تشویق کند برای توافق هسته‌ای تصمیم بگیرد و هزینه شکست مذاکراتی که در حال حاضر به تعلیق افتاده را بالا ببرد. دلار در هشتمین روز از مرداد در کانال ۲۵ هزار تومانی پیشروی کرد و بالای سطح ۲۵ هزار و ۵۰۰ تومان قرار گرفت. با این رشد اسکناس آمریکایی به بالاترین قیمت از اوایل فروردین ماه رسید و توانست میزان بازدهی هفتگی خود را به بالای ۴ درصد برساند. مهمترین دلیل این افزایش را به طور کلی می‌توان این‌گونه عنوان نمود که معامله‌گران تصور می‌کردند که مذاکرات هسته‌ای در شرایط خوب یا معمولی قرار دارد. همین عامل موجب می‌شد بی‌گدار به آب زنند و به راحتی اقدام به خرید دلار نکنند. با این حال، از هفته گذشته، معامله‌گران از سمت داخل و خارج کشور، سیگنال‌هایی را دریافت کردند که احتمال احیای برجام را برای آنها ضعیف کرد. این موضوع موجب شد اسکناس آمریکایی به سرعت از مقاومت ۲۴ هزار و ۸۰۰ تومان عبور کند و خود را به کانال ۲۵ هزار تومانی برساند. با رفتن به کانال ۲۵ هزار تومانی، سرعت رشد قیمت اسکناس آمریکایی تندتر شد.



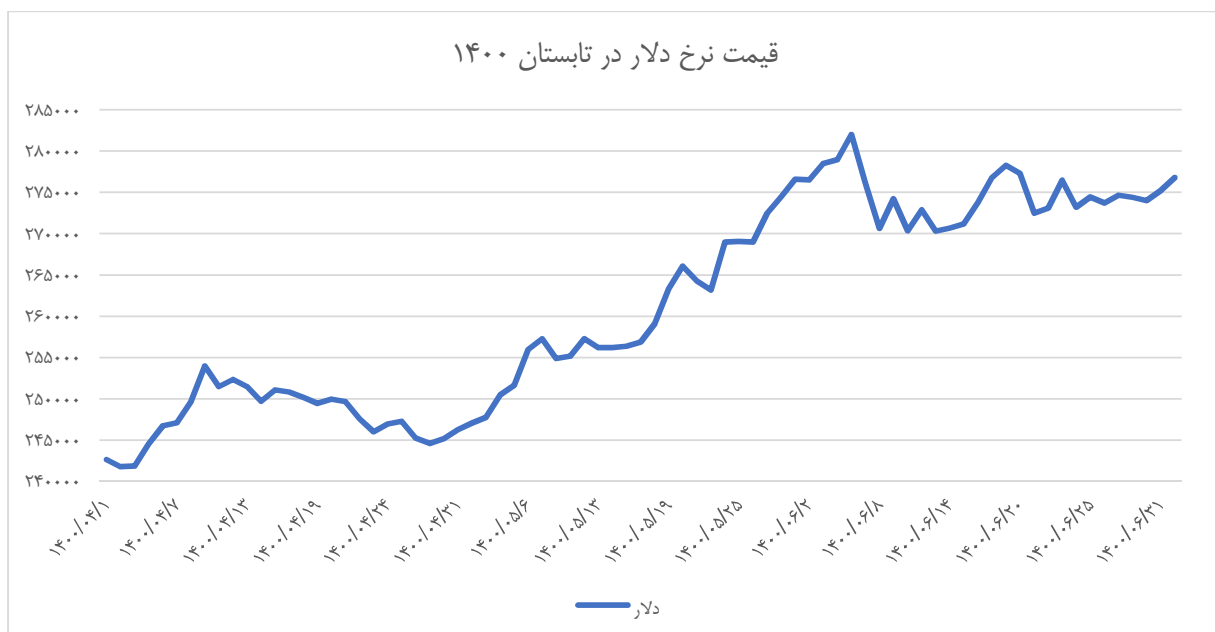


دلار در هفدهمین روز مرداد نه تنها کاهش قیمت را تجربه نکرد، بلکه با سرعت بیشتری حرکت در مسیر افزایشی را ادامه داد. پس از تغییر ریاست جمهوری در ایران و برگزاری مراسم تحلیف، اسکنااس آمریکایی طی دو روز کاری کاهش قیمت را تجربه نکرد. این در حالی بود که برخی از فعالان انتظار داشتند که با آغاز به کار ابراهیم رئیسی، میزان عرضه ارز افزایش پیدا کند و قیمت دلار در مسیر کاهش قرار بگیرد. مهمترین عوامل صعودی در بازار ارز را در این بازه می توان عدم تشریح برنامه و سیاست های دولت و تنش های منطقه ای را عنوان نمود. دلار در پایان مرداد ماه در محدوده ۲۶ هزار و ۴۲۰ تومان متوقف شده بود، و در روزهای بعد در معاملات پشت خطی توانست حتی در مقطعی بالای مرز ۲۷ هزار تومانی معامله شود. یکی از علامتهای سیاسی مورد توجه معامله گران، تسلط طالبان بر افغانستان و ناامنی های همسایه شرقی بود. به باور برخی از بازیگران ارزی، اتفاق های رخ داده در افغانستان می تواند تبادلات تجاری ایران با این کشور را دچار مشکل کند و این مساله سمت و سوی انتظارات در بازار داخلی را تحت تاثیر قرار داد. در دومین روز از شهریور ماه دلار توانست برای دقایقی خود را به بالای مرز حساس ۲۷ هزار و ۸۰۰ تومان برساند، این

قیمت ۵۰ تومان بیشتر از روز اول شهریور بود و انتظار برخی از معامله گران را برای ادامه روند افزایشی بالا برد. با این حال، برخی از معامله گران فنی تصور می کردند که دلار به قله قیمتی کوتاه مدت خود رسیده است و در روزهای بعد، سطح فروش ها در بازار بیشتر خواهد شد. این گروه عدم توان حفظ دلار بالای مقاومت ۲۷ هزار و ۷۰۰ تومان را عاملی دانستند که خبر از احتمال افت قیمت ها و خروج خریداران بزرگ از بازار می دهد. در این میان برخی معامله گران اعتقاد داشتند که ۴ عامل و تکانه زمینه ساز رشد قیمت دلار در روزهای قبل شدند و برخی از آنها همچنان بر بازار اثر دارند. به عنوان مثال، مشخص نبودن آینده برجام و لغو مذاکرات هسته ای یکی از مهم ترین عواملی بود که در روزهای قبل زمینه ساز افزایش خریدهای احتیاطی در بازار شد. دلار در سومین روز از شهریور نیز در ادامه روند صعودی روزهای اخیر خود تا کانال ۲۸ هزار تومانی پیشروی کرد؛ اما در نهایت عقب نشست. اظهارات محمد مخبر از برخی گشایش ها در بازار ارز و دسترسی به پول های بلوکه شده، با تایید رئیس جمهور همراه شد. براساس گفته های رئیسی، اقداماتی برای تامین ارز در حال انجام است که این اظهارات ززمه هایی از توافقی سیاسی را در بازار ایجاد



کرده است. اظهارات صبح دیروز مخبر نتوانست با رشد تقاضا در بخش حواله و افزایش خریدهای احتیاطی در بازار رقابت کند؛ به طوری که تا اوایل عصر، بازار ارز صعودی بود اما این مسیر در معاملات انتهایی تغییر کرد. فرمان رئیس جمهور برای مدیریت بازار ارز و کنترل تورم در کنار کاهش معنادار آمار واردات موجب شد که ششمین روز از شهریور دلار ۵۵۰ تومان از ارزش خود را از دست بدهد و در محدوده ۲۷ هزار و ۵۵۰ تومان قرار بگیرد. افزون بر این، برخی فعالان باور داشتند که شماری از معامله‌گران از خریدهای پیشین خود سودگیری کردند و این عامل نیز در افت کانالی دلار اثر داشت. برخی تحلیلگران نیز افزایش عرضه ارز توسط بازارساز را در افت قیمت اسکناس آمریکایی موثر دانستند.



آخرین مرحله عملیات بازار باز

مرکزی به صورت خالص ۲/۸۸ هزار میلیارد تومان تزریق منابع تا هفته نخست تیرماه سال جاری انجام داده است. این مرحله سیزدهمین مرحله از انجام عملیات مذکور در سال جاری محسوب می‌شود. بنا بر گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، در راستای اطلاعیه روز پنج‌شنبه ۳ تیرماه سال جاری، مبنی بر برگزاری حراج فروش مدت‌دار اوراق مالی اسلامی دولتی در عملیات بازار باز، دو بانک سفارش خرید اوراق مالی اسلامی دولتی در قالب توافق بازخرید معکوس (ریپوی معکوس) را تا مهلت تعیین‌شده (ساعت ۱۲ روز شنبه ۵ تیر) در مجموع به ارزش ۲۳/۵ هزار میلیارد تومان از طریق سامانه بازار بین‌بانکی به بانک مرکزی ارسال کردند

آخرین مرحله از عملیات بازار باز با سیاست ریپوی معکوس در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفت. بانک مرکزی در هفته منتهی به هفتم تیر به اجرای عملیات بازار باز در قالب توافق بازخرید معکوس به مبلغ ۶/۴۴ هزار میلیارد تومان اقدام کرد. سررسید این اوراق هفت روزه و نرخ سود آن معادل ۱۸ درصد است. بررسی آمارهای رسمی نشان می‌دهد که تا روز یکم تیرماه سال جاری در مجموع ۲۵/۱۱ هزار میلیارد تومان نقدینگی با نرخ زیر ۲۰ درصد از طریق عملیات بازار باز تزریق شده و همچنین به میزان ۲۲/۲۳ هزار میلیارد تومان منابع از بازار بین بانکی جذب شده است. در مجموع می‌توان گفت بانک

تشریح مراحل عملیات بازار باز از مرحله دهم تا سیزدهم (هزار میلیارد تومان)						
عملیات بازار باز	تاریخ برگزاری	میزان مداخله در قالب ریپوی معکوس	میزان سررسید ریپوی معکوس	نرخ سود	میزان مداخله در قالب تسهیلات قاعده مند	میزان سررسید تسهیلات قاعده مند
مرحله ۱۰	۱۷ خرداد	۶/۳۷	-	۱۸	-	-
مرحله ۱۱	۲۴ خرداد	۳	۶/۳۹	۱۸	۱۸/۲۲	۱۴/۹۳
مرحله ۱۲	۱ تیر	۶/۴۲	۳	۱۸	۱۰/۷۱	۱۶/۷۷
مرحله ۱۳	۷ تیر	۶/۴۴	۶/۴۴	۱۸	-	۰/۷۲

بازگشت دلارهای صادراتی چه شد؟

نیمه» و حدود ۳۰ درصد از طریق «واردات در مقابل صادرات» انجام شده و ۱۳ درصد از طریق سایر روش‌ها اتفاق افتاده است. برآیند این آمار عدم بازگشت بالغ بر ۱۶ میلیارد یورو تعهد ایفا نشده از سوی بیش از ۱۴ هزار صادرکننده است، در مقابل ۹ هزار و ۵۵۷ صادرکننده یک تا صد درصد تعهدات خود را ایفا کرده‌اند. اتخاذ سیاست‌های پولی و ارزی مخرب توسط سیاستگذاران در دهه‌های اخیر سبب بروز کسری بودجه بالا و در نتیجه تورم‌های مزمن پایدار شده است. در کشور ما به دلیل عدم استقلال بانک مرکزی این نهاد پولی و مالی نتوانسته سیاست‌های پولی را بنا بر صلاحدید خود در جهت حفظ ارزش پول ملی اعمال و اجرا کند و صرفاً مجموعه‌ای از وظایف را برعهده دارد که خروجی مشخصی برای کنترل تورم و ارزش پول ملی ندارد.

داده‌های مرکز آمار ایران از بازگشت دلارهای صادراتی از سال ۹۷ تاکنون نشان از آن دارد که ارزش حاصل از صادرات غیرنفتی، ۹ هزار و ۵۵۷ صادرکننده، ۵۸/۲ میلیارد یورو ارزش را به چرخه اقتصاد کشور بازگردانده‌اند که مقصد اصلی آن نیز «سامانه نیمه» است. این رقم تا پایان سال گذشته ۴۰/۱ میلیارد یورو بوده است. براساس جدیدترین آمار سازمان توسعه تجارت، در بیش از چهار ماه گذشته از مجموع ۸۵/۲ میلیارد یورو تعهدات صادراتی، ۷۴/۹ میلیارد یورو سررسید شده و در مقابل ۱۰/۳ میلیارد یورو سررسید نشده است. در ضمن از ۷۴/۹ میلیارد یورو تعهد سررسیده شده، ۵۸/۲ میلیارد یورو ارزش معادل ۷۸ درصد کل تعهدات، به چرخه اقتصادی کشور بازگشته است. بر مبنای آمار موجود، ۵۷ درصد ایفای تعهدات ارزی از طریق فروش ارز در «سامانه

بازار انرژی

کنترل خاموشی‌ها بدست کیست؟

رجبی‌مشهدی سخنگوی صنعت برق از نزدیک شدن حجم کسری برق به حدود ۱۱ هزار مگاوات در روز خبر می‌دهد. بررسی ابعاد مختلف ماجرای خاموشی‌ها نشان می‌دهد تعلل طولانی سیاستگذار در زمینه اعلام وضعیت صنعت برق به نارضایتی عمومی از خاموشی‌های کنونی منجر شده است. از طرف دیگر سیستمی که سیاستگذار از هر جهت طراحی کرده اولاً پایدار (Sustainability) نیست و در درجه دوم توان تاب‌آوری (resilience) در مقابل وقایع غیرمنتظره را ندارد. مهم‌ترین راهبرد تحقق دو هدف بالا در سطح صنعت برق، اتصال به جهان واقعی است تا منابع به شکل اقتصادی و بهینه در این بخش تخصیص یابد. تامین و توزیع برق و چالش‌هایی قطعی برق برای صنایع به ازای هر ساعت خاموشی، حدود ۱۵۰ میلیون تومان خسارت وارد می‌کند. همچنین اگر ۳۰ ساعت خاموشی در ماه برای یک واحد تولیدی متوسط رخ دهد، این واحد صنعتی در طول ماه با ۴/۵ میلیارد تومان خسارت مواجه خواهد شد. در این راستا خاموشی‌های مکرر نه تنها مشترکان خانگی را دچار مشکل نموده بلکه دامن‌گیر صنایع سبک، متوسط و سنگین نیز شده است. چراکه وزارت نیرو در نخستین اقدام برای کاهش مصرف برق، برق صنایع را محدود کرد که این امر باعث اعتراض آنها شد. اما این وضعیت با یک اقدام مثبت وزارت نیرو نیز همراه شد. اخیراً این وزارتخانه تصمیم به انحصارزدایی از تولید برق گرفته است. براساس این تصمیم، موافقت اصولی میان وزارت نیرو با صنایع بزرگ برای سرمایه‌گذاری ۶ میلیارد یورویی به منظور تولید ۱۰ هزار و ۵۳۶ مگاوات برق ظرف سه سال صورت گرفته است. به گفته وزیر نیرو این طرح بخشی از فشار مصرف برق صنایع بر شبکه برق را کاهش می‌دهد و مسیر را برای کاهش قطعی برق صنایع در سال‌های آتی هموار می‌کند.

در تابستان امسال شاهد رکوردشکنی در خاموشی‌ها بودیم، این سوال مطرح می‌شود که مسوول این رکورد شکنی در حوزه خاموشی‌ها کیست یا تامین برق سراسری چگونه از تعادل حداقلی خارج شد؟ یا اتفاق فرمان خاموشی‌ها دست کدام نهاد و با چه برنامه‌ای است؟ پاسخ این سوالات همان موضوعی است که موجب رکوردشکنی دوباره کسری برق و خاموشی‌های گسترده و البته متفاوت در سراسر کشور را رقم زده است. فاز اول قطعی برق که به «خاموشی‌های زود هنگام» موسوم شد، ریشه در عدم توازن در تولید و مصرف به واسطه کاهش شدید سرمایه‌گذاری‌ها در این صنعت استراتژیک رقم خورده بود. در شماره‌های پیشین طی دو سال گذشته با سرفصل برق این موضوع بارها هشدار داده شده بود. مهم‌ترین راهبرد در این صنعت افزایش سرمایه‌گذاری در بخش خصوصی است. اما فعالان بخش خصوصی واقعی نبودن قیمت حامل‌های انرژی را عاملی در کاهش انگیزه برای سرمایه‌گذاری عنوان می‌نمایند. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در صنعت برق از ۶/۵ میلیارد دلار در سال ۸۷ به ۶۳۰ میلیون دلار در سال ۹۹ رسیده است. اتفاق فرمان قطع برق تحت کنترل «رله‌های فرکانسی» قرار گرفته که به شکل خودکار فارغ از جداول اعلامی، خاموشی را به مناطق مختلف تحمیل می‌کند. از این رو شاهد خاموشی‌های خودکار، قطعی‌های مکرر (سه بار) در طول یک شبانه‌روز و بعضاً بیش از بازه زمانی دو ساعته بودیم. مهم‌ترین دلایل قطعی برق را می‌توان در گرمای بی‌سابقه در تهران و سایر کلان‌شهرها، و ورود ماینرها به بازار برق، مدیریت شبکه توزیع برق را به هم ریختن و سطح کسری مصرف برق را تا ۱۵ درصد کل حجم تولید برق در کشور رساند. شواهد موجود از جمله اظهار نظر رسمی مصطفی



سرانه مصرف برق هر خانوار ایرانی

سرانه مصرف برق در ایران از میانگین جهانی نیز کمتر است. البته باید این موضوع را نیز در نظر گرفت که خانوارهای ایرانی از دو انرژی گاز و برق استفاده می‌کنند و بدون در نظر گرفتن این دو نمی‌توان سرانه مصرف برق را با سایر کشورها که کل انرژی خانگی را با استفاده از برق تامین می‌کنند، مقایسه نمود. به عبارت دیگر در زمینه تحلیل مصرف انرژی در ایران، هم‌ردیف کردن ایران با کشورهایی مثل عربستان، قطر و امارات که ایران را در رده پایینی از نظر سرانه مصرف برق نسبت به میانگین جهانی و منطقه‌ای قرار می‌دهد شاید مقایسه صحیحی نباشد. مسیر نسبتاً صحیح تر تقسیم‌بندی مصرف‌کنندگان انرژی به بخش‌های خانگی، تجاری، عمومی و صنعتی و نیز مقایسه آن در قالب «مصرف انرژی

به ازای افزایش

GDP»، پرده از راز

مصرف بالای ایران برمی‌دارد. با

این شیوه بررسی مشخص می‌شود ایران در زمینه شدت انرژی تا ۴ برابر آلمان و ترکیه برق مصرف می‌کند. برای روشن تر شدن ماجرای یارانه برق می‌توان به موضوع یکی از افراد مشهور که قبض برقی را اکران عمومی کرد اشاره داشت. بر این اساس با بررسی محمد فاضلی، رئیس مرکز امور اجتماعی وزارت نیرو نشان می‌دهد در همین قبض برق، مبلغی معادل ۹ میلیون و ۹۸۷ هزار تومان یارانه دریافت شده و مشترک یادشده تنها حدود ۴ میلیون ۶۳۰ هزار تومان از بهای ۱۴ میلیون و ۶۱۷ هزار تومانی برق مصرفی خود را که ۶۲۸۰ کیلووات

ساعت بوده،

پرداخت کرده است.

در این میان البته مشترک

مقصر نیست و این سیاستگذار است که بدون آگاه کردن جامعه از بهای واقعی تولید برق، پرمصرف‌ها را مقصر «خاموشی‌ها» می‌داند. در واقع سیاستگذار در نتیجه اصرار بر سرکوب قیمت برق، نه تنها اوضاع کشور را بهتر نکرده که بخش عمده یارانه را به جیب پرمصرف‌ها واریز کرده، ضمن اینکه عموم مصرف‌کنندگان و نیز کل صنعت برق کشور را از محل همین خطای سیاستی آشکار متضرر کرده است. این موضوع عدم افشاء یارانه‌ها در بخش حامل‌های انرژی در همه جا گریبان کم مصرف‌ها را گرفته و سود آن را به جیب پرمصرف‌ها ریخته است.



کمپ معتقد است که مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان برای پاسخ به این چالش احتمالاً روی قیمت ۷۰ دلار بر بشکه به توافق نسبی و نانوشته دست یابند. امری که برای دو طرف نسبتاً مناسب است. روز جمعه افزایش جزئی در بهای شاخص‌های نفت خام به وجود آمد، اما این افزایش جزئی نتوانست مانع از افت هفتگی طلای سیاه شود. شاخص نفتی برنت عملکرد هفتگی چندان مساعدی نداشت و برای سومین هفته متوالی با افت روبه‌رو شد، از سوی دیگر شاخص نفتی وست تگزاس اینترمدییت آمریکا نیز بدترین عملکرد هفتگی خود را از ماه مارس سال جاری تاکنون به ثبت رساند. کارشناسان دلیل اصلی این عقب‌نشینی قیمتی را گسترش شیوع سویه دلتا و ویروس کرونا می‌دانند.

اما از طرف دیگر گزارش جدید آژانس رتبه‌بندی و اعتبارسنجی مودیز (Moody's) حاکی از آن است که به‌رغم جاه‌طلبی برای تنوع بخشی به اقتصاد کشورهای حوزه خلیج فارس و دور شدن آنها از اتکا به سوخت‌های فسیلی، تاکنون نتایج به دست آمده محدود بوده است. مودیز همچنین معتقد است که این تلاش‌ها با کاهش قیمت‌های نفت خام با دشواری‌های بیشتری هم روبه‌رو خواهند شد. وابستگی شدید درآمد دولت و تولید ناخالص داخلی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، زنگ خطر جدی را برای عصر پس از سوخت‌های فسیلی به صدا درآورده است. بر این اساس در گزارش موسسه مودیز عنوان شده است که فقدان اراده‌ای جدی برای اخذ مالیات و توسعه بخش غیرنفتی اقتصاد که خود وابستگی شدیدی به درآمدهای نفتی دارد در کنار انگیزه دولت‌ها به توسعه بیشتر بخش نفت و گاز، نشانگر روزهای دشوار برای دولت‌های نفتی در دهه‌های آینده خواهد بود. افزایش بهای نفت خام در ماه‌های اخیر و حرکت آن به سمت ۸۰ دلار در هر بشکه، فشار مضاعفی بر کشورهای مصرف‌کننده که در دوران بازیابی اقتصادی هستند وارد کرده و از سوی دیگر تولیدکنندگان به دلیل بحران قیمتی ۲۰۲۰ به قیمت‌های بالاتر علاقه مندند. جان کمپ، ستون نویس خبرگزاری رویترز در یادداشتی به کشمکش‌ها در بازار بر سر قیمت نفت پرداخته و می‌گوید افزایش بهای هر بشکه نفت خام به بالای ۸۰ دلار می‌تواند برای تولیدکنندگان مناسب و دلخواه باشد، اما از سوی دیگر باعث افزایش فشارها از سوی مصرف‌کنندگان می‌شود. چنین شرایطی ممکن است به تسریع روند گذار از نفت برای تامین انرژی بینجامد، که این امر چندان خوشایند تولیدکنندگان نیست.

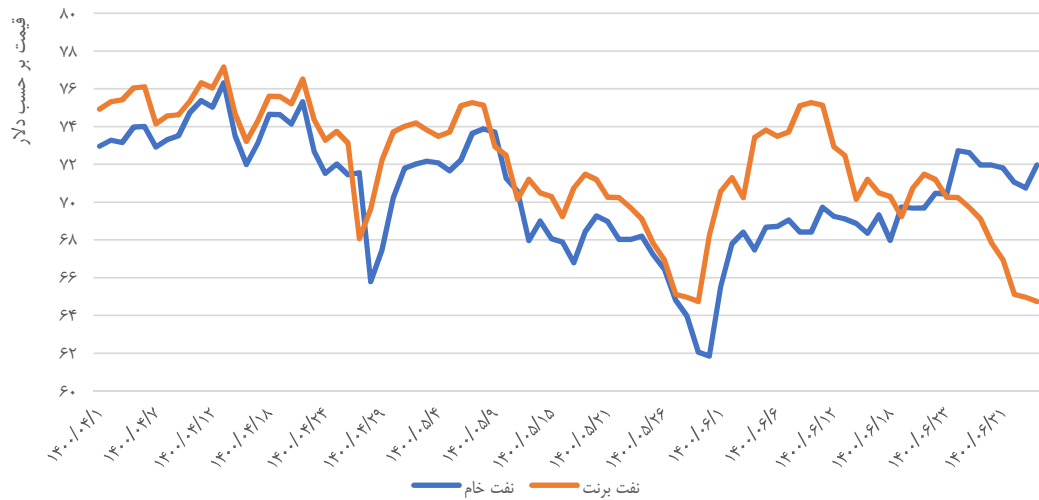
افزایش بهای طلای سیاه به بیش از ۷۰ دلار بر بشکه انتظارات را برای رسیدن به نفت سه رقمی بسیار بالا برده است. در سال گذشته وقتی نفت بر اثر کرونا قیمت منفی به خود گرفت بسیاری از تحلیل‌گران بر این باور بودند که نفت به جایگاه خود یعنی بالای ۵۰ دلار خواهد رسید. اما این گمانه برای بسیاری از فعالان یا تازه‌واردان به بازار سنگین بود اما حالا بسیاری از افراد با شنیدن نفت ۱۰۰ دلاری می‌گویند که خیلی دور از انتظار نیست. روند افزایشی و پیوسته سمت تقاضا به واسطه تسهیل محدودیت‌های کرونایی همچنان ادامه

نفت ۱۰۰ دلاری از رویا تا واقعیت

دارد و واکنش‌ها بیش از پیش به ابزاری برای بازگشت اقتصاد از قعر پاندمی تبدیل می‌شوند. برخی نهاد‌های مهم تجاری در بازار نفت این احتمال را برای سال جاری میلادی امکان‌پذیر می‌دانند. با این وجود بعضی دیگر از احتمال بالاتر وقوع نفت ۱۰۰ دلاری در سال‌های آینده خبر می‌دهند. چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده این کامودیتی در جهان طی ۸ ماه گذشته ۴ ماه را با افزایش استفاده از موجودی‌ها برای پالایش نفت سپری کرده است. چین در ماه ژوئن روزانه ۲۸۰ هزار بشکه از نفت انبار شده‌اش بهره برده، رقمی که در ماه گذشته (مه) به ۵۸۹ هزار بشکه در روز افزایش یافته و به معنای این است که با رشد قیمت نفت، پالایشگران ترجیح می‌دهند بیشتر از نفت ارزانی که طی سال گذشته خریداری شده‌اند استفاده کنند تا اینکه واردات را بالا ببرند.



قیمت نفت برنت و نفت خام در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



حیات بازاریافتیا حیات محیط زیست

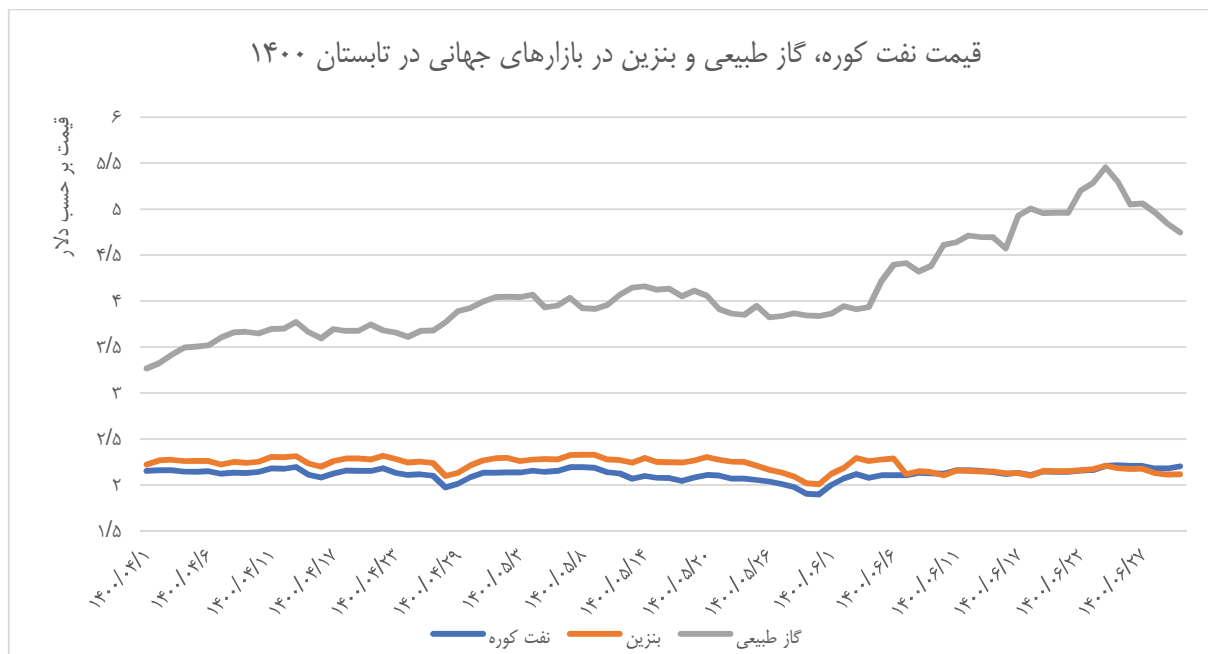
اطمینان در افکار عمومی در باب پیامدهای تغییرات اقلیمی و گرم شدن زمین، برای دهه‌ها به حیات خود ادامه دادند. غول‌های نفتی دنیا در سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند با ابتکارهایی مانند استفاده از فناوری مهار و ذخیره کربن (CCS) سرمایه‌گذاران را راضی کنند اما فعالان محیط‌زیستی به آن قانع نبوده و خواستار اقدامات دیگر برای حذف انتشار کربن هستند. با این حال، فلیسیتی برداستوک، کارشناس حوزه انرژی و مالی در تحلیلی برای اوپل پرایس گفته؛ تکنولوژی مذکور باید راهی باشد که به صورت موقت تا وقتی که جهان به‌طور کامل از نفت عبور کند و انرژی موردنیازش را از منابع پاک تامین کند، سرمایه‌گذاری‌ها را از درون این صنعت و همین‌طور بخش عمومی به خود جذب کند. این کارشناس البته معتقد است همچنان باید شرکت‌های بزرگ نفتی سرمایه‌گذاری خود در انرژی‌های تجدیدپذیر را افزایش دهند اما با توجه به رشد جمعیت به‌ویژه در آسیا و پیش‌بینی افزایش تقاضا برای سوخت‌های فسیلی فعلاً دست‌شستن از آنها امکان‌پذیر نیست و در چند دهه آینده باید انتشار کربن روزانه را مهار کرد. تکنولوژی مهار و ذخیره کربن اما منتقدانی هم دارد که کارایی آن را در ابعاد بزرگ زیر سوال برده‌اند و معتقدند چنین فناوری گرانی موجب آلودگی مکان‌هایی می‌شود که کربن مهار شده در آنجا ذخیره می‌شود. در حالی که آژانس بین‌المللی انرژی و کنشگران محیط‌زیستی در سراسر جهان برای کربن‌زدایی و تغییر به سمت منابع جایگزین انرژی (تجدیدپذیر) تلاش می‌کنند، فناوری مهار و ذخیره کربن (carbon capture and storage) به اندازه کافی بهبود نیافته است. این تکنولوژی از منظر نویسنده این گزارش تحلیلی برای دوره گذار انرژی که طی آن تقاضا برای نفت و گاز همچنان بالا است و صنعت بدون سوزاندن دی‌اکسید کربن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، ضروری است. یک تحلیل آژانس بین‌المللی انرژی در سال جاری میلادی نشان داد انتظار می‌رود اقتصادهای نوظهور و در حال توسعه که آماده افزایش جمعیت و درآمد هستند به‌ویژه در آسیا، اکثر تقاضای جهانی نفت را به خود اختصاص خواهند داد و تا دهه آینده همچنان به رشد ادامه می‌دهند. بخش بزرگی از دانشمندان، محققان و فعالان رخدادهایی مانند آتش‌سوزی‌های گسترده در آمریکا و اروپا، خشکسالی در ایران و نابودی زیستگاه‌های وحشی در استرالیا را به بحران گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی منتسب می‌کنند. آنها به‌شکلی متفق‌القول متهم ردیف اول این بحران را صنعت آلاینده سوخت‌های فسیلی نفت و گاز می‌دانند. به‌گزارش روزنامه گاردین، حالا بخشی از جنبش فعالان اقلیمی با رویکردی رادیکال خواهان از بین بردن شرکت‌های نفت و گاز در آمریکا هستند و شاید به‌نوعی می‌خواهند از این طریق صنعت سوخت‌های فسیلی را بابت آنچه بر سر محیط‌زیست جهان آورده‌اند، تنبیه کنند. برخی از این گروه‌های اقلیمی و فعالان خواهان نابودی تسلط کامل بخش خصوصی در صنعت

بحران جهان در پی شیوع گازهای گلخانه‌ای و گرم شدن کره زمین یکی از بزرگترین دلواپسی‌های مردم شده است. بحران بالا آمدن آب اقیانوس‌ها و زیر آب رفتن برخی از شهرهای ساحلی، بارش‌های باران‌های سیل‌آسا، بحران‌های زیست محیطی، آتش‌سوزی جنگل‌ها متأثر از گرمایش زمین همه و همه انگشت اتهام درباره این بحران صنایع سوخت‌های فسیلی را هدف گرفته و تنها در ایالات متحده ۱۲ پرونده قضایی بر روی میز محاکمه قرار گرفته است. اتهام آنها «سرکوب هشدارها در باب تاثیر سوخت‌های فسیلی بر بحران‌های زیست محیطی» است. جوامع، خواستار پرداخت خسارت از سوی شرکت‌های نفت و گاز برای کاهش آسیب ناشی از به کارگیری سوخت‌های فسیلی هستند. و به نظر می‌رسد این سیل مردمی و فکری غول‌های نفتی آمریکا را با خود خواهد برد. در سال ۱۹۷۹ کمپانی نفتی اکسون‌موبیل (ExxonMobil) در مطالعه‌ای از تاثیرات گسترده سوزاندن سوخت‌های فسیلی برای محیط‌زیست سخن گفته است. در نتیجه‌گیری این مطالعه آمده که «این مشکل بالقوه، بسیار بزرگ و اضطراری است». با وجود شواهدی که این تحقیقات ارائه می‌دهند، اما شرکت‌های نفتی با همکاری یکدیگر، این اطلاعات را از بین می‌برند و با روایت‌های اشتباه، علیه دانش رو به رشد مسائل اقلیمی قیام می‌کنند. صنایع سوخت‌های فسیلی با ایجاد عدم



نفت و گاز بر زیرساخت‌ها هستند و ملی‌سازی این شرکت‌ها را راه‌حل مشکلات می‌دانند و با استدلال‌های مشخصی می‌گویند که این شرکت‌ها به‌دلیل آسیبی که به‌جوامع زده‌اند باید در اختیار دولت و نهادهای عمومی و انتخابی قرار گیرند. در کنار این گروه‌های رادیکال، بخش دیگری از گروه‌ها و فعالان زیست‌محیطی با نابودی کامل این شرکت‌ها مخالفند و معتقدند که چنین تصمیمی نمی‌تواند به‌حل صورت مساله کمکی کند. آنها چنین اقدامی را به‌نفع صنعت سوخت فسیلی برای عدم‌پاسخگویی و شانه خالی‌کردن از زیر بار مسوولیت و تبعات رفتارشان در گذشته می‌دانند. چنین دیدگاهی که محبوب‌تر است و حتی در میان مشاوران اقلیمی جو بایدن هم طرفدارانی دارد، معتقد به پاسخگوکردن این شرکت‌ها در برابر تبلیغات و اقدامات ضد‌محیط‌زیستی آنها و تلاش برای جبران مادی بخشی از این خسارت‌ها هستند؛ خسارتی که به‌عقیده مشاور کاخ‌سفید در زمینه تغییرات اقلیمی با پرداخت هیچ هزینه‌ای قابل‌جبران نیست. دو مقام بازار جهانی نفت در یادداشتی بر لزوم متنوع‌سازی اقتصادهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا پیش از کاهش تقاضا برای نفت تأکید کردند. علی‌علاوه، وزیر دارایی عراق و فاتح بیروول، رئیس آژانس بین‌المللی انرژی معتقدند کشورهای نفتی منطقه باید هرچه سریع‌تر از سوخت‌های فسیلی به سمت انرژی‌های پاک حرکت کنند تا از تبعات این وابستگی در آینده جلوگیری شود. مساله‌گذار انرژی از سوخت‌های فسیلی و آلاینده به‌سوی منابع انرژی پاک‌تر و انرژی‌های تجدیدپذیر، یکی از چالش برانگیزترین زمینه‌های سیاسی و اقتصادی حال‌حاضر جهان است. گرمایش زمین و خطراتی که در نتیجه تغییرات اقلیمی زیست‌بشری را تهدید می‌کند، در سال‌های اخیر به‌یک‌ی از مباحث روز جهان تبدیل شده و برای کشورهایی که از نظر منابع سوخت فسیلی چندان غنی نیستند، دارای جذابیت بیشتری است. هر چند کشورهای تولیدکننده نفت‌خام، به‌ویژه اعضای خاورمیانه‌ای اوپک از طرح چنین مباحثی چندان راضی نیستند. حالا اما علی‌علاوه، وزیر دارایی عراق که کشورش از اعضای بنیان‌گذار اوپک است، با همکاری فاتح بیروول، مدیر اجرایی آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) یادداشتی منتشر کرده‌اند که در آن از تولیدکنندگان نفت‌خام خواسته شده که هرچه سریع‌تر از سوخت‌های فسیلی فاصله بگیرند و به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر حرکت کنند.

قیمت نفت کوره، گاز طبیعی و بنزین در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



زغال سنگ

که این موضوع بر واردات این محصول نیز تاثیر منفی داشته است. بلمبرگ در گزارشی که در ۱۶ جولای منتشر کرد به افزایش مصرف برق در چین به دلیل گرمای بی‌سابقه در این کشور اشاره کرده است. میزان مصرف برق در استان ژيجيانگ چین در نزدیکی استان شانگهای در سه‌شنبه هفته گذشته برای اولین مرتبه از ۱۰۰ میلیون کیلووات ساعت بالاتر رفت. این موضوع تقاضا برای زغال سنگ را در این کشور افزایش داد و نرخ معاملات زغال سنگ در معاملات فیوچرز را به ۹۰۰ یوان به ازای هر تن رساند. قیمت این محصول در معاملات آتی از ابتدای امسال رشد ۳۰ درصدی داشته است. با توجه به استمرار فصل گرما انتظار می‌رود که تقاضا

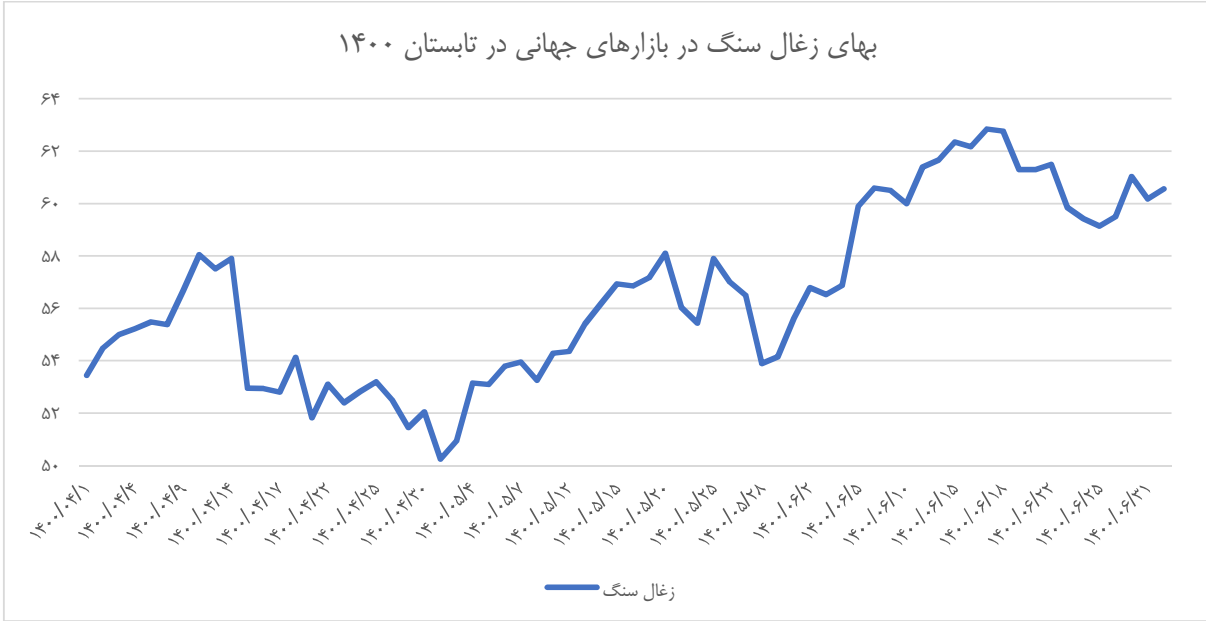


برای زغال همچنان افزایشی باشد و به این ترتیب رالی صعود زغال سنگ تمام نشده است. حوزه زغال دار طبس با وسعتی بالغ بر ۳۰ هزار کیلومتر مربع با ذخیره اکتشاف شده ۲/۷۵ میلیارد تن زغال سنگ کک شو و حرارتی یکی از بزرگ‌ترین ناحیه‌های زغالی در خاورمیانه است که از سال ۱۳۵۷ عملیات شناسایی و اکتشاف در آن انجام گرفته و همچنان ادامه دارد. ناحیه پرورده با وسعت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع در جنوب شهرستان طبس واقع شده و از نظر کیفی و کمی مهم‌ترین ناحیه در این حوزه محسوب می‌شود. همان‌طور که گفته شد ۳ نماد بورسی شامل «کزغال»، «کپور» و «کطبس» در این منطقه قرار دارند، اما نماد «کشرق» به عنوان یکی دیگر از شرکت‌های فعال زغال سنگی در ناحیه شاهرود واقع شده است. به طور کل شرکت‌های تولید زغال سنگ ایران در ۳ حوزه طبس، کرمان و البرز مستقر هستند، با این حال بیش از ۶۷ درصد ذخایر کشور محدود به طبس است.

بهای زغال سنگ حرارتی در معاملات فیوچرز به حدود ۱۵۰ دلار به ازای هر تن در نیمه ماه جولای رسید که این رقم رکورد قیمتی این محصول ظرف یک دهه اخیر است.

افزایش تقاضا و محدودیت در عرضه مهم‌ترین دلیل این رشد قیمتی بوده است. زغال سنگ حرارتی سوخت مصرفی در بخشی از کشورهای دنیا به منظور تولید نیروی برق است، گرمای بی‌سابقه هوا تقاضا برای مصرف برق به منظور روشن شدن دستگاه‌های تهویه هوا را افزایش داده است. در این میان بخش قابل توجهی از نقاط دنیا با مساله افت بارش روبه‌رو بوده‌اند که این موضوع نیز از توان تولید برق در نیروگاه‌های برق آبی کاسته و در نتیجه فشار بر نیروگاه‌های زغالی را افزایش داده است.

چین، ژاپن، کره جنوبی، آمریکا و... از جمله کشورهایی در دنیا هستند که با موج گرما روبه‌رو شده‌اند و همین موضوع باعث رشد تقاضای زغال سنگ حرارتی در آنها شده است. در عین حال که بر میزان تقاضای جهانی برای زغال سنگ افزوده شده، محدودیت‌هایی در بخش عرضه این محصول نیز به وجود آمده است. استرالیا و اندونزی از جمله بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و صادرکنندگان این محصول در دنیا هستند که ظرف هفته‌های اخیر با سیل روبه‌رو شده‌اند و این موضوع از میزان تولید و عرضه زغال سنگ از سوی آنها به بازارهای جهانی کاسته است. چین نیز از جمله بزرگ‌ترین تولیدکنندگان زغال سنگ در دنیاست که البته با توجه به تقاضای بالای مصرفی در این کشور بخشی از نیاز خود را از طریق واردات نیز تامین می‌کند. افزایش محدودیت‌های زیست محیطی در این کشور تولید این محصول را با چالش روبه‌رو کرده است. در عین حال ظرف هفته‌های گذشته جدل‌های تجاری میان چین و استرالیا افزایش پیدا کرده



پتروشیمی

پس از اعمال تحریم های سرسختانه بر مسیر اقتصاد ایران و مشکلات فروش نفت شاهد رشد حجمی تولیدات پتروشیمی در سال های گذشته بودیم. چراکه این بخش پایین دستی صنعت نفت از ارزش افزوده بالاتر و تولید شغل بیشتری نسبت به بخش بالادستی برخوردار است و از طرف دیگر محدودیت های فروش را همانند نفت ندارد. به عبارت دیگر خام فروشی همزمان با توفیق اجباری تحریم صادرات نفت، کاهش یافته و تولید داخلی در صنعت پتروشیمی تمرکز بیشتری پیدا کرده است. به گفته مسوولان این صنعت، جهش دوم پتروشیمی که قرار بود تا پایان دولت حسن روحانی تکمیل شود اما با تاخیر آخر سال جاری کاملاً اجرایی خواهد شد، موجب کاهش ۷۵۰ هزار بشکه ای خام فروشی نسبت به زمان تکمیل جهش اول خواهد شد در این خصوص مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع

پتروشیمی به ۳۳ طرح پیشران با مجموع ظرفیت ۳ میلیون تن اشاره کرد و گفت: «با اجرای طرح های پیشران ۲۲ محصول جدید در

صنعت پتروشیمی تولید خواهد شد. حسن عباسزاده در نشست با خبرنگاران در تشریح طرح های توسعه ای و رویکرد جدید تکمیل زنجیره ارزش اظهار کرد: «در زنجیره ارزش صنعت نفت از بالادست تا پایین دست، مهم ترین حلقه که از خام فروشی جلوگیری، زنجیره را تکمیل و از منابع هیدروکربوری ایجاد ارزش می کند، صنعت پتروشیمی است.» وی با اشاره به اینکه هم اکنون ۶۷ مجتمع پتروشیمی در کشور فعال است که

از این تعداد سه شرکت تامین یوتیلیتی هستند، افزود: «این مجتمع ها پارسال حدود ۴۰ میلیون تن معادل ۹۹۲ هزار بشکه نفت خام در روز سوخت و خوراک از بالادست دریافت کردند که حدود ۳۵ میلیون تن محصول نهایی تولید شد، از این مقدار ۲۵ میلیون تن صادر و حدود ۱۰ میلیون تن در داخل عرضه شد.» مدیر برنامه ریزی و توسعه شرکت ملی صنایع پتروشیمی ادامه داد: «۳۳۰ گرید پلیمری و ۴۰ نوع ماده شیمیایی از این صنعت به صنایع داخلی عرضه می شود و حدود ۱۵ هزار بنگاه کوچک

«و بزرگ در زیرمجموعه این صنعت فعال هستند کیفیت حکمرانی اقتصادی در وزارت نفت اثر مستقیمی بر تولید ناخالص داخلی و وضعیت اقتصادی افراد در کشورمان دارد. تجمیع دو صنعت پالایش و پتروشیمی در بدنه وزارت نفت در کنار اشتغالزایی و ثروت آفرینی زنجیره ارزش در صنایع تکمیلی اهمیت این وزارتخانه را در اقتصاد ایران دوچندان کرده است. در خصوص برنامه های دولت آینده معاون اسبق وزیر نفت اصغر ابراهیمی اصل عنوان نمود: توجه به زنجیره ارزش نفت و گاز مهم ترین اولویت دولت آینده باید باشد. از این رو فرآیندهایی همچون دیپلماسی انرژی، برندسازی بین المللی و تامین مالی جایگاه مهمی خواهد داشت. به عبارتی دیگر می توان گفت پیچیدگی های تصمیم سازی و اجرا در حوزه زنجیره ارزش نفت، گاز و پتروشیمی موضوع مهم دولت آینده است.





کالاهایی با ارزش افزوده بالاتر هدف‌گذاری شود که ۲۰۰ هزار نوع کالاهای مختلف را می‌تواند تولید کند، نشان‌دهنده خطای محرز حکمرانی در صنعت نفت، گاز و پتروشیمی بوده که البته این خطای ادامه‌دار تا جایی پیش رفت که روند اعطای مجوز این واحدها تازه در سال‌های اخیر متوقف شده است. اهمیت اشتغال‌زایی صنعت پلیمرها در زنجیره ارزش به قدری زیاد است که به‌تنهایی یک رکن صنعتی با رویکرد استراتژیک به‌شمار می‌رود؛ اگرچه توسعه این صنعت مستلزم در اختیار قرار داشتن بازار است که نیاز به بررسی دقیق‌تر دارد. قیمت‌گذاری دستوری زایشگاه فساد و رانت در این صنعت است. برای موفقیت در بازارهای هدف ابتدا باید تولید قدرتمند داشته باشیم که مستلزم شفافیت و فاصله‌گرفتن از هرگونه رانت و توجه به رقابت واقعی است. قیمت‌گذاری دستوری زایشگاه فساد و رانت بوده، اگرچه منافع برجسته آن به تولید و بازتولید گروه‌های قدرتمند بسیاری منتهی شده است.

ابراهیمی افزود جایگاه ایران به‌عنوان بزرگ‌ترین دارنده ذخایر گاز طبیعی که در برخی محاسبات و برآوردها ۱۸/۲ درصد از گاز جهان را در خود جای داده، در دنیا بسیار برجسته است. از طرفی دیگر ارزش ذخایر هیدروکربوری قابل استحصال قطعی کشور رقمی نزدیک به ۴۴۰۰ میلیارد دلار است، آن‌هم در شرایطی که اگر تنها در صنایع بالادستی استحصال و آماده‌عرضه به بازارهای جهانی شود. این رقم برابر با ۷۵ هزار تن طلای خالص است که نشان‌دهنده ارزش واقعی این ذخیره‌هاست. نکته اینجاست که اگر این ذخایر اگر در صنایع پایین‌دستی مصرف شود، دوبرابر شده و به ۸۸۰۰ میلیارد دلار ترقی خواهد کرد. اما در سال‌های گذشته شاهد بودیم که بخشی از سرمایه‌ها به سمت واحدهای تولیدکننده اوره یا متانول که از پایین‌ترین ارزش‌افزوده برخوردار است، تمایل یافت. این واقعیت یک انحراف در مدیریت صنعت پتروشیمی بود و به جای آنکه زنجیره تولید محصولات پتروشیمی با محوریت پلیمرها و

در ادامه اصغر ابراهیمی اصل خاطر نشان کرد که پوپولیسم و ثروت آفرینی در پتروشیمی جمع اضداد و غیرممکن است. ابراهیمی اصل در ادامه عنوان کرد: ۱۵ سال است که پتروپالایشگاه‌ها در جهان پا گرفته و امتحان خود را پس داده‌اند. در این فرآیند نفت خام یا میعانات گازی به صورت مستقیم در مجاورت نانو کاتالیست‌ها قرار می‌گیرد. خروجی آن ۱۸ درصد فرآورده از جمله سوخت جت، بنزین، گازوئیل نفت سفید و... است. ولی در کنار آن شاهد تولید ۸۲ درصدی محصولات پتروشیمی خواهیم بود که یک بازه ۶۰۰۰ کالایی را در بر می‌گیرد. به صورت دقیق‌تر در فشار و حرارت مورد نظر، کاتالیست هیدروکربن‌ها را برش داده، نحوه تقطیع، تجمیع و خارج شدن از فرآیند به تولید محصولاتی با برش‌های مختلف منتهی می‌شود که خود خوراک سایر بخش‌ها خواهد شد. نرخ بازده داخلی موسوم به در این فرآیند بسیار بالاست و بین ۴۳ تا ۴۷ درصد برآورد می‌شود که بسیار جذاب است. آمریکا، نیجریه، کویت و عربستان هر کدام یک پتروپالایشگاه فعال و هند و چین هر کدام ۲ پتروپالایشگاه فعال دارند. ظرفیت مصرف خوراک بین ۶۰۰ تا ۶۳۰ هزار بشکه در روز هر پتروپالایشگاه را در حالت اقتصادی خود تعریف می‌کند که دو فاز ۳۰۰ هزار بشکه‌ای یا ۳ فاز ۲۰۰ هزار بشکه‌ای را در بر می‌گیرد. برآورد شده در جابهار، جاسک و خرمشهر ۳ پتروپالایشگاه ۶۰۰ هزار بشکه‌ای احداث شود. زمان احداث کامل این پروژه‌ها نیز بین ۲۳ تا ۲۹ ماه برآورد شده است که در مقایسه با احداث پتروشیمی‌های موجود زمانی بسیار جذاب به‌شمار می‌رود. سرمایه‌گذاری اولیه برای احداث پتروپالایشگاه‌ها در کل ۵۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود یعنی به ازای فرآوری هر یک بشکه نفت خام یا میعانات گازی ۲۵ هزار دلار سرمایه‌گذاری اولیه نیاز است. برای تامین این میزان سرمایه نیز بر ظرفیت قرارداد ۲۵ ساله با چین یا مذاکره با کشورهای عضو گروه بریکس تمرکز خواهد شد.

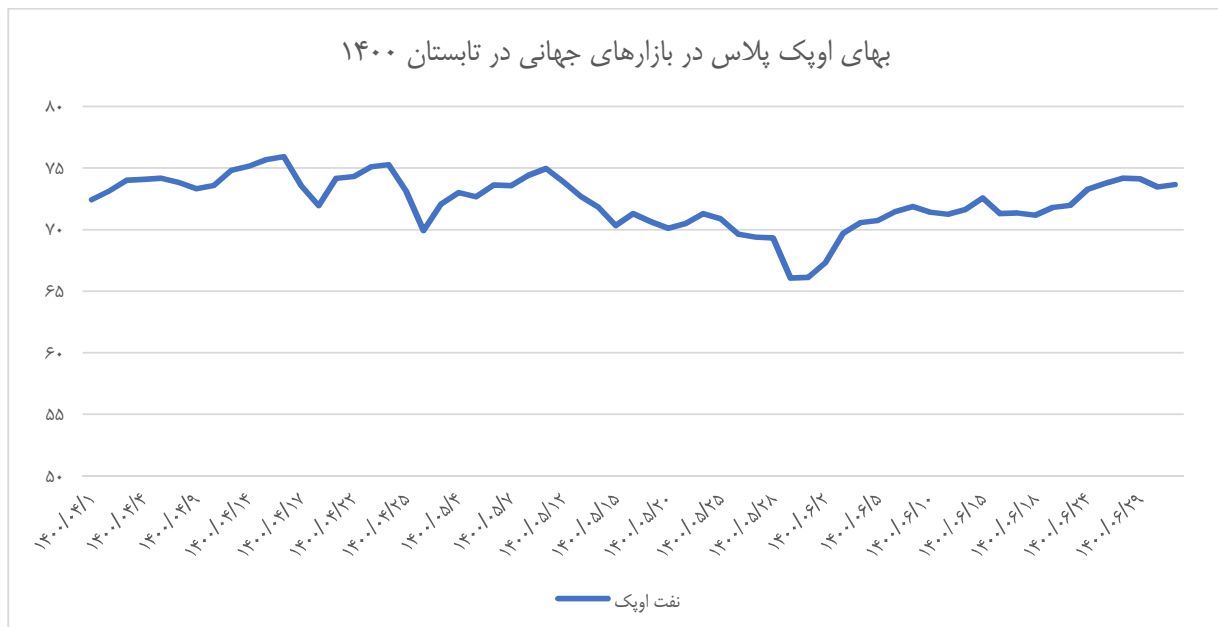


اوپک پلاس



پس از یک جنگ ویرانگر قیمتی و سقوط نفت به زیر صفر دلار، حالا عربستان و روسیه، به‌عنوان رهبران اوپک پلاس در موقعیتی قدرتمندتر از دوران پیشا همه‌گیری قرار گرفته‌اند. از ماه نوامبر تاکنون قیمت نفت خام برنت ۸۵ درصد افزایش یافته و به حدود ۷۵ دلار رسیده و این در حالی است که اقتصاد کشورهای عضو اوپک پلاس در شرایط نامساعدی قرار دارد، اما بهبود اقتصاد جهانی مصرف نفت رو به افزایش است. زمزمه‌هایی درباره رسیدن قیمت به ۱۰۰ دلار در هر بشکه برای نخستین بار از سال ۲۰۱۴ تاکنون به گوش می‌رسد. در ماه‌های آتی با بهبود اقتصادی در جهان و تسریع واکسیناسیون، تقاضا برای نفت خام رشدی سریع‌تر یا انفجاری داشته باشد. از سوی دیگر تولیدکنندگان آمریکایی هم با کاهش شدید قیمت‌ها و تولید در سال ۲۰۲۰، حالا به جای افزایش تولید بیشتر بر روی کاهش هزینه‌ها و مدیریت سرمایه متمرکز شده‌اند. در همین راستا امارات متحده عربی کماکان مخالف هر توافقی است که نگرانی‌های این کشور درباره اهداف تولیدش را برطرف نکند. امارات و عراق خواهان آن هستند که از فرصت به‌دست‌آمده در نتیجه افزایش تقاضا برای فروش بیشتر نفت خام خود استفاده کنند، اما روسیه و عربستان سعودی ترجیح می‌دهند با این امر محتاطانه‌تر برخورد کنند و افزایش تولید ۴۰۰ هزار بشکه‌ای را مدنظر دارند. در این میان، امارات خواهان اصلاح سهمیه تولید و افزایش چشمگیر عرضه نفت خام خود است.

بهای اوپک پلاس در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



کاهش سرمایه‌گذاری در میادین نفتی

وزارت نفت از نظام‌های متنوع سرمایه‌گذاری در بخش بالادست، پافشاری دولت بر عقد قرارداد برای جذب سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی و بی‌توجهی به ظرفیت داخلی برای سرمایه‌گذاری، توسعه میادین و بهره‌برداری از آنها را موجب فرصت‌سوزی در این بخش دانسته است. اما شاید نتوان انگشت اتهام در این زمینه را تنها به‌سوی تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی دراز کرد و نقش تحریم‌ها علیه صنعت نفت و افت شدید درآمدهای نفتی را نادیده گرفت.

مرکز پژوهش‌ها در گزارش خود به بحث عدم سرمایه‌گذاری مناسب در بخش بالادست پرداخته و از افت ۷/۱ میلیارد دلاری سرمایه‌گذاری طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ خبر داده است. همچنین در بخشی از گزارش به ضریب بازیافت میادین نفتی کشور، از بی‌توجهی به تولید سیانتری گفته و مدعی شده است که ضریب بازیافت میانگین برای مخازن نفتی به ۲۷ درصد کاهش یافته است که به‌معنای از دسترس خارج شدن سه‌چهارم منابع نفتی کشور است. همچنین بدهی ۶۰ میلیارد دلاری شرکت ملی نفت ایران تا سال ۱۳۹۸ نیز پرداخته شده است که با همراهی مصائبی چون سقوط قیمت نفت در سال‌های گذشته، تحریم‌های شدید علیه صنعت نفت کشور، فرسوده‌بودن تجهیزات و هزینه بالای عملیاتی و سهم ۱۴/۵ درصدی صنعت نفت از درآمدهایش به چالشی بزرگ در زمینه تامین مالی این صنعت تبدیل شده است. ضمن آنکه گزارش اخیر بانک مرکزی می‌گوید درآمد نفتی کشور از سال ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ از ۶۰ میلیارد دلار به ۲۱ میلیارد دلار رسیده و این آمار و ارقام چالش‌های موجود را برای صنعت نفت کشور پیچیده‌تر کرده‌اند. سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۸ به‌طور متوسط ۱۷/۴۱ درصد کاهش یافته است. در واقع میزان کل سرمایه‌گذاری از ۱۰/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ به ۳/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۸ رسیده که نشان از کاهش چشمگیر ۷/۱ میلیارد دلاری در این بخش دارد. بخش عمده‌ای از این امر بی‌تردید به تحریم‌های نفتی علیه ایران بازمی‌گردد که ظرفیت‌های مالی و فرصت سرمایه‌گذاری را از این صنعت دریغ کرده است. چنان‌که در سال ۱۳۹۵ و با آغاز اجرای برجام، میزان سرمایه‌گذاری در بخش بالادست با افزایش ۲/۵ میلیارد دلاری به ۷/۷ میلیارد دلار رسید. البته مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارش خویش غفلت

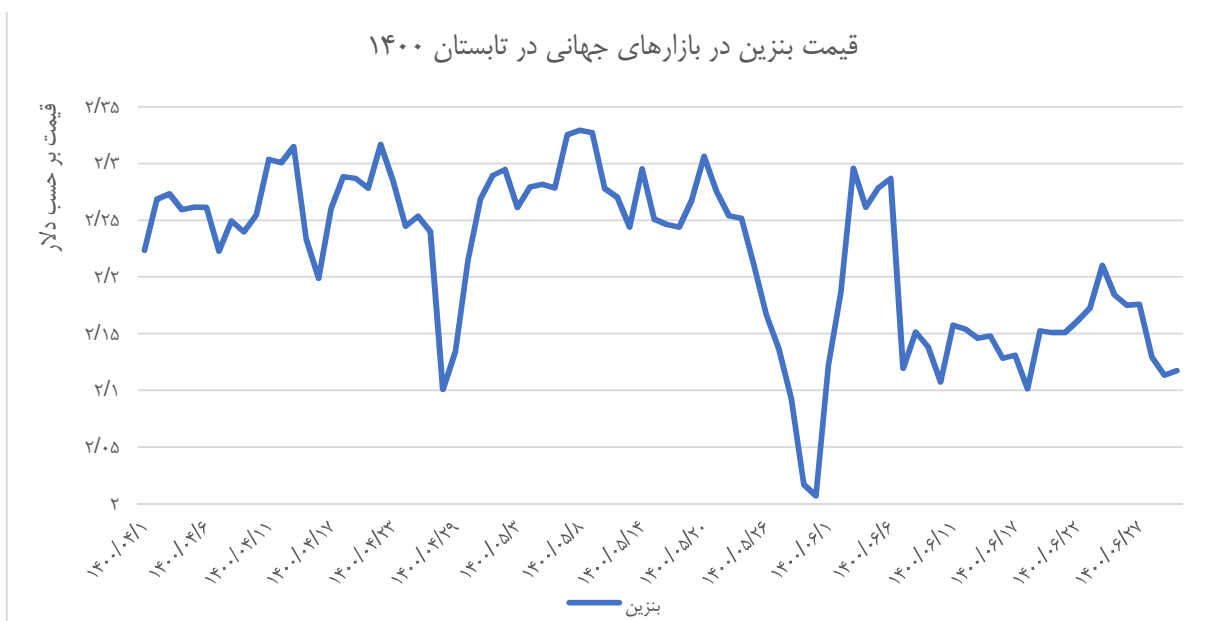


سامانه سدف برای کاهش قاچاق سوخت

ارتباطات و توسعه خدمات در حوزه درخواست فرآورده‌های نفتی فعال است. روزانه بیش از ۲۰۰ میلیون لیتر فرآورده‌های نفتی شامل نفت گاز، نفت سفید، نفت کوره، بنزین و گاز مایع از طریق این سامانه به مصرف‌کنندگان تخصیص داده شده و درخواست‌های مربوط به فرآورده‌های نفتی در همه گروه‌ها، از طریق این سامانه ثبت و رسیدگی می‌شود. گفته می‌شود تعداد مراجعه‌کنندگان در سدف روزانه تا ۶۰ هزار نفر بوده و به‌طور میانگین روزانه هزار کاربر آنلاین از آن استفاده می‌کنند. این سامانه در مجموع ۳/۴ میلیون نفر کاربر داشته و ۳۹ فرآیند در آن اجرایی می‌شود؛ همچنین تعداد ۵۶ دستگاه متولی در این سامانه فعالیت کرده‌اند و تعداد ۲۰ دستگاه نیز به‌عنوان دستگاه همکار شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران شناخته می‌شوند.

آخرین رونمایی وزارت نفت در دولت دوازدهم سامانه درخواست فرآورده‌های نفتی (سدف) بود. این سامانه درگاه الکترونیکی برای پاسخگویی به تقاضای برای سوخت و فرآورده‌های نفتی است. روزانه بیش از ۲۰۰ میلیون لیتر فرآورده نفتی از طریق آن به مصرف‌کنندگان و مشتریان تخصیص داده می‌شود. با توجه به ۴ برابر شدن صادرات فرآورده‌های نفتی در دولت دوازدهم جلوگیری از قاچاق امر اجتناب‌ناپذیر بود از این رو می‌توان گفت که سامانه سدف از مهمترین دستاوردهای دوران مدیریتی وزیر نفت سابق بود. سدف حاصل برنامه‌ریزی و تلاش‌های وزارتخانه و با همکاری طیف گسترده‌ای از نهادها، اجرایی شده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت که این سامانه درگاه الکترونیکی پاسخگویی به تقاضای سوخت است و در جهت ارائه اطلاعات، ایجاد

قیمت بنزین در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



بررسی تاثیر مستقیم و غیرمستقیم صنعت نفت بر این تحولات قابل فهم نیست. با وجود تاثیرگذاری عمیق و راهبردی صنعت نفت بر حکمرانی کشور، تاکنون پژوهش منسجمی در این حوزه انجام نشده است. جدای از تاثیر نفت بر حکمرانی، حکمرانی نفت نیز اهمیت بسزایی دارد. به عبارت دیگر حکمرانی باید به دنبال طراحی سازوکارهای بهینه برای حداکثرسازی تولید و بالا بردن بهره‌وری در جهت ارتقای توان رقابت در بازارهای جهانی بود. صنعت نفت ایران با بیش از یکصد سال قدمت، صنعت پیشران اقتصاد ایران محسوب می‌شود اما باید دید که در بزنگاه‌های حساس چقدر و چگونه موفق شده تا نقش خود در اقتصاد کشور را ایفا کند. شاید بتوان به این شکل عنوان نمود که نفت به عنوان یک سرمایه گرانبها در کشور همواره مورد بی لطفی و بدون برنامه ریزی های صحیح به جای ارزشمند بودن و ایجاد ارزش افزوده نمودن موجب ایجاد فساد در عملکرد و توزیع شده است. منابع به دست آمده از فروش نفت صرف بریزو پاش‌ها و بودجه جاری کشور می‌شود. این رو دولت با بی‌نیاز شدن از منابعی همچون مالیات، توجه چندانی به اصلاح‌هاختارهای اقتصادی کشور نمی‌کند و اقتصاد نفتی، فرهنگ و جامعه‌شناسی اقتصادی کشور را دچار خلل جدی می‌کند.

جواد اوجی با ۱۹۸ رای برکسی وزارت نفت نشست



جواد اوجی به‌عنوان وزیر جدید نفت در دولت رئیسی انتخاب شد، و در اولین روز کاری خود به تشریح اولویت‌های این وزارتخانه تحت‌هدایت خود پرداخت که در برنامه منتشر شده او هم دیده می‌شود. به‌گفته وزیر نفت، رفع چالش ناترازی گاز و سوخت زمستانی، ساماندهی سرمایه انسانی و ارکان ثالث، حفظ و نگهداشت تولید، تعیین تکلیف میدان‌های مشترک نفت و گاز، حمایت از ساخت داخل، دیپلماسی قوی انرژی و همکاری همه‌جانبه با کشورهای همسایه در حوزه نفت و گاز مهم‌ترین ضرورت‌های این صنعت هستند. اوجی معتقد است که برای افزایش صادرات نفت و گاز راهکارهای زیادی وجود دارد که نیازمند اصلاح قانون است. از راهکارهای مطرح شده وی می‌توان یافت که مشتریان جدید علاوه بر مشتریان سنتی و تقویت دیپلماسی انرژی تهاثر نفت با کالا و انتخاب مشتریان راهبردی در آسیا از جمله هند و چین از اهداف او می‌باشد. همچنین در بخش چالش‌های برنامه وزیر نفت، سرفصل‌ها و ذیل‌شان انتقاداتی از عملکرد پیشینیان مطرح شده است. بر این اساس گفته شده که طی دو دهه اخیر در پهنه سرزمین کشور، عمده مخازن کشف شده، مخازن کوچک با ذخیره کم و عمدتاً ضریب بازیافت پایین بوده‌اند و احتمال کشف ذخایر عظیم بسیار کم است. علاوه بر این، تولید نفت‌خام کشور بیشتر مبتنی بر تولید از ۸ میدان بزرگ بوده که همگی آنها در نیمه دوم عمر خود هستند و سالانه افت تولید بالایی خواهند داشت. در صورت عدم اقدام موثر برای ازدیاد برداشت در

این میادین، سطح تولید آنها در ۱۰ سال آینده به شدت کاهش خواهد یافت. حکمرانی و سیاستگذاری عمومی نفت در تاریخ معاصر ایران جایگاهی مهم و کلیدی دارد. از زمان کشف نفت در سال ۱۲۸۷ هجری شمسی بسیاری از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران بدون

پیش‌بینی بازار نفت در نیمه دوم سال جاری

خود از تقاضای سال‌جاری دست‌نزدند و کماکان با وجود وضع شیوع کرونا در جهان و هشدار در این مورد، بر این باور هستند که تقاضای امسال به‌ترتیب ۹۶/۶ میلیون و ۹۷/۶ میلیون بشکه روزانه خواهد بود. با این حال، چنین پیش‌بینی به‌معنای عدم‌نگرانی آنها نیست. اوپک گفته عرضه نفت خارج از این سازمان در سال آینده بیشتر از چیزی خواهد بود که پیش از این برآورد کرده بود و موسسه آمریکایی هم پیش‌بینی خود از تقاضای سال بعد را با یک کاهش به ۱۰۱/۲ میلیون بشکه رسانده است. با این همه، در روزهای گذشته آمریکا خواستار افزایش تولید اوپک و متحدانش شده زیرا قیمت بنزین در این کشور و همینطور تورم جهانی موجب نارضایتی‌اش شده است. در گزارش اوپک، همچنین می‌بینیم که قیمت نفت سنگین ایران در ماه گذشته میلادی (جولای) با ۱/۸ درصد افزایش به ۷۲ دلار و ۹۸ سنت بر بشکه رسیده و تولید کشور هم با ۱۵ هزار بشکه در روز رشد به ۲ میلیون و ۴۸۵ هزار بشکه رسید. اختلاف عمیق دیدگاه اوپک با دو نهاد (OPEC) با آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) و اداره اطلاعات انرژی ایالات‌متحده (EIA) بسیار جالب و حایز اهمیت است. اوپک در بخش تقاضا دست‌به‌بازنگری اساسی زده و پیش‌بینی خود درباره تقاضا جهانی نفت‌خام در سال ۲۰۲۲ را ۸۶۰ بشکه در روز نسبت به ماه گذشته افزایش داده، در حالی که دو نهاد دیگر افزایشی جزئی در ارزیابی‌های خود داشته‌اند. اختلاف جدی‌تر در پیش‌بینی این نهادها اما به‌بخش عرضه باز می‌گردد که دیدگاه اوپک در تضاد کامل با ارزیابی اداره اطلاعات انرژی آمریکا و آژانس بین‌المللی انرژی قرار دارد. آژانس بین‌المللی انرژی می‌گوید که جهان در نیمه دوم سال آتی تنها به ۵۷۰ هزار بشکه نفت اضافه از سوی تولیدکنندگان اوپکی نیاز دارد، اما تحلیلگران اوپک اعتقاد دارند که تولید این گروه در تابستان سال آینده باید ۳/۵ میلیون بشکه در روز افزایش یابد. ستون‌نویس بلومبرگ معتقد است که در چنین شرایطی و با توجه به اختلافات اساسی درباره سطح تقاضا و عرضه در سال ۲۰۲۲، به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین چالش اوپک و متحدانش در سال آینده اثبات اراده‌شان برای حفظ نظم در بازار باشد.

موسسات بین‌المللی در حوزه انرژی در تازه‌ترین گزارشات خود نکات هشدارآمیزی درباره بازار نفت اعلام نموده‌اند. نخست اینکه آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) بر خلاف ماه گذشته که خواستار عرضه بیشتر اوپک شده بود و نگران کسری بازار، حالا با یک چرخش هشدار داده بازار ممکن است در سال آینده وارد مزاد عرضه شود. علاوه بر این، این موسسه برآورد تقاضای نفت برای نیمه دوم سال ۲۰۲۱ را ۵۵۰ هزار بشکه در روز کاهش داده و تقاضای کل سال را هم از ۹۶/۴ میلیون بشکه روزانه به ۹۶/۲ میلیون بشکه رسانده چراکه معتقد است شیوع سویه دلتای کرونا در جهان منجر به کاهش عبور و مرور و به‌تبع آن مصرف می‌شود. از سوی دیگر، اوپک و اداره اطلاعات انرژی آمریکا (EIA) به‌پیش‌بینی





بازار پول و اقتصاد ایران

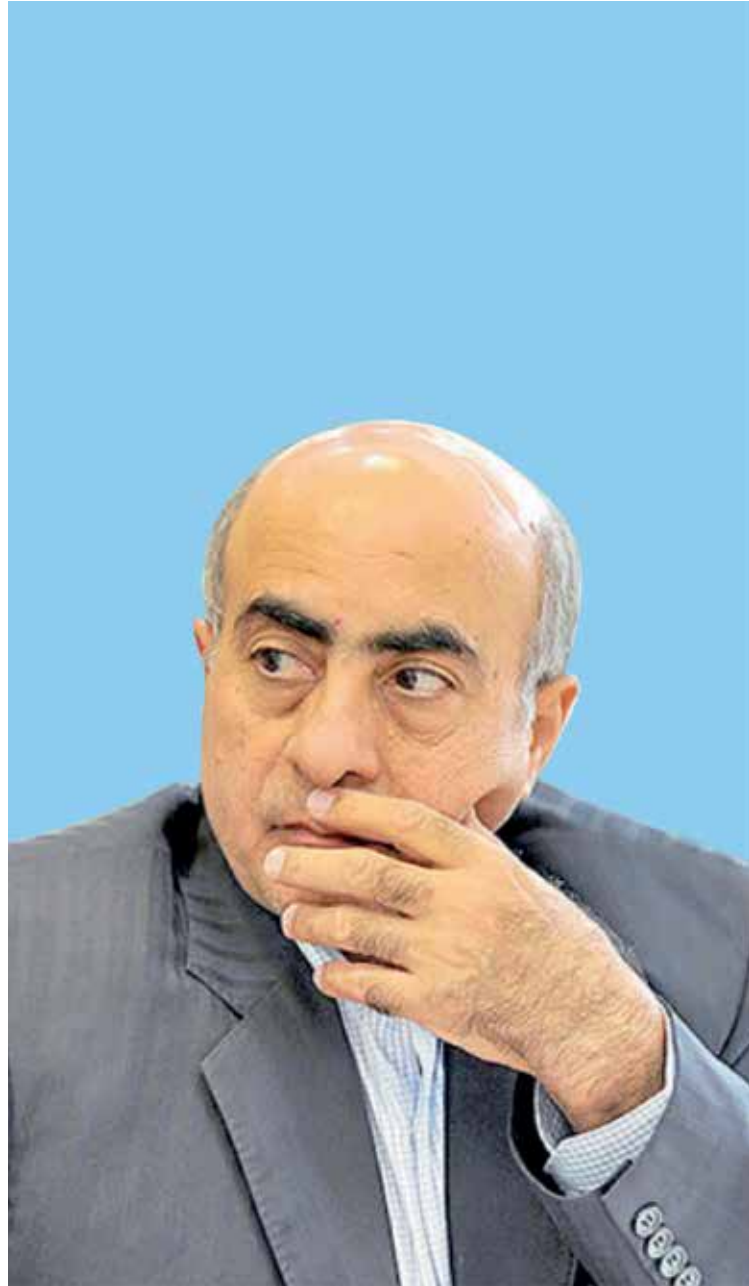
و بی‌ثباتی اقتصادی را جایگزین محیط باثبات کسب‌وکار کرده این اقتصاد نیازمند بازنگری دقیق و علمی است که زیرساخت قانونی برای نحوه حکمرانی پولی و ثبات اقتصادی را فراهم نماید. تورم، ام‌الامراض اقتصاد ایران است و تا این درد درمان نشود، شفاف‌بخشی درمان‌های دیگر فریبی بیش نخواهد بود. در بیانیه این صاحب‌نظران آمده است: محیط تورمی، سوداگر می‌پروراند نه کارآفرین و چالش‌هایی از قبیل جهش‌های متناوب نرخ ارز، نرخ‌های سود بانکی بالا، احتکار اجناس در انبارها، چربش رانت‌جویی بر نوآوری و فساد گسترده‌ای که تولید ایرانی را زمین‌گیر کرده است، همه معلول تورم است. و همه و همه این موضوعات منتج از بانک مرکزی بی‌اختیار است. غیاب بانک مرکزی مستقل، مقتدر و پاسخگو، نظام پولی و مالی از پول فیزیکی به اعتباری منتقل شود، کسری‌های بودجه تورم می‌آفرینند.

در تار و پود بوروکراسی کشور است. دولت‌ها می‌آیند و می‌روند اما این لایه میانی همیشه هست و هر نوع اصلاحی را به‌گونه‌ای استحاله می‌کند که با هاضمه رانتهی ساختار اقتصادی موجود سازگار شود. دولت‌ها در سال آخر فعالیت خود با هدف بهبود کارنامه خود، تمایل بیشتری به رشد هزینه‌ها از طریق افزایش حقوق و رشد هزینه‌های رفاهی دارند. از سوی دیگر، دولت‌های جدید نیز در سال نخست کاری خود، عموماً به دنبال تحقق وعده‌هایشان هستند؛ به‌خصوص در شرایطی که دولت منتخب پشتوانه حداکثری نداشته باشد و بخواهد نظر آحاد مردم را جلب کند. این الگوی رفتاری مشترک در پایان و آغاز دولت‌ها باعث تحریک هرچه بیشتر نقدینگی در کشور شود. در این شرایط بهتر است که سیاستگذار جدید در الگوی رفتاری خود، جنبه احتیاط را در پیش بگیرد و به فکر کنترل رشد نقدینگی باشد. کنترل تورمی اقتصاد ایران را گروگان

پایان بهار ۱۴۰۰ به نوعی پایانی بود بر دوره ریاست جمهوری حسن روحانی و تیم مدیریتی ایشان در ایران. یکی از نقاط مغفول در عملکرد دولت‌های احمدی نژاد و روحانی عدم پایبندی به طرح‌های بلندمدت ایران است. به‌صورت پیش‌فرض، نیت همه دولت‌ها بهبود اوضاع اقتصادی و معیشت مردم است، اما در دولت احمدی نژاد بسیاری از خطاهای مدیریتی رقم خورد که کسی پاسخگوی آن نبود و در دولت روحانی نیز ناکارآمدی‌های اقتصاد ایران به‌صورت تورم بالا، رشد پایین و بیکاری گسترده نمایان بود. اما خروجی اقتصاد، تابع نیت‌های سیاستمداران نیست، بلکه تابع «کیفیت سیاستگذاری» است. ضعیف‌ترین عملکرد اقتصادی در بازه ۴۰ سال نشان از آن دارد که تلاش‌های مقطعی دولت‌ها برای بهبود کیفیت سیاستگذاری به دلایل مختلف ناپایدار و ناکام مانده است. علت اصلی این ناپایداری و ناکامی، ریشه دواندن یک لایه «محافظ رانت»

رئیس کل بانک مرکزی جدید، با برنامه‌های جدید؟

اکبر کمیجانی سرپرست اسبق بانک مرکزی به‌عنوان سکандار نهاد پولی کشور برای دوره‌ای یک‌ماهه انتخاب شد. همانطور که همه ما می‌دانیم روسای کل بانک مرکزی برای دوره‌های بسیار بلند مدت انتخاب می‌شوند ولی افسوس و صد افسوس که ما هنوز به آن بلوغ دست نیافته ایم، یا شاید هنوز هیچ شخصی به این توانایی دست پیدا نکرده که به‌عنوان رئیس کل چند سال بر این مسند بنشیند. رئیس جدید بانک مرکزی اکبر کمیجانی اولویت‌های یک‌ماهه بانک مرکزی را «پوشش کسری بودجه از طریق غیرپولی»، «سیاست ارزی مناسب» و «زمینه‌سازی برای اصلاح نظام بانکی» عنوان نمود. البته با توجه به دانش پولی اکبر کمیجانی، می‌توان امیدوار بود که بانک مرکزی در این یک ماه گرفتار ناسازگاری بین زمانی نشود و اهداف بلندمدت را فدا نکند. اکبر کمیجانی کارشناسی رشته تعاون از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد و دکترای در رشته اقتصاد از دانشگاه ویسکانسین-میلواکی آمریکا و متخصص اقتصاد پولی بوده و در اقتصاد کلان و بین‌الملل نیز تحقیقاتی داشته است. وی از سال ۶۹ به مدت هفت‌سال مشاور اقتصادی وزارت اقتصاد و دارایی و از سال ۷۷ تا ۸۶ به مدت ۹ سال معاون اقتصادی بانک مرکزی بود. اما از سال ۸۶ تا ۹۲، کمیجانی از وظایف اجرایی خود کناره گرفت و در دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد. او در دانشگاه، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد پول را تدریس می‌کرد. در دولت یازدهم کمیجانی دوباره به دولت بازگشت و به مدت هشت‌سال، قائم‌مقام رئیس بانک مرکزی بود.



رتبه رقابت پذیری ایران در مقیاس جهانی در پایان سال ۹۹ به ۹۹ تنزل یافت

بستری از نااطمینانی است که دلیل آن به فقدان شفافیت، بار مقررات اضافی و آمادگی پایین دولت برای پاسخگویی برمی گردد. در حوزه مهارت‌ها نیز کمبود مهارت با وجود سطح بالای آموزش از نقاط ضعف کشور است. در رکن پویایی کسب و کار هم به دلیل عدم سهولت ورود کسب و کارها به بازار و شکل نگرفتن فضای رقابتی، رتبه ایران نامناسب ارزیابی شده است. افت رتبه ایران در سال‌های اخیر علاوه بر کاهش امتیاز در مولفه‌هایی که در هر دو روش‌شناسی مشترک بوده‌اند، عمدتاً ناشی از ضعف ایران در مولفه‌های جدیدی است که در روش‌شناسی جدید به‌عنوان معیار ارزیابی اضافه شده‌اند و می‌توان دریافت طبق رویکرد جدید گزارش رقابت‌پذیری جهانی، اقتصاد ایران انعطاف‌پذیری و چابکی لازم را برای تطبیق با تغییرات ناشی از انقلاب صنعتی چهارم ندارد. برای بهبود توانایی رقابت‌پذیری کشور براساس رویکرد جدید، باید در جهت ایجاد ثبات اقتصاد کلان، تقویت نهادها به‌ویژه ایجاد شفافیت و تقویت توانایی دولت در پاسخگویی به تغییرات آینده و تطبیق چارچوب حقوقی با تغییرات تکنولوژیکی، افزایش مهارت‌های نیروی کار و کاهش موانع ورود و خروج کسب و کارها تلاش کرد.

ارزیابی‌ها نشان می‌دهد بیشترین افت و نوسان رتبه ایران در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹، به ترتیب به ارکان «ثبات اقتصاد کلان»، «نهادها»، «مهارت‌ها» و «پویایی کسب و کار» برمی‌گردد. جایگاه نامناسب ایران در این ارکان چهارگانه، تبعاتی برای رقابت به‌دنبال داشته که مهم‌ترین آنها فضای نااطمینانی، عدم پیش‌بینی‌پذیری سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. رتبه ایران در گزارش رقابت‌پذیری جهانی که مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌کند، در سال‌های اخیر نسبت به گذشته بدتر شده و از ۶۹ در سال ۲۰۱۱ به ۹۹ در سال ۲۰۱۹ رسیده است. تحلیل‌ها حاکی است این موضوع در افت‌وخیز رتبه کشور در چهار رکن از ارکان ۱۲گانه ریشه دارد. بیشترین افت و نوسان رتبه ایران، به‌ترتیب در ارکان «ثبات اقتصاد کلان»، «نهادها»، «مهارت‌ها» و «پویایی کسب و کار» بوده است. ثبات اقتصاد کلان بدترین رتبه را دارد و ایران در آخرین گزارش مجمع، رتبه ۱۳۴ را از میان ۱۴۰ کشور کسب کرده که نشان‌دهنده وجود فضای نااطمینانی و پیش‌بینی‌ناپذیری سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های اقتصادی است. نامناسب‌بودن رتبه ایران در رکن نهادها نیز حاکی از

رتبه ارکان دوازده گانه رقابت پذیری جهانی در سال های ۲۰۱۹-۲۰۱۱

رویکرد جدید			رویکرد پیشین							
۲۰۱۹	۲۰۱۸	رکن / سال	۲۰۱۷	۲۰۱۶	۲۰۱۵	۲۰۱۴	۲۰۱۳	۲۰۱۲	۲۰۱۱	رکن / سال
۹۹	۸۹	رتبه کل	۶۹	۷۶	۷۴	۸۳	۶۶	۶۲	۶۹	رتبه کل
۱۴۱	۱۴۰	تعداد کشورهای مورد بررسی	۱۳۷	۱۳۸	۱۴۰	۱۴۴	۱۴۸	۱۴۴	۱۳۹	تعداد کشورهای مورد بررسی
۱۲۰	۱۲۱	نهادها	۸۵	۹۰	۹۴	۱۰۸	۶۸	۸۲	۷۲	نهادها
۸۰	۷۶	زیر ساخت ها	۵۷	۵۹	۶۳	۶۹	۶۹	۷۴	۶۷	زیر ساخت ها
۸۴	۸۰	آمادگی تکنولوژیک	۹۱	۹۷	۹۹	۱۰۷	۱۱۱	۹۶	۱۰۴	آمادگی تکنولوژیک
۱۳۴	۱۱۷	ثبات اقتصاد کلان	۴۴	۷۲	۶۶	۶۲	۵۷	۴۵	۲۷	ثبات اقتصاد کلان
۷۲	۸۴	سلامت	۵۰	۴۹	۴۷	۶۲	۵۷	۵۴	۵۰	بهداشت و آموزش ابتدایی
۹۲	۹۱	مهارت ها	۵۱	۶۰	۶۹	۷۸	۷۸	۸۷	۸۹	آموزش عالی و حرفه ای
۱۳۳	۱۳۴	بازار کالا	۱۰۰	۱۱۱	۱۰۹	۱۲۰	۹۸	۹۸	۱۰۳	کارایی بازار کالا
۱۴۰	۱۳۶	بازار نیروی کار	۱۳۰	۱۳۴	۱۳۸	۱۴۲	۱۴۱	۱۳۵	۱۳۹	کارایی بازار نیروی کار
۱۲۳	۹۸	بازارهای مالی	۱۲۸	۱۳۱	۱۳۴	۱۲۸	۱۲۳	۱۲۰	۱۲۳	پیشرفته بودن بازار های مالی
۲۱	۱۲	اندازه بازار	۱۹	۱۹	۱۹	۲۱	۱۸	۲۰	۲۱	اندازه بازار
۱۳۲	۱۱۹	پویایی کسب و کار	۹۷	۱۰۹	۱۱۰	۱۱۰	۹۳	۹۱	۹۲	پیشرفته بودن بنگاه های تجاری
۷۱	۶۵	ظرفیت نوآوری	۶۶	۸۹	۹۰	۸۶	۶۵	۶۶	۷۰	نوآوری



تیم اقتصادی دولت جدید تهدید یا فرصت

همه این دوران‌ها ناهماهنگی میان بخش‌های مختلف تصمیم‌گیر در حوزه اقتصاد و عدم پیروی از یک سیاست مشخص و رویکردی خاص است؛ امری که در دهه چهل، فارغ از درست یا غلط بودن رویکردهای اتخاذ شده و نتایج آن، موجب شد تا حرکت ملموس اقتصاد کشور در جهت یک سیاست اقتصادی با اهداف مشخص را تجربه کنیم. در این دوران با انحلال دو وزارتخانه صنایع و بازرگانی و تاسیس وزارت اقتصاد تحت رهبری وزیر اقتصاد وقت، یعنی علینقی عالیخانی شرایط برای امکان عملی سیاستگذاری هماهنگ برای این دو بخش صنایع و بازرگانی فراهم شد و از سوی دیگر امکان تعامل تئوریک با سیاستگذاری پولی در بانک مرکزی و سیاستگذاری مالی در وزارت دارایی و سازمان برنامه و بودجه ایجاد شد و شرایط را برای رونق اقتصادی آن دوران به وجود آورد. اما در حال حاضر بانک مرکزی امور تدوین و تبیین شده را کنار گذاشته و در زمینه سیاست تجاری و قیمت‌گذاری دلار دستور پشت‌دستور را پیاده‌سازی می‌کند. اما وظیفه بانک مرکزی کنترل تورم و مهار بحران بانکی است. این موضوع ارمان سیاست برای اقتصاد است. دولت آینده باید با در نظر گرفتن دستورکارهای اصلی نهاد پولی، رئیس‌کل بانک مرکزی را انتخاب کند. در مقابل اما اگر دستورکار بانک مرکزی تعیین نرخ سود بانکی و قیمت‌گذاری دستوری نرخ ارز باشد، انتخاب هر فردی به‌عنوان رئیس‌کل بانک مرکزی نمی‌تواند نتیجه‌ای دربرداشته باشد.

شاید به نوعی بتوان گفت که عامل اصلی موفقیت دولت آینده «تیم اقتصادی هماهنگ» خواهد بود. اما یک تیم اقتصادی برای یک دولت کافیست؟ مهم‌ترین موضوع این است که این هماهنگی باید حول محور علم اقتصاد و حکمرانی صحیح اقتصادی شکل گیرد. متغیرهایی نظیر گروه‌های «جناحی، رفاقتی و سیاسی» در کنار تغییر رویکرد دولت در بزنگاه‌ها استقلال بانک مرکزی را هدف قرار می‌دهند و این بانک نیز نمی‌تواند مهار تورم را به‌عنوان ماموریت اصلی خود پاسبانی نماید. از این رو تمامی اهداف را فدای حمایت از یک شخص، گروه، بازار یا موسسه اعتباری خواهد نمود. بررسی عملکرد دولت یازدهم و دوازدهم نشان از آن دارد که یک هماهنگی و یکدستی میان تیم اقتصادی وجود داشت، اما این هماهنگی حول محور علم اقتصاد و حکمرانی صحیح اقتصادی شکل نگرفت. اقتصاد ایران در دهه ۹۰ شمسی رکورد رشد اقتصادی نزدیک به صفر، بالاترین تورم در میان دهه‌های گذشته، نرخ سرمایه‌گذاری پایین و کاهش صادرات نفت را بر جای گذاشت، که ثمره آن کسری بودجه شدید، کاهش ارزش پول ملی، کاهش چشمگیر سطح دستمزدهای واقعی، تحریم‌ها و کاهش فروش نفت، تورم مزمن و بن‌بست‌های سیاسی مانند FATF که موجبات زمین‌گیر شدن اقتصاد را فراهم کرده است همه باعث شده تا چشم‌انداز اقتصاد ایران امیدوارکننده نباشد. به نظر می‌رسد به جز دهه چهل شمسی ویژگی مشترک

تجربیات تاریخی مهار تورم در ترکیه و آمریکا

به عنوان مثال ترکیه در دهه ۹۰ میلادی هرگز تورمی زیر ۵۰ درصد نداشت مشکلات اصلی این کشور نرخ‌های چندگانه ارز، کنترل ارز، حضور پررنگ شرکت‌های دولتی در تمام حوزه‌های اقتصادی در کنار یک بخش خصوصی سرکوب شده، فعالیت بالای بانک‌های دولتی، کسری بودجه بسیار بالا و تورم و... بود. همچنین رشد اقتصادی ترکیه بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ به حدود صفر رسید و در سال‌های ۱۹۹۴ و ۲۰۰۱ دو بحران ارزی را نیز تجربه کرد و در سال ۹۴ تورم حتی به بالاتر از ۱۰۰ درصد رسید. بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ نرخ ارز بیش از صدبرابر شد. با شروطنی از پیش تعیین شده کمال درویش وزیر خزانه‌داری ترکیه شد و سایر اعضای تیم اقتصادی و رئیس بانک مرکزی را خودش انتخاب نمود. در سایه حمایت سیاسی نخست وزیر وقت ترکیه در سال ۲۰۰۱ کمال درویش با روابط ویژه بین‌المللی موفق به دریافت وام جدید از بانک جهانی شد و تحت هدایت برنامه اصلاحی نهادهای بین‌المللی برنامه‌های اصلاحی را در ترکیه پیش برد و در کمتر از ۹ ماه تورم ۷۰ درصدی ترکیه به کمتر از ۱۰ درصد رسید. درویش هدف خود را «تغییر سیستماتیک اقتصاد از یک اقتصاد رانت محور به یک اقتصاد مدرن و رقابتی» اعلام کرد. و گفت این بحران فرصت این اصلاحات را فراهم کرده است. کمال درویش در این دوران اصلاحات کلیدی را تا سال ۲۰۰۴ ادامه داد که می‌توان از اصلاح و کاهش مخارج دولت و مبارزه با کسری بودجه نام برد. این اقدامات به کسری بودجه محدود نماند و شامل اقداماتی مانند افزایش استقلال نهادها در سیاستگذاری پولی، واگذاری شرکت‌های بزرگ دولتی به بخش خصوصی، اصلاحات نهادی با هدف افزایش نقش بازار در اقتصاد، بازسازی ساختار بانک‌های دولتی و کاهش بار بخش عمومی در اقتصاد می‌شد. به نظر می‌رسد اصلاحات کمال درویش تا حد زیادی راه را برای توسعه اقتصاد ترکیه باز کرد و توانست آن را از شرایط بغرنج دهه ۹۰ میلادی خارج کند. پایان تورم در آمریکا زمانی رخ داد که پاول ولکر به ریاست فدرال رزرو رسید و سکان پولی آمریکا را به دست گرفت. پیش از این سیاست‌های به کار گرفته شده از سوی دولت آمریکا برای مهار تورم با شکست روبه‌رو شده بود؛ سیاست‌هایی آشنا، از جنس کنترل دستمزد و قیمت‌ها.



او در اقدامی جنجالی و غیرمنتظره نرخ بهره را تا حد امکان افزایش داد؛ این اقدام او باعث ایجاد رکود بزرگی شد که نرخ بیکاری را به ۱۰/۸ درصد رساند که رقم بالایی محسوب می‌شد، از سوی دیگر رکورد نرخ بهره فدرال در همین سال شکسته شد و به بیش از ۲۰ درصد رسید. با این حال این اقدام به‌رغم اثرات منفی که برجای گذاشت باعث شد تا نرخ تورم از ۱۲ درصد در سال ۱۹۷۹ به حدود ۳ درصد در سال ۱۹۸۲ برسد. از این نقطه به بعد فدرال رزرو نه تنها نرخ بهره را کنترل می‌کرد، بلکه کنترل عرضه پول را نیز به دست گرفت. این سیاست به «سناریوی تورم‌زدایی» معروف شد و توانست موفقیت چشمگیری کسب کند و توانست تورم لجام‌گسیخته ایالات‌متحده را کاهش دهد. به‌طور خلاصه ولکر با «اجرای سیاست‌های انقباضی پولی» نرخ بهره را به شدت افزایش داد به‌طوری که فاصله آن با نرخ تورم بسیار زیاد شد. پس از اعمال سیاست‌های انقباضی، نرخ تورم کاهش یافت و به حدود قابل‌تحملی رسید. پیش از این تورم جزء لاینفک اقتصاد آمریکا بود. اما با توجه به شرایط جدید اقتصادی در جهان متأثر از پاندمی کرونا نیز معماری اقتصاد در کشورها متفاوت رقم می‌خورد، به‌عنوان مثال ترکیه و برزیل دو روش متفاوت مهار تورم را پیش‌رو گرفته‌اند برزیل با ابزار نرخ بهره و هدف‌گذاری تورمی و ترکیه با سرکوب نرخ بهره که این دو روش موجب شده چشم‌انداز مهار تورم و ثبات اقتصاد کلان در برزیل روشن و در ترکیه مبهم باشد. می‌توان از این اقدام درس بزرگی گرفت. آن درس این است که اگر اقتصاد کشوری مانند ترکیه توسط شخصی مانند کمال درویش بهبود می‌یابد دلیلی بر تداوم آن نخواهد بود زمانی که دولت سیاست‌های ابلاغی را روانه بانک مرکزی نماید.



بانک مرکزی منفعل

است و بر پایه تجربیات موفق جهانی در زمینه توسعه بنا شده است. رفع مشکلات کشور و خروج دولت از تنگنای کنونی تقاضا از دولت برای توجه به منطق علم اقتصاد در اداره امور کشور و گفت‌وگوی صادقانه با مردم، نهادهای مدنی و گروه‌های مرجع برای عبور از مشکلات است. مسائل اقتصادی کشور نه منتسب به عملکرد یک شخص یا یک تیم، بلکه مرتبط با رویه‌های غلط موجود در ساختار تخصیص منابع دانست. بررسی‌ها نشان می‌دهد مسائل اقتصادی در ایران بیش از آنکه به هنر مدیریت مربوط باشد، به میزان مقید بودن به آموزه‌های دانش اقتصاد و رابطه اقتصاد و سیاست مربوط است. اگر اقتصاد اولویت اول کشور است، سیاست داخلی و سیاست خارجی باید در خدمت دستیابی به اهداف چنین اولیاتی تنظیم شود. واضح است که برای رفع بی‌ثباتی در اقتصاد کلان کشور و بهبود وضعیت معیشتی مردم، تنها رفع تحریم‌ها و رفع اختلاف با کشورهای منطقه و قدرتهای جهانی کافی نیست؛ اما صادقانه باید پذیرفت در شرایط تحریمی، رشد اقتصادی پایدار و ثبات اقتصادی به‌وجود نخواهد آمد.

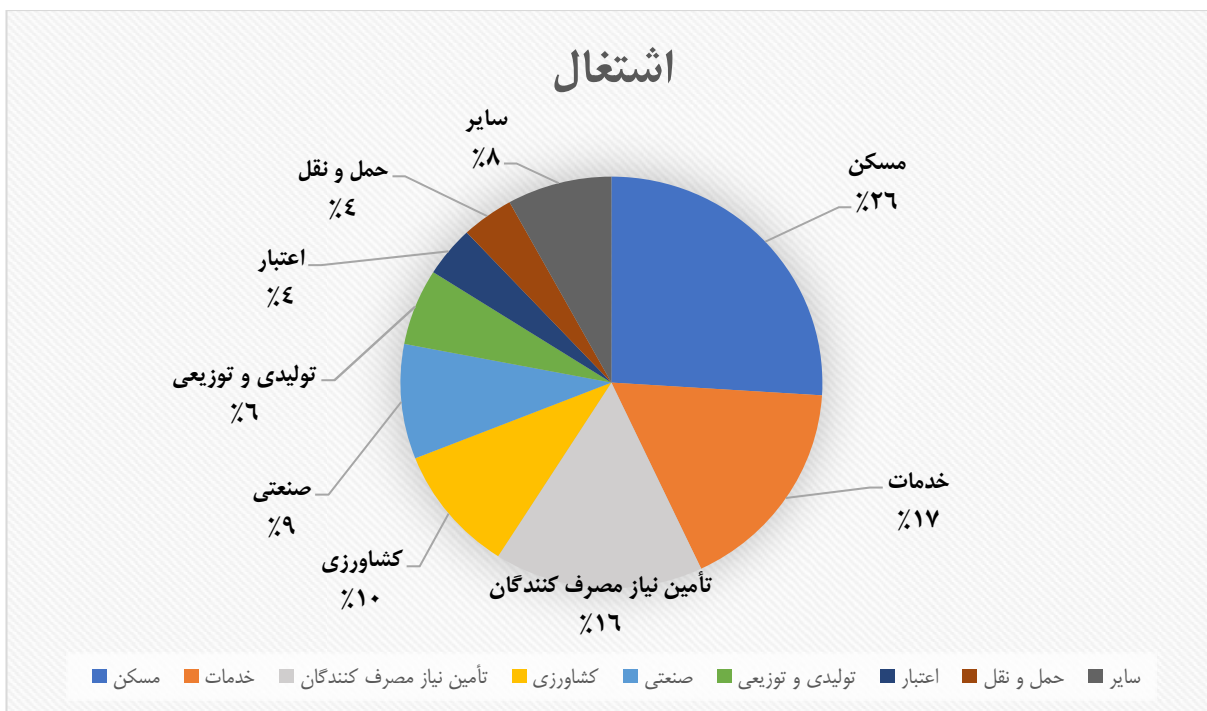
عواملی نظیر تعارض منافع، نگاه مکتبی به نظام پولی و اعتباری، استمرار استاندارد طلا، سردرگمی در حکمرانی پولی و یک نگاه کاملاً دولتی به بانکداری بحران در نظام پولی مهم‌ترین عواملی است که اقتصاد ایران را با مشکل مواجه نموده است. بانک مرکزی در زمینه پولی کاملاً منفعل عمل می‌کند و در زمینه ارزی نیز تحت‌تأثیر فشارهای دولت، برنامه‌های دولت را پیاده می‌کند. به عبارت دیگر بانک مرکزی اموری را که باید انجام دهد را انجام نمی‌دهد و در مقابل مرتکب کارهایی می‌شود که نباید انجام دهد. اما بانک مرکزی در دولت جدید باید کنترل تورم و بحران‌های بانکی مستمر را در دستور کار قرار دهد و غیر از قانون هیچ متن دیگری امکان دیکته کردن چنین باید و نبایندی را به رئیس کل بانک مرکزی ندارد. پس اگر ما در چهار سال آینده می‌خواهیم همان اتفاقاتی را که در ۴۰ سال گذشته رخ داده است تکرار کنیم، می‌توانیم برای دهمین بار بپرسیم که چه کسی رئیس کل بانک مرکزی شود. در قدم اول: طرح کنونی که در دستور مجلس است، باید اصلاح شود و البته اصلاحاتش هم زیاد است؛ اما شاه‌بیتش باید تغییر دستور کار بانک مرکزی از کنترل نرخ ارز و نرخ سود به کنترل تورم و نظارت بر نظام بانکی باشد. وخامت وضع اقتصادی کشور که تبعات اجتماعی بسیار سنگینی در پی دارد، باید بهبود یابد و راهش کنترل تورم و تعقیب سلامت بانکی است و برای این کار هیچ راهی جز قانون وجود ندارد. حکمرانی خوب یک منظومه است که سیاستگذاری در آن یک وظیفه تمام‌وقت و موقوف است. مصون از تعارض منافع است، اختیار باید متناظر با مسوولیت باشد و تصمیم‌گیری به منزله انتخاب گزینه مرجح از میان گزینه‌های ممکن است. چگونه می‌توان تصمیمات مهم پولی و ارزی کشور را اعلام کرد؛ درحالی‌که مبانی تصمیم‌گیری و گزینه‌های قابل انتخاب برای مقام پولی اعلام نمی‌شود؟ دست آخر لازمه نظارت موثر بر بانک‌ها و موسسات اعتباری، اقتدار اطلاعاتی، فنی، انتظامی و حقوقی ناظر بانکی است. به نوعی دیگر می‌توان اینگونه عنوان کرد که راه موفقیت دولت سیزدهم، چهاردهم یا پانزدهم یک راه است راهی بی‌بازگشت و تمرین شده راهی که اقتصادهای نوظهور همه و همه از آن به اقتصاد سالم رسیده‌اند. و

به شکلی دیگر این راه از بازگشت به آموزه‌های علم اقتصاد و باز کردن باب گفت‌وگو با جامعه می‌گذرد. این نکته از بنیادی استوار برخوردار

۶۹ هزار تعاونی با ۵۷ میلیون نفر عضو و یک میلیون و ۳۷۰ هزار نفر شاغل

(۳۰ بنگاه اقتصادی)، زاپن(۲۴ بنگاه اقتصادی)، هلند (۱۷ بنگاه اقتصادی) و ایتالیا (۱۲ بنگاه اقتصادی) قرار دارند. ۱۲ تیر ماه سال ۱۴۰۰ مصادف با ۳ ژوئیه سال ۲۰۲۱ میلادی (اولین شنبه ماه ژوئیه) نمود و نهمین سالگرد تاسیس روز جهانی تعاون است. اتحادیه بین المللی تعاون (International Co-operative Alliance) برای نخستین بار در سال ۱۹۲۳ میلادی، اولین شنبه ماه ژوئیه را به‌عنوان روز جهانی تعاون نام‌گذاری کرد. هدف از ایجاد چنین روزی، افزایش آگاهی در مورد تعاونی‌ها، ارتقای موفقیت‌ها و آرمان‌های همبستگی بین‌المللی، کارآیی اقتصادی، برابری و صلح جهانی است. علاوه بر این موضوع روز جهانی تعاون در سال جاری میلادی، مشارکت برای بازسازی بهتر (Rebuild better together) است. تعاونی‌ها در سراسر جهان، با همبستگی و انعطاف‌پذیری با بحران همه‌گیری نظیر کرونا روبه‌رو می‌شوند و بهبودی مردم محور و کاملاً سازگار با محیط‌زیست را به جوامع ارائه می‌دهند.

تعاونی‌ها در حوزه خدمات، کشاورزی و صنعت بیشترین تمرکز و به ترتیب با تعداد ۱۸، ۱۵ و ۱۱ هزار تعاونی است. مورد دیگر اینکه بیشترین میزان اشتغال‌زایی مربوط به فعالیت‌های مسکن، خدمات و تامین نیاز مصرف‌کنندگان به ترتیب با ۳۶۰، ۲۳۳ و ۲۱۶ هزار نفر شاغل است. نکته قابل توجه در این خصوص اینکه بیشترین تعداد اعضای تعاونی در کشور به فعالیت «واسطه‌گری مالی» اختصاص دارد که به دلیل وجود اعضای سهام عدالت تعداد اعضای آن بیش از ۴۸ میلیون نفر است. بررسی اقتصاد تعاونی‌های در کشورهای جهان نشان از آن دارد که بخش‌های کشاورزی (با ۱۰۴ بنگاه اقتصادی) و بیمه (با ۱۰۱ بنگاه اقتصادی) به‌عنوان بزرگ‌ترین بخش اقتصادی در رتبه‌های اول و دوم قراردارند. علاوه بر این براساس قدر مطلق گردش مالی، بیشتر تعاونی‌های بزرگ در ۳۰۰ رتبه برتر در صنعتی‌ترین کشورها مانند ایالات متحده آمریکا (۷۴ بنگاه اقتصادی)، فرانسه (۴۴ بنگاه اقتصادی)، آلمان





اقدامات اکبر کمیجانی در دولت سیزدهم

شد و با توجه به مجموعه تحولات رخ داده، رشد اقتصادی کشور در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ترتیب به میزان ۱۲/۵ و ۳/۷ درصد تحقق یافت. متعاقب خروج دولت آمریکا از توافق برجام در اردیبهشت سال ۱۳۹۷ و بازگشت مجدد تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و محدودیت‌های ایجاد شده در مبادلات مالی و تجاری خارجی، تولید ناخالص داخلی طی سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به ترتیب کاهش ۵/۴ و ۶/۵ درصدی را تجربه کرد. بروز و شیوع پدیده غیرقابل پیش‌بینی ویروس کرونا از اواخر سال ۱۳۹۸ و به تبع آن افسول فعالیت‌های اقتصادی در مقیاس جهانی، منجر به کاهش تقاضا برای صادرات کشور و افت قیمت نفت به سطوح بسیار پایین شد و این مساله علاوه بر محدودیت‌های تحریمی مزید بر علت شد تا درآمدهای صادراتی نفت در سال ۱۳۹۹ بیش از پیش تنزل یابد و مدیریت بازار ارز با دشواری بیشتری مواجه شود. در سال ۱۳۹۹ اقداماتی همچون تصویب و اجرای مقررات تبیهی و تشویقی برای سرعت‌بخشیدن به برگشت ارز حاصل از صادرات در شرایط تحریمی و تنگنای شدید ارزی، تامین ارز ترجیحی مورد نیاز برای واردات بیش از ۱۰/۸ میلیارد دلار کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی، دارو و تجهیزات پزشکی و طراحی و عملیاتی کردن سازوکارهای ویژه (از جمله تهاتر) برای دریافت‌ها و پرداخت‌های ارزی کشور جهت مقابله با تحریم‌ها از مهم‌ترین اقدامات بانک مرکزی در حوزه ارزی بوده است. به گفته رئیس کل بانک مرکزی راه‌اندازی سامانه‌های

اکبر کمیجانی در شصت و یکمین اجلاس سالانه مجمع عمومی بانک مرکزی علاوه بر ارائه گزارش عملکرد و اقدامات بانک مرکزی در سال گذشته در حوزه‌های مختلف مسوولیتی اعم از پولی، اعتباری، نظارتی، ارزی، ریالی و نشر، حقوقی و فناوری‌های نوین، به شرح دیگر اقدامات صورت گرفته در این سازمان پرداخت. وی فرارز و فرودهای پیش‌آمده در سال‌های اخیر در اقتصاد ایران را تشریح کرد و اقدامات سیاستگذار پولی در مواجهه با این اتفاقات را نام برد. تامین ارز برای واردات کالاهای اساسی در شرایط تحریمی، اجرای سیاست نوین پولی مبتنی بر عملیات بازار باز، اعمال سیاست احتیاطی کنترل رشد ترازنامه شبکه بانکی، پرداخت تسهیلات و حمایت از بخش‌های مختلف اقتصاد در شرایط کرونایی، عملیاتی کردن قانون صدور چک و درنهایت پیگیری پرونده‌های بین‌المللی از مهم‌ترین اقدامات بانک مرکزی در دو دولت قبلی بود. که کمیجانی به آنها اشاره کرد. وی گفت: رشد اقتصادی در دولت یازدهم، سال ۱۳۹۱ منفی ۷/۷ درصد، این روند در سال ۱۳۹۲ متوقف و از سال ۱۳۹۳ روند بهبود به نحو محسوس پی‌یدار شد. در سال ۱۳۹۴ متاثر از افت محسوس قیمت نفت و کاهش درآمدهای نفتی، رشد اقتصادی معادل منفی ۱/۶ درصد رقم خورد. با اجرایی شدن برجام، زمینه بازگشت تبادلات مالی و تجاری بین‌المللی و صادرات نفت به روال طبیعی و در نتیجه بهبود عملکرد تجارت خارجی کشور و نیز تقویت ثبات اقتصادی فراهم



نظارت بانک مرکزی بر عملکرد شبکه بانکی بوده است. همتی، رئیس پیشین بانک مرکزی نسبت به تامین پولی کسری بودجه و اثرات تورمی ناشی از آن هشدار داده بود. رئیس کل بانک مرکزی جدید نسبت به آینده تورم در کشور اظهار نگرانی کرده و تنها راه کنترل پایه پولی و نقدینگی را رعایت جدی انضباط مالی دانسته است. براساس آمارهای رسمی، در فصل اول سال، ۵۵/۵ هزار میلیارد تومان از هزینه‌های دولت از طریق تنخواه تامین مالی شده و دولت از حداکثر ظرفیت قانونی خود برای استفاده از تنخواه بهره برده است. با این حال به باور کارشناسان تنها گزینه غیرتورمی پوشش کسری بودجه، همچنان فروش اوراق بوده اما این مهم نیز به صورت جدی در دستور کار قرار نگرفته است. بنابر آمارهای رسمی در هفته جاری صرفاً به میزان ۲۳۸ میلیارد تومان اوراق فروخته شده و مجموع اوراق فروخته شده از ابتدای سال تاکنون حدود ۷ هزار میلیارد تومان بوده است. رشد نقدینگی در دوازده ماهه منتهی به پایان خرداد ماه سال جاری ۳۹/۴ درصد بوده است. همچنین نقدینگی در پایان خرداد ماه ۱۴۰۰ نسبت به پایان سال گذشته ۶/۶ درصد افزایش یافته است که دلیل عمده این امر استفاده دولت از منابع بانک مرکزی در قالب تنخواه گردان عمومی به میزان ۵۶ هزار میلیارد تومان است. در همین حال، روز گذشته حراج دهم نیز در سال جاری برگزار شد و وزارت اقتصاد صرفاً توانست ۲۳۸ میلیارد تومان به فروش برساند. در مجموع در سال جاری صرفاً حدود ۷ هزار میلیارد تومان اوراق مالی فروخته شده است.

متعدد نظیر سامانه سیاح، صیاد، سمات و رفع تعهدات ارزی از مهم‌ترین برنامه‌های به اجرا درآمده در حوزه فناوری‌های نوین برای افزایش شفافیت، مبارزه با پولشویی، کاهش فرار مالیاتی و بهبود فضای کسب‌وکار برای فعالان اقتصادی کشور بوده است. همچنین در حوزه اعتباری، اولویت‌بخشی به تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی با هدف بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های خالی اقتصاد، تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط، تامین مالی صنایع پیشران و شرکت‌های دانش‌بنیان، پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه (ازدواج)، خرید تضمینی گندم و تامین مالی بخش مسکن و همچنین پرداخت تسهیلات مقابله با آثار منفی بیماری کرونا به خانوارها و فعالان اقتصادی مورد توجه بانک مرکزی بوده است. لازم به توضیح است، در سال ۱۳۹۹ در مجموع حدود ۱۸۹۸/۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخت شده است که در مقایسه با سال قبل از آن ۹۴/۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. اجرای موفق ادغام بانک‌های وابسته به نیروهای مسلح به عنوان پروژه‌های مهم در راستای اصلاح ساختاری نظام بانکی، تدوین، ابلاغ و عملیاتی کردن قانون صدور چک که منجر به کاهش نسبت چک‌های برگشتی جدید به ۳/۵ درصد در مقایسه با نسبت ۸/۵ درصدی نسبت مزبور در چک‌های قدیمی صادره طی سه‌ماه اول سال ۱۴۰۰ شده است، پیگیری افزایش سرمایه بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی و بازنگری و به‌روزرسانی کارمزدهای خدمات بانکی در راستای اصلاح ساختار درآمدی بانک‌ها از جمله اقدامات انجام‌شده در حوزه تقویت

مرکز آمار ایران گزارش داد

گزارش‌ها نشان از آن دارد که نرخ تورم نقطه به نقطه تولیدکننده بخش صنعت به حدود ۹۵ درصد در بهار سال جاری رسیده که طی یک دهه اخیر بی‌سابقه بوده است. به بیان دیگر، سطح قیمت کالاهای تولیدشده در بخش صنعت در بهار سال جاری نسبت به سال قبل دو برابر شده است که این افزایش قیمت‌های کارخانه‌ای با یک وقفه به قیمت‌های مصرفی در بازار منتقل خواهد شد. کارشناسان معتقدند که سیاست‌های نادرست در حوزه‌های پولی، تجاری و ارزی باعث ایجاد وضعیت قرمز در قیمت‌های کارخانه‌ای شده است. آمارهای پولی نشان می‌دهد به دلیل تامین مالی بودجه از منابع بانک مرکزی رشد متغیرهای پولی نگران‌کننده شده است. پیش از این، آمارهای پولی اعم از رشد نقدینگی و پایه پولی، نخستین آلام تورمی در سال جدید را به صدا درآورده بود. تورم فصلی تولیدکننده - بهار ۱۴۰۰ نسبت به زمستان ۹۹ - به ۸/۲ درصد رسیده است. از سوی دیگر تورم سالانه و تورم نقطه به نقطه با رکوردشکنی توانسته‌اند عددی بی‌سابقه را در دهه ۹۰ شمسی به ثبت برسانند. بر همین اساس در بهار ۱۴۰۰ تورم سالانه تولیدکننده بخش صنعت

به ۷۸/۵ درصد رسیده است. همچنین تورم نقطه به نقطه به عدد قابل توجه ۹۴/۷ درصدی رسید تا در صدر تورم‌های نقطه به نقطه در مدت زمان یادشده برسد. در میان بخش‌های مختلف صنعت کشور گروه‌های «ساخت کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «ساخت مواد و فرآورده‌های شیمیایی»، «ساخت محصولات غذایی»، «ساخت فلزات پایه» و «ساخت وسایل نقلیه موتوری» بیش از ۷۵ درصد از تولید صنعتی کشور را برعهده دارند؛ بررسی تورم نقطه به نقطه این صنایع عمده حاکی از آن است که از میان این پنج صنعت، سه صنعت رشد شاخص تولیدکننده بالاتر از صد درصد را تجربه کردند. بر این اساس «ساخت مواد و فرآورده‌های شیمیایی» تورم نقطه به نقطه ۱۳۵ درصدی را در بهار سال جاری تجربه کرده است. «ساخت فلزات پایه» با ۱۱۲ درصد و «ساخت کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت» با ۱۰۳ درصد در رتبه‌های بعدی افزایش شاخص قرار دارند. صنایع «ساخت محصولات غذایی» و «ساخت وسایل نقلیه موتوری» به ترتیب با تورم ۶۲/۱ و ۶۰/۳ درصد رشد کمتری را نسبت به صنایع عمده کشور به ثبت رسانده‌اند.





ابعاد و اندازه سفره خانوار

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران سرانه مصرف محصولات پروتئینی با ۵۰ درصد کاهش در دهه ۹۰ مواجه شده است. این آمار هشدار دهنده حاکی از کوچک شدن سفره خانوار طی ۱۰ سال را دارد. سرانه مصرف اقلام خوراکی ایرانیان به شدت افت کرده که هزینه بیشتری بابت مواد غذایی مختلف اعم از آبزیان، گوشت قرمز، قند و شکر، برنج و همچنین لبنیات از سوی خانوارها پرداخت می‌شود. عامل اصلی کوچک شدن سفره خانوارها، وقوع دو قله تورمی در ابتدا و انتهای دهه ۹۰ است که باعث شده درآمد خانوار، از رشد قابل توجه قیمت‌ها عقب بیفتد. علاوه بر تورم بالا در کشور، رشد اقتصادی نزدیک به صفر در دهه ۹۰، مصرف خانوارهای ایرانی را تحت تاثیر قرار داده است. به گفته زرگران، طبق داده‌های مرکز آمار ایران، در فاصله زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ سرانه مصرف آبزیان در کشور ۵۰ درصد و گوشت قرمز ۴۶ درصد کاهش یافته است. وی با استناد به گزارش مرکز آمار، از کاهش شدید سرانه مصرف برخی از اقلام غذایی در جامعه خبر داده است. زرگران افزود: این آمار نشان می‌دهد که سرانه مصرف آبزیان طی یک دهه اخیر کاهش ۵۰ درصدی داشته به طوری که از ۴ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۲ کیلوگرم در سال ۹۹ کاهش یافته است. به گفته وی، سرانه مصرف گوشت قرمز نیز طی این مدت با کاهش ۴۶ درصدی مواجه شده و از ۱۳ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۷ کیلوگرم در سال گذشته کاهش یافته است. بر اساس این گزارش سرانه مصرف قند و شکر طی یک دهه اخیر ۳۳ درصد کاهش داشته و از ۲۴ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۱۶ کیلوگرم در سال ۹۹ رسیده است. سرانه مصرف برنج در سال ۱۳۹۰ که ۴۴ کیلوگرم بود نیز به ۳۳ کیلوگرم در سال گذشته کاهش یافته و افت سرانه مصرف ۲۵ درصدی را نشان می‌دهد و سرانه مصرف لبنیات هم طی این مدت با افت ۱۷ درصدی مواجه شده و سرانه مصرف این



خود را در میزان مصرف مواد غذایی داشته؛ به طوری که کاهش سطح رفاه خانوار ایرانی در دهه ۹۰ میزان مصرف مواد غذایی را به ویژه در دهک‌های پایین درآمدی کاهش داده است. در این شرایط خانوارها عمدتاً به سمت مصرف غذاهای کم کالری حرکت کردند. آمارهایی که توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر شده است، نشان می‌دهد میزان مصرف گوشت قرمز از سال ۹۰ تا ۹۸ بیش از ۵۱ درصد کاهش داشته و دهک اول درآمدی کاهش بیشتر از ۵۸ درصدی را تجربه کرده است. بر اساس این گزارش، مصرف ماهانه گوشت قرمز از ۲/۶ کیلوگرم در سال ۹۰ به ۱/۲ کیلوگرم در سال ۹۸ رسیده است. میزان مصرف لبنیات نیز در ۸ سال ابتدایی از دهه ۹۰، کاهش بیش از ۳۵ درصدی داشته و مصرف برنج نیز به طور متوسط

واقعی خانوار و اثر فشار هزینه مسکن بر سبب غذایی خانوار ایرانی اشاره کرده بود. مجموعه این گزارش‌ها تایید می‌کند در یک دهه اخیر، قدرت خرید خانوارها برای تهیه کالاهای خوراکی با کیفیت افت کرده است. یکی از راهکارهای اصلی برای جبران تبخیر کالری از سفره خانوار، «حذف یارانه‌های غیرضروری حامل‌های انرژی و بازتوزیع منابع حاصل از آن برای حمایت از دهک‌های آسیب‌پذیر» است. آمارها نشان می‌دهد یک پنجم از میزان مصرف خانوارها در دهه ۹۰ کم شده و این کاهش مصرف در تمام دهک‌ها قابل مشاهده است. سطح هزینه‌های حقیقی خانوارهای ایرانی، در دهه ۹۰، بیش از ۲۲ درصد کاهش داشته که این امر به نوعی نشان از کاهش ۲۲ درصدی سطح رفاه جامعه نیز دارد. این کاهش هزینه‌های حقیقی انعکاس

محصولات برای خانوار ایرانی در حالی طی سال ۱۳۹۰ معادل ۱۲۷ کیلوگرم بود که این میزان به ۱۰۶ کیلوگرم در سال ۱۳۹۹ کاهش یافته است. بررسی آمارهای مربوط به سرانه مصرف خانوار در دهه ۹۰ نشان می‌دهد میزان مصرف کالاهای اساسی در تمام دهک‌های درآمدی کاهش یافته است. مطابق گزارش وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، میزان مصرف گوشت قرمز در دهه ۹۰ بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته و این میزان برای لبنیات معادل ۳۵ درصد و برای برنج ۳۴ درصد بوده است. از نگاه کارشناسان، موج‌های تورمی و متوسط رشد اقتصادی نزدیک به صفر در دهه ۹۰، باعث کوچک‌تر شدن سبد غذایی شده است. پیش‌تر «دنیای اقتصاد» در دو گزارش با عنوان «دوب تورمی بودجه خانوار» و «نقشه فقر مسکن» به کاهش هزینه‌های



کودکان قربانی وضعیت معیشتی و افزایش فقر

سال در حدود یک میلیون شغل نیز از دست رفته و درآمد خانوارها کاهش داشته، نرخ فقر نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته باشد. این موضوع به آن معناست که در بهترین حالت از هر سه نفر ایرانی، یک نفر زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کند و در تامین مایحتاج زندگی دچار مشکل است. در چنین شرایطی کودکان وضعیت به مراتب بدتری نسبت به سایر گروه‌ها دارند. در سال ۱۳۹۸ نرخ فقر در بین کودکان، ۳۸ درصد (در مقابل ۳۲ درصد نرخ فقر کل) بوده است. افزایش فقر در بین کودکان پیامدهای اقتصادی و اجتماعی به مراتب بالاتری برای

به عبارتی دیگر می‌توان این گونه گفت که نرخ فقر و وضعیت معیشتی گروه‌های پایین درآمدی و حتی طبقه متوسط از مرز هشدار عبور کرده است. خانوارهای ایرانی با سرعت بسیار بالا در حال از دست دادن رفاه هستند و طبقه متوسط جامعه در حال از بین رفتن است. نرخ فقر در سال ۱۳۹۸ در حدود ۳۲ درصد بوده و بیش از ۲۶ میلیون جمعیت در کشور در زیر خط فقر قرار دارند. همچنین پیش‌بینی می‌شود برای سال ۱۳۹۹ با رشد ۳۸ درصدی خط فقر و رسیدن به عدد ۱۲۵۴ هزار تومان برای هر فرد (به‌طور متوسط در کل کشور) در حالی که در این

۳۴ درصد کاهش داشته است. نکته جالب توجه اینکه همه خانوارها حتی در دهک‌های بالا نیز بخشی از مصرف خود را کاهش داده‌اند. همه اینها نشان از آن دارد که امنیت غذایی خانوارهای ایرانی به‌ویژه در دهک‌های پایین‌تر در معرض خطر است. برای بهبود روند سطح مصرف خانوار، راه‌حل بلندمدت، ایجاد رشد اقتصادی و رهایی از رکود است. اما راه‌حل کوتاه‌مدت، کنار گذاشتن سیاست قیمت‌گذاری و حذف یارانه‌های پنهان انرژی است؛ زیرا از این مسیر، منابع درآمدی جدیدی برای دولت ایجاد می‌شود و می‌توان با استفاده از این منابع، به اقشار کم‌درآمد جامعه کمک مالی کرد. به بیان دیگر، می‌توان با واقعی کردن قیمت انرژی، از منابع آن برای حمایت غذایی خانوارها بهره برد.

اقتصاد نسبت به فقر سایر گروه‌ها دارد که کاهش سرمایه انسانی و کاهش ضریب هوشی در کودکان دو مورد از مهم‌ترین آنان است. کودکان سرمایه انسانی آینده اقتصاد ایران هستند، گسترش فقر در بین کودکان، بیش از هر چیز باعث کاهش هزینه‌های آموزش آنان می‌شود و چه‌بسا بسیاری از کودکان را از تحصیل بازدارد؛ به طوری که در سال ۱۳۹۷ و پیش از شیوع کرونا ۱/۳ درصد از کودکان ۶ تا ۱۱ سال، بازمانده از تحصیل بودند که این ارقام پس از مجازی شدن آموزش در سال ۱۳۹۹ افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است. در کنار بازماندگی از تحصیل، فقر باعث کاهش کیفیت تحصیل کودکان نیز می‌شود. شیوع سوء تغذیه در میان کودکان ارتباط مستقیمی با کاهش ضریب هوشی آنان دارد. فقر درآمدی باعث کاهش کالری دریافتی ایرانیان شده و میزان کالری دریافتی سرانه را در ایران کاهش داده است؛ به طوری که میانه کالری سرانه ایرانیان در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ به زیر مقدار ۲۱۰۰ کیلوکالری (کالری مورد نیاز روزانه) رسیده است. در این میان، کودکان بیش از بزرگسالان آسیب می‌بینند. در سال ۱۳۹۹ حدود ۲/۶ درصد از کودکان زیر شش سال در کشور دچار سوء تغذیه بودند. به شکلی دقیق تر خط فقر سرانه سال ۱۳۹۹ معادل یک میلیون و ۲۵۴ هزار تومان بود. همچنین خط فقر در این سال، برای خانوارهای سه نفره، ۲ میلیون و ۷۵۸ هزار تومان و برای خانواده‌های چهارنفره این رقم برابر ۳ میلیون و ۳۸۵ هزار تومان برآورد شده است. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد خط فقر سال ۹۹ نسبت به سال قبل از آن، رشدی ۳۸ درصدی داشته که مهم‌ترین عامل افزایش خط فقر در سال ۹۹ تورم بالا در دو بخش خوراکی‌ها و مسکن بوده است. تعداد افرادی که درآمدی کمتر از خط فقر در سال ۹۸ داشته‌اند، به بیش از ۲۶ میلیون رسیده است. براساس داده‌های شاپرک، سهم خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها از کل هزینه‌ها در سال ۱۳۹۹ به ۲۳/۴ درصد رسیده که نسبت به سال ۱۳۹۸ که ۲۲/۱ درصد بوده، افزایش داشته است که این امر نیز از کاهش رفاه خانوارها در سال ۹۹ حکایت دارد. در این میان، به دلیل بالا بودن تورم خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و همچنین کالاهای بادوام انتظار می‌رود رفاه خانوارهای کم‌درآمدتر به میزان بیشتری کاهش پیدا کرده باشد. در این ۱۰ سال که برخی کشورها، رشدهای اقتصادی قابل ملاحظه‌ای را تجربه کردند، نه تنها به تولید کشور اضافه نشد، بلکه سالانه ۱/۶ درصد اقتصاد ایران کوچک شده است. اگر اقتصاد کشور طی ۴ سال آینده رشد اقتصادی ۵ درصدی را تجربه کند، تولید کشور تنها به رقم سال ۱۳۹۰ می‌رسد و این مساله در صورتی محقق می‌شود که دولت ساختارها و نهادهای اقتصادی کشور را اصلاح کند. بنابراین حداقل ۴ سال زمان لازم است که این کاهش ۱۸/۲ درصدی تولید جبران شود و اقتصاد به ریل قبلی برگردد. مطابق برنامه ششم توسعه رشد اقتصادی ۸ درصدی با تغییر جدی در سیاستگذاری پولی و مالی کشور و همچنین نظام تصمیم‌گیری کشور نیاز است.





(به‌خصوص وقتی در مورد بلندمدت صحبت می‌کنیم) و در این زمینه پایه پولی در بلندمدت تاثیر چندانی ندارد. به عبارت دیگر اگر پایه پولی منجر به نقدینگی نشود، تورم ایجاد نمی‌کند. به‌عنوان نمونه، اگر پایه پولی افزایش پیدا کند، اما از آن طرف بانک مرکزی نرخ کف خریدور را افزایش دهد، بانک‌ها تمایل پیدا می‌کنند که منابع خود را نزد بانک مرکزی نگاه‌دارند و سود بالاتری دریافت کنند. این امر به آن معناست که پایه پولی افزایش پیدا کرده اما این پایه پولی سبب افزایش نقدینگی در کشور نشده است. اندازه‌گیری مداوم انتظارات تورمی برای سیاستگذاری تورم بسیار حائز اهمیت است. اگر در مساله تحریم گشایشی ایجاد نشود، عملاً دولت جدید منابع لازم را برای عمل به وعده‌های انتخاباتی خود نخواهد داشت. در مقابل، بانک مرکزی باید سیاست کنترل نقدینگی را با قدرت در پیش بگیرد. در این زمینه بانک مرکزی می‌تواند راهکارهای کوتاه‌مدتی را اتخاذ کند. به‌عنوان نمونه، بانک مرکزی می‌تواند خریدور در بازار بین بانکی را معنادارتر کند، به این معنا که نرخ کف خریدور را افزایش دهد. در مقابل دولت هم باید در فروش اوراق مالی جدید بیشتری به خرج داده و نرخ سود این اوراق را افزایش دهد. همچنین محدودیت‌های رشد ترانزنامه‌های بانک‌ها نیز باید به صورت جدی دنبال شود.

تورم تابستانه از نگاه آمار

تورم در تابستان ۱۴۰۰، سطوح بالایی را ثبت کرد راه‌حل‌های کوتاه‌مدت برای کنترل انتظارات تورمی شامل «واقعی‌تر کردن نرخ سود بین بانکی»، «جذاب‌تر کردن اوراق»، «اعمال محدودیت بر رشد ترانزنامه‌های بانکی» و «افزایش نقش بانک‌ها در خرید اوراق» است. همچنین افزایش نقش بانک‌ها در خرید اوراق می‌تواند نقدشوندگی دارایی‌های بانک‌ها را افزایش دهد. این موضوع در حالی مطرح می‌گردد که در نیمه اردیبهشت ماه بانک مرکزی اعلام کرد که در حال حاضر فروش اوراق را به تعویق خواهد انداخت. مهمترین دلیل افزایش تورم و نرخ ارز، افزایش نقدینگی و تشدید انتظارات تورمی بوده است. این در حالی است که اگر افزایش پایه پولی موجب رشد نقدینگی نشود، تاثیری در تورم نخواهد گذاشت. بر این اساس راه‌حل‌های کوتاه‌مدت

سیاستگذار برای رهایی از فشارهای تورمی، شامل «افزایش نرخ کف خریدور در بازار بین بانکی»، «افزایش سود اوراق» و «اعمال محدودیت رشد ترانزنامه‌های بانکی» است. همچنین دولت می‌تواند نقش بانک‌ها را در خرید اوراق افزایش دهد و این اقدام نه تنها موجب تسهیل در عملیات بازار باز می‌شود، بلکه نقدشوندگی دارایی‌های بانک‌ها را نیز افزایش می‌دهد. در پاسخ به این پرسش که دلیل اصلی تورم، نقدینگی است یا پایه پولی، می‌توان گفت: در اصل افزایش نقدینگی سبب تورم می‌شود



بهار بورس با تمام سردی‌ها به پایان رسید

روزهای دیگر نیز در واکنش به خوش‌بینی حاصل از فصل مجامع و چند عامل جزئی دیگر به بازار سهام بازگردد تا میزان خروج پول این دسته از بازیگران سهام به کمترین میزان از آذر ۹۹ برسد. اگر از زاویه‌ای کلان‌تر به بازار سهام نگاه کنیم، اوضاع بورس را باید با پایان خرداد در قالب عملکردی فصلی بررسی کرد. در حالی که خردادماه نسبت به ماه‌های گذشته ماه بهتری برای بازار سرمایه و فعالان آن بود؛ با این حال بهار ۱۴۰۰ به عنوان سالی که میراث شوم ابرنوسان قیمت‌ها در سال ۹۹ را به دوش می‌کشد، بهار خوبی برای بورس و فرابورس نبود. بررسی آمار و ارقام به ثبت رسیده در طول فصل بهار حکایت از آن دارد که در سه ماه گذشته میانگین وزنی قیمت‌ها در بورس به میزان ۱۰/۶ درصد افت داشته است که بیشترین افت دماسنج تالار شیشه‌ای در اولین فصل از سال (در تاریخ فعالیت بورس) به‌شمار می‌رفت. این رقم در حالی به ثبت می‌رسد که در مدت مشابه سال قبل این میانگین -که در شاخص کل بورس قابل رویت است- به حدود مثبت ۱۴۸ درصد رسیده است.

بررسی عملکرد بورس تهران در بهار حاکی از آن است که افت ۱۰/۶ درصدی شاخص کل در طول این مدت مانع از آن شده که حتی سهام ارزنده موجود در بازار مورد توجه سرمایه‌گذاران بازار قرار گیرد. با این حال سایر متغیرها نظیر نسبت نمادهای حاضر در صف فروش نسبت به کل نمادها به تدریج کاهش یافته است. البته این مساله موجب نشده که شاهد ورود پول حقیقی به این بازار باشیم. طی سه ماه بهار ۱۴ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان از پول حقیقی‌ها از بورس خارج شده است. یک ماه دیگر از عمر طولانی بازار سهام در ایران به پایان آمد و شاخص بورس تهران که در ابتدای خردادماه در سطح یک‌میلیون و ۱۵۴ هزار واحدی قرار داشت پس از تحمل یک ماه فراز و نشیب تقریباً خنثی و رشد محدود ۱/۲ درصدی به سطح یک میلیون و ۱۶۸ هزار واحدی رسید. شاید بتوان خرداد را ماه مهمی برای بازار سرمایه دانست. در طول این مدت و چند رکورد دیگر به ثبت رسید و پول حقیقی هرچند در بسیاری از روزها بازار را ترک کرد، با این حال توانست در برخی از

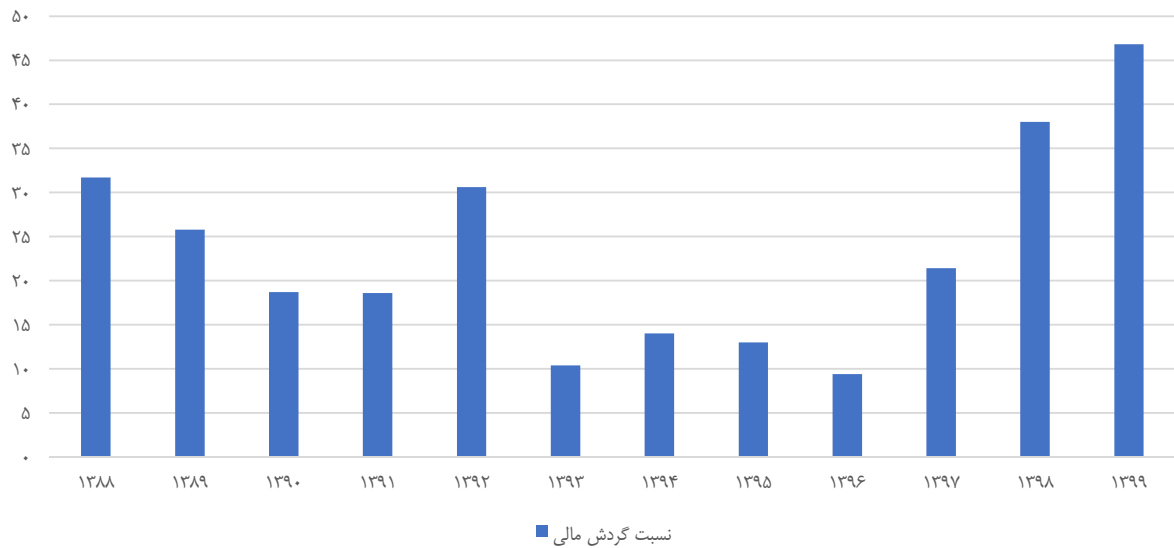
تیرماه متفاوت بورس بارشد قیمت‌ها

سخنانی مبنی بر ورود خودرو به بورس کالا شنیده می‌شود و از سوی دیگر افزایش امید به حصول زود هنگام توافق هسته‌ای سبب افزایش توجه سهامداران به زیرمجموعه‌های دو گروه خودرو و بانک شده است. یکی از سیگنال‌های تغییر روند بازارها، همواره بررسی رفتار سهامداران خرد آن بازار است. روز گذشته حقیقی‌ها بیشترین خالص خرید از ۸ خرداد را رقم زدند و مالکیت سهامی به ارزش ۳۶۰ میلیارد تومان را از آن خود کردند. با همگرایی نماگرها که به دنبال سبزپوشی در کلیات بازار سهام خورد، شاخص کل هموزن نیز ۰/۸۵ درصد (۳/۱ هزار واحد) به جلو گام برداشت. از طرفی در بازار فرابورس ایران نیز شاهد رشد ۰/۶ درصدی (۱۰۹ واحدی) شاخص کل بودیم. در روزی که شاخص کل بورس تهران رشد ۱/۵۶ درصدی همراه شد، از ۳۲۹ نماد معامله شده، قیمت پایانی ۲۰۰ سهم (۶۱ درصد) مثبت بود و در مقابل ۱۱۱ سهم (۳۴ درصد) در سطوح منفی دادوستد شدند. بر این اساس با ثبت رشد ۲/۲ درصدی شاخص کل بازگشت این نماگر به ابرکانال ۱/۲ میلیون واحدی رقم خورد که بیشترین رشد هفتگی بورس تهران در سال جاری رقم خورد تا امید به پایان روند اصلاحی بیش از گذشته تقویت شود. در عبور از این فضای اصلاحی اما خطر بازگشت تحلیل‌گریزی، بازار و سهامداران را تهدید می‌کند. آن هم در شرایطی که بورس همچنان از بیماری کهنه‌صفتی به سبب وجود دامنه نوسان رنج می‌برد و در این فضا ممکن است اتفاقات تلخ سال ۹۹ تکرار شود. به عبارتی دیگر طی بیست روز بازار سهام روندی متعادل به خود گرفته و حدود ۱۱ درصد به ارتفاع شاخص کل افزوده شده است.

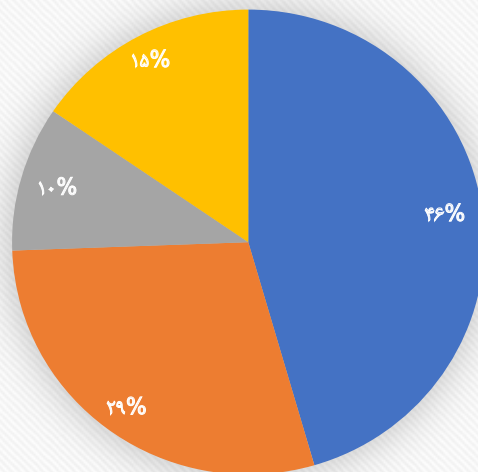
بازار سرمایه در اولین روز از تیرماه با رشد ۱/۵۶ درصدی شاخص کل بورس تهران پایان یافت که بیشترین رشد درصدی این نماگر از ۸ خردادماه بود. با ثبت این رشد، پس از ۲۴ روز کاری شاخص کل از حبس در بازه ۱/۱۰۰ تا ۱/۱۷۰ میلیون واحد رهایی پیدا کرد و بازیگران حقیقی مجدداً در سمت خرید بازار فعال شدند. رشد نرخ دلار، افزایش خوش‌بینی‌های برجاسی و کاهش هراس از دستوری ماندن قیمت‌گذاری خودرو از مهم‌ترین دلایلی بود که روز گذشته سبب تحریک تقاضا در بازار سهام شد. بورس در هفته اول تابستان پرنشاط‌ترین دوره خود به لحاظ رونق معاملاتی را سپری کرد تا با ثبت رشد ۵/۷ درصدی شاخص کل، بهترین هفته بورس در سال جاری رقم بخورد و حقیقی‌ها پس از ۲۴ هفته مجدداً خریدار شوند. در این میان هرچند خوش‌بینی‌ها افزایش یافته، اما با توجه به تجربیات تلخ سهامداران در ۱۰ ماه گذشته و گرفتار شدن در صف‌های فروش ممکن است هر موج افزایشی با خودنمایی فروشندگان توأم شود و از شتاب بازار در مسیر صعود بکاهد. خودرویی‌ها که در یک هفته پیش درگیر اظهارنظرهای گاه متناقض سیاستگذاران بودند، طی دو روز گذشته در حال خودنمایی در تالار شیشه‌ای هستند. جایی که از یکسو مجدداً



نسبت گردش مالی در بورس تهران (درصد)



نسبت گردش مالی در بورس تهران در دوره های خاص (درصد)



از ۲۹ خرداد ۱۴۰۰ تا کنون ۱۵% از ۲۵ بهمن ۹۹ تا ۳ خرداد ۹۹ ۱۰% از ۲۰ مرداد تا ۲۱ بهمن ۹۹ ۲۹% ابتدای سال ۹۹ تا ۱۹ مرداد همان سال ۴۶%

است. در روزهای اخیر شاهد ورود پول‌های تازه به بازار سهام بوده‌ایم. همین امر زمینه لازم برای رشد قیمت‌ها را فراهم کرده است. تقویت این جریان می‌تواند بستر لازم را برای وقوع شرایطی همانند آنچه در سال ۹۹ رخ داد، فراهم کند و به ابرنوسان قیمت‌ها بینجامد. اما چگونه می‌توان از تکرار این تجربه جلوگیری کرد؟ بررسی‌های «دنیای اقتصاد» حکایت از آن دارد که در صورت اتخاذ تدابیر لازم و تقویت بازار اولیه در کنار ابزارهای پوشش ریسک می‌توان شرایطی را پدید آورد که بازار سرمایه در مواجهه با موج تورمی احتمالی از شانس بیشتری برای دستیابی به یک روند پایدار نسبت به آنچه در سال گذشته رخ داد برخوردار باشد. ضمن آنکه با اتخاذ تدابیری رشد حبابی سال ۹۹ تکرار

نشود و رونق واقعی نصیب این بازار شود. محرک‌های صعودی در بازار سهام از نگاه کارشناسان دومین ورود سنگین حقیقی‌ها در سال جاری ثبت شد و ارزش دادوستد سهام، قلعه‌ای جدید را در کارنامه این بازار رقم زد. ضمن اینکه اختلاف ارزش صفوف خرید و فروش به حداقل رسید و سهم سبزپوشان تالار شیشه‌ای به بیش از ۷۰ درصد رسید. در سومین هفته از تیر ماه برای سومین هفته متوالی بازار سرمایه به حرکت در مسیر صعودی ادامه دهد و این بار ۲ درصد بر ارتفاع شاخص کل سهام افزوده شود. با وجود عملکرد مطلوب سهام در هفته‌های گذشته اما همچنان داماسنج بازار سهام در ارتفاعی حدود ۲ درصد کمتر از ابتدای سال قرار دارد و سرمایه‌گذارانی که در اوج مردادماه وارد این بازار شده‌اند، به‌طور میانگین با زیان ۳۹ درصدی مواجه‌اند. باید دید نوسان انتظارات تورمی چه سرنوشتی را برای این بازار دارایی رقم می‌زند. این بازار در این بازه شاهد تداوم بالادستی خریداران بود؛ به نحوی که با تقویت روند صعودی، شاخص کل رشد بیش از ۲ درصدی در مقیاس هفتگی را ثبت کرد.

همان‌طور که در شماره‌های پیشین نیز اشاره شده بود ظهور قارچ‌گونه کانال‌هایی که تنها به دنبال ارائه سیگنال‌های خطا و بدون تحلیل به سرمایه‌گذاران هستند،

سبب می‌شود تا همزمان با ورود به دوره‌های اصلاحی، سیاستگذار بورسی وادار به مداخله در روند بازار و حمایت از سهامدارانی شود که در دوره‌های حبابی، ورود کرده و به همین سبب با ضررهای هنگفتی مواجه شده‌اند. در این شرایط است که «دام پوپولیس» پهن می‌شود. در ۱۰ ماهی که بازار سهام گرفتار روندی اصلاحی شد، این نوع دیدگاه به وضوح دیده شد. راهکارهای زودبازدهی که یا به سیاستگذار پیشنهاد می‌شد یا از جلسات خصوصی آنها به بازار مخابره می‌شد. راهکارهایی که گرچه در برخی موارد

مرهمی در کوتاه‌مدت بود، اما در بلندمدت فقط اوضاع را وخیم‌تر کرد. در همان اوایل ریزش‌ها بود که هر کسی به زعم خود با متهم کردن سهامداران حقوقی، آنها را مسبب منفی شدن قیمت سهام معرفی می‌کردند. کار به جایی رسید که سیاستگذار نیز تنها برای خواباندن اعتراضات برای مدتی اجازه فروش را از این دسته از بازیگران بورسی سلب کرد و حتی در برهه‌ای آنها را وادار کرد تا با وجود علم به حبابی بودن قیمت‌ها اما برای جمع کردن صف‌های فروش در نقش خریدار ظاهر شوند؛ به طوری که در ۱۰ ماه رکودی بورس تهران سرمایه‌های بالغ بر حدود ۱۰۰ هزار میلیارد تومان از سوی سهامداران عمده صرف جمع‌آوری سهام از حقیقی‌ها شده است. رشد قابل توجه نقدینگی در طول ماه‌های نخست سال جاری سبب شده تا بازار سهام نیز مانند سایر بازارهای سرمایه‌پذیر از شانس بیشتری برای خوشه‌چینی از این پدیده اقتصادی نامبارک برخوردار باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد عواملی نظیر رشد پایه پولی و گذر نقدینگی از سطح ۳۶۰۰ هزار میلیارد تومان زمینه را برای تحقق این امر فراهم کرده



بازار سرمایه در ماه دوم تابستان

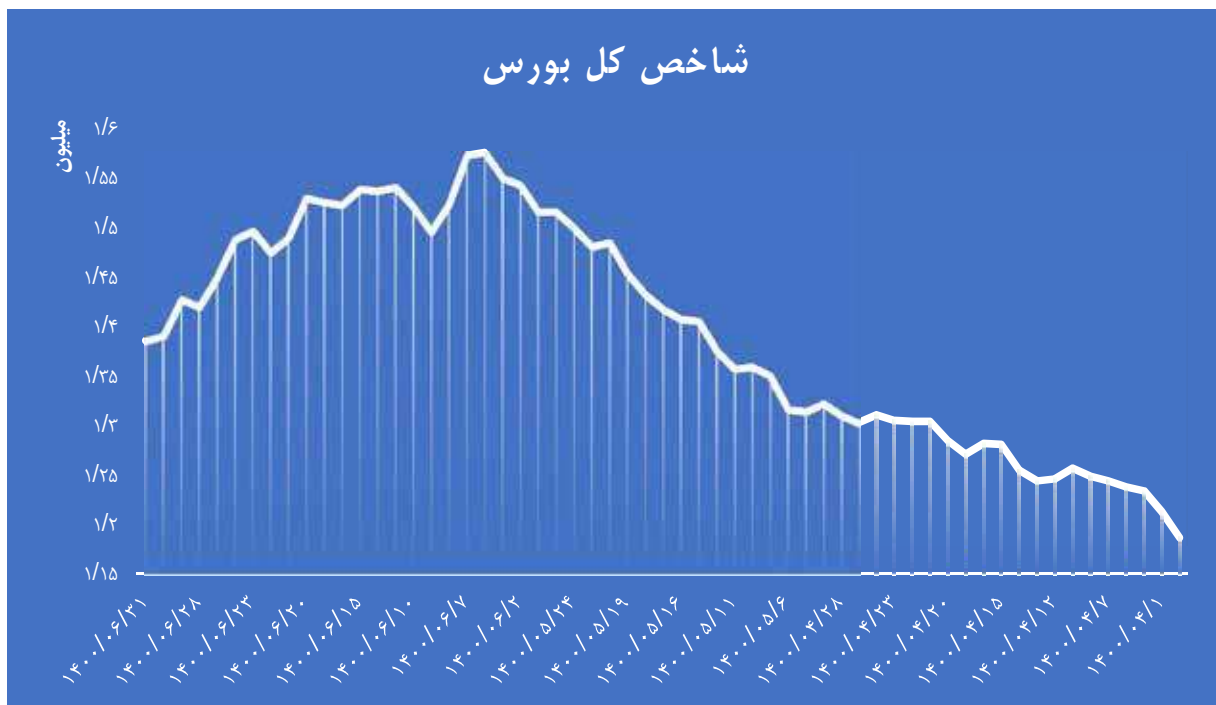
با مقایسه ۶ دولت گذشته می توان گفت که این دولت یعنی دولت دوازدهم از نظر رشد اسمی و هم واقعی رکورد بیشترین میزان بازدهی شاخص کل بورس را در میان ۶ دولت اخیر، به خود اختصاص داده است. دوره‌ای که شاهد فراز و فرود چندباره همه بازارهای دارایی بودیم و سرانجام با ثبت بازده اسمی ۱۵۷۱ درصدی و بازده واقعی ۴۴۴ درصدی پرونده بررسی دولت دوازدهم نیز بسته شد. اما آنچه باعث ثبت این رکورد شد، نه رشد بخش واقعی اقتصاد و انعکاس آن بر بازار سهام، بلکه افزایش انتظارات تورمی به دلایل مختلفی همچون خروج آمریکا از برجام، تحریم‌های جدید اقتصادی، جهش‌های پی‌در پی ارزی، افزایش تورم و هر آن چیزی بود که سرمایه‌گذاران را در تکاپوی حفظ ارزش ریالی سرمایه‌شان انداخت و با افزایش ضریب نفوذ بورس میان عامه مردم و روانه شدن سیل نقدینگی به تالار شیشه‌ای، سبب بروز ابرنوسان‌های متعدد در این بازار شد. در هفته سوم مرداد ماه نیز بازار سهام شرایط یک ماه نیم ابتدایی فصل تابستان را دنبال کرد و با رشد ۵/۶ درصدی مواجه شد، در حالی که اخیر به ۳۵ درصد رسیده و

مرداد ماه پس از ۱۰ ماه سقوط نفس‌گیر قیمت سهام سرانجام تیرماه با رشد ۱۲/۲ درصدی شاخص کل بورس سپری شد. اما جو بورس در میانه تابستان چگونه خواهد بود؟ آیا رشد قیمت سهام ادامه خواهد یافت یا فضای صعودی شکل گرفته در اولین ماه تابستان موقتی است و ادامه پیدا نمی‌کند؟ در حال حاضر به اعتقاد کارشناسان، بورس‌بازان در کوتاه‌مدت روندی خنثی و همراه با نوسان را شاهد خواهند بود؛ اما چشم‌انداز سهام در بلندمدت همچنان مثبت است. پس از تعطیلات ۶ روزه کرونایی، شاهد رشد ۰/۹ درصدی شاخص کل بودیم. شاخص کل از کف پیشین خود بیش از ۲۰ درصد فاصله گرفت و برای نخستین بار در سال ۱۴۰۰ وارد فاز گاوی شد. تغییر فازی که ۳۹ روز زمان برد. عدم تمایل دلار برای ریزش، کم‌رنگ بودن احتمال احیای برجام در کوتاه‌مدت، فعال شدن ثانیه‌شمار آغاز به کار دولت سیزدهم، تعدیل مناسب P/E آینده‌نگر بازار در کنار احساس رضایت بورس‌بازان از وضعیت نرخ بهره بین بانکی، شتاب‌دهنده‌های بورس در مسیر صعودی است. بر این اساس ناگر با قرار گرفتن از ارتفاع یک‌میلیون و ۳۲۳ هزار واحدی، حدود ۲۰/۸ درصد از کف اخیر خود فاصله گرفته و به اصلاح وارد فاز گاوی شود. این نخستین فاز صعودی شکل گرفته در سال ۱۴۰۰ به‌شمار می‌رود. در دهمین روز معاملاتی مرداد ماه را با پرش ۲/۶۶ درصدی آغاز کرد و با ثبت دومین رکورد رشد درصدی در سال جاری، تا محدوده یک‌میلیون و ۳۵۱ هزار واحد پیشروی کرد. در این شرایط سهامداران خرد نیز پنجمین خرید پرمقدار خود در سال ۱۴۰۰ را رقم زدند. سهم ۶۰ درصدی صنایع صادرات‌محور از کل ارزش بازار سهام سبب شده است تا تغییرات نرخ دلار و البته قیمت جهانی کالاها، نقش پررنگی در روند سودسازی این شرکت‌ها ایفا کند. شاید بهتر باشد که بگوییم افزایش قیمت ارز، در این بازه، روی بازار سهام اثر گذاشت تا افزایش ریسک‌های سیستماتیک در کلیت اقتصاد کشور در نهایت به کام سرمایه‌گذاران تمام شود. در میانه مرداد ماه دولت دوازدهم، دولت را تحویل دولت سیزدهم داد،



این بازار دمید. بررسی‌ها نشان می‌دهد نرخ هر اسکناس آمریکایی از کف ۲۱ هزار تومانی در میانه اردیبهشت‌ماه با رشد بیش از ۲۸ درصدی به کانال ۲۷ هزار تومان وارد شده است. افزایش نرخ‌ی که طبیعتاً با وقفه زمانی اثر خود را بر دلار نیمایی نیز به جا خواهد گذاشت. این مهم از آنجا حائز اهمیت است که بدانیم بیش از ۶۰ درصد از سهام بورسی در زمره شرکت‌های صادرات‌محور قرار می‌گیرند؛ شرکت‌هایی که بیشترین درآمد خود را به صورت دلاری کسب کرده و طبیعتاً به دنبال رشد نرخ این ارز منتفع خواهند شد و با توجه به اثر بالایی که در محاسبه نماگرهای بورسی دارند، داماسنج‌های تالار شیشه‌ای را نیز مثبت خواهند کرد. در مقابل اما شرکت‌هایی هستند که در زمره گروه‌های ریالی قرار می‌گیرند. برخی هیچ اثری از تغییرات نرخ دلار نمی‌پذیرند و برخی دیگر هزینه‌های دلاری داشته و در مقابل درآمد ریالی کسب می‌کنند؛ این گروه از سهام متضرران رشد نرخ دلار خواهند بود.

شاخص کل برای هشتمین هفته متوالی صعودی شود و بر فراز قله ۸ ماهه بایستد. با وجود ابعاد قابل‌ملاحظه رشد اخیر بورس به‌ویژه در صنایع صادراتی و وابسته به نرخ دلار، ارزش داد و ستدها با وجود رشد نسبی کماکان کمتر از ۱۰ هزار میلیارد تومان است که در قیاس با ارزش بالای معاملات سهام در سال گذشته، نوعی احتیاط در این بازار را تداعی می‌کند. از سمت عرضه نیز به‌نظر می‌رسد فروشندگان از واگذاری سهام ابا دارند و دچار تردید درباره شناسایی سود با وجود رشد مناسب قیمت‌ها هستند. در بازار موازی، دلار آزاد بار دیگر به کانال حساس ۲۶ هزار تومانی وارد شده است. اهمیت محدوده مزبور از آنجاست که در ۹ ماهه اخیر، این کانال بارها مانع از رشد بیشتر قیمت‌ها شده است. با توجه به تأثیر مستقیم نرخ برابری ارز بر سودآوری بخش مهمی از شرکت‌های بورسی، تحولات بازار مزبور به‌دقت تحت رصد سهامداران قرار دارد. در آخرین هفته از مرداد نیز نرخ دلار روح تازه‌ای در کالبد



شدت گرفتن انتظارات تورمی موجب افزایش شاخص سهام

با پایان مرداد، گرم‌ترین ماه از سال پشت سر گذاشته شد. بازار سهام نیز در این ماه معاملات داغی را تجربه کرد. شاخص کل بورس تهران در مجموع دادوستدهای مردادماه رشد ۱۵/۶ درصدی را ثبت کرد تا با شکستن رکورد ۱۳ ماهه، لقب پرسودترین ماه بورس طی این مدت را به خود اختصاص دهد. اما این تنها رکورد بورس در دومین ماه تابستان نبود. در این ماه ارزش معاملات خرد سهام با ثبت رقم حدود ۸ هزار میلیارد تومان در یک روز، به بیشترین میزان در سال جاری دست یافت و صفوف خرید نیز طولانی‌تر شدند. با وجود ثبت تمام ارقام مثبت در کارنامه پنجمین ماه سال، اما شاهد سنت‌شکنی سهامداران خرد بودیم. حقیقی‌ها که همواره با صعودی شدن روند بازار، سراسیمه به موج متقاضیان خرید سهام می‌پیوستند، در این ماه عقب نشستند. فعالیت کم‌رنگ حقیقی‌ها در بورس ماحصل کسب تجربه بورس‌بازان از ۱۰ ماه اصلاحی این بازار است. گویا این بار بازیگران خرد تصمیم گرفته‌اند هیجانی عمل نکنند و با طمانینه بیشتری وارد گردونه پریسک سهام شوند. در گرم‌ترین ماه سال، بورس نیز معاملات داغی را پشت سر گذاشت. پرونده بورس تهران در دومین ماه از تابستان در حالی بسته شد که نماگر اصلی این بازار برای سومین ماه متوالی با رشد همراه شد. به این ترتیب شاخص کل، دادوستدهای مردادماه را با رشد ۱۵/۶ درصدی پشت سر گذاشت تا گرم‌ترین ماه بازار سهام در سال ۱۴۰۰ حالا به‌میان‌ه تابستان اختصاص پیدا کند. این رقم بیشترین میزان افزایش میانگین وزنی قیمت‌ها در ۱۳ ماه گذشته به‌شمار می‌رود. با وجود سبزی بودن فضای تالار شیشه‌ای در این ماه اما تردید به‌سبب برخی ابهامات سیاسی و اقتصادی مانع از حضور فعال سهامداران خرد در زمین خرید سهام شد، از این‌رو برخلاف سنت همیشگی با وجود رشد داماسنج تالار شیشه‌ای اما شاهد خروج ۸۲۳ میلیارد تومانی حقیقی‌ها بودیم. بازار سهام در این ماه نیز صدرنشین بازار دارایی‌ها شد. ماهی که نرخ دلار با افزایش ۱۱/۶ درصدی همراه شد و رشدی ۱۳/۹ درصدی از آن سکه شد. تغییر جهت انتظارات تورمی و البته کم‌رنگ‌تر شدن احتمال حصول توافق هسته‌ای و احیای برجام از مهم‌ترین دلایل رشد نرخ ارز بود. رخدادی که اثرش را بر معاملات سهام نیز به‌جا گذاشت تا بازاری که حدود ۶۰ درصد از بنگاه‌های آن را شرکت‌های صادرات‌محور و به‌اصطلاح دلاری تشکیل می‌دهند، با جهش قیمتی همراه شود. هنوز هم معامله‌گران بازار ابزارهای مالی بورس کالا با ترس از ریزش یکباره نرخ، سعی می‌کنند، فاصله محدود معاملات خود را با نرخ واقعی بازار حفظ کرده و تنها به میزان اندکی بالاتر از قیمت ابطال دارایی خود به

معامله بپردازند، اما ذهنیت افزایشی در بین معامله‌گران وجود دارد و انتظارات تورمی، مثبت ارزیابی می‌شود. به عبارت دیگر تداوم روند صعودی بهای ارز در بازار آزاد، سبب شدت گرفتن انتظارات تورمی در بازارهای پیش‌نگر ارز و سکه بورس کالا شده است. از این رو در دو بازار گواهی سپرده سکه و صندوق‌های طلا و بازار قراردادهای آتی بورس کالا، قیمت‌ها با جهت‌گیری مثبت، روند افزایشی به خود گرفته‌اند، به طوری که در جریان معاملات روز گذشته، در لحظه تنظیم این گزارش، هر سه این بازارها نوسان مثبت قیمتی را تجربه کردند. از آنجایی که این سه بازار به‌عنوان ابزاری برای پیش‌بینی قیمت‌ها در آینده به شمار می‌روند، می‌توان فرضیه رشد قیمت‌ها را در صورت ثبات شرایط فعلی و رشد بهای ارز محتمل دانست. بازار گواهی سپرده سکه طلا به‌عنوان مادر ابزارهای طلائی بورس کالا، در عموم روزهای معاملاتی مردادماه بالاتر از نرخ سکه فیزیکی مورد معامله قرار گرفت. اما در جریان معاملات روز گذشته، این فاصله بیشتر شد و به‌طور متوسط به میزان ۲/۱۵ درصد در لحظه تنظیم این گزارش رسید. پنج نماد قابل معامله گواهی سکه، همچون سایر ابزارهای مالی بورس کالا روز گذشته نوسان مثبت قیمتی را تجربه کردند، اما خبری از تشکیل صف برای خرید و فروش این اوراق نبود. به این ترتیب به‌وضوح می‌توان ذهنیت غالب اهالی این بازار را نیز مثبت ارزیابی کرد. اگر بخواهیم این فاصله قیمتی با بازار فیزیکی سکه را بر نرخ ابطال هر واحد صندوق طلا اعمال کنیم، انتظارات تورمی معاملات روز گذشته در محدوده ۲/۵۲ درصد قرار می‌گیرد. در این صورت انتظار صعود بهای ارز در نرخ‌هایی بالاتر از نرخ فعلی محتمل خواهد بود. اما در حال حاضر و براساس انتظارات تورمی به دست آمده از داده‌های حیاتی صندوق‌های طلائی بورس کالا، در کوتاه‌مدت صعود بهای دلار آزاد تا محدوده ۲۷

هزار و ۶۳۰ تومان امکان‌پذیر است. نوسان محدود نرخ ارز در روز گذشته تنها صعودی نبود و در برخی از ساعات روز افت بهای ارز دیده شد، اما تمایل کلی نرخ‌ها در این بازار صعودی به نظر می‌رسد که می‌توان آن را عامل اصلی شکل‌گیری انتظارات تورمی در بازار ابزارهای مالی بورس کالا معرفی کرد.



شهریور بورس حرکت در مسیر صعودی

که تنها یک تلنگر کوچک برای متلاشی شدن آن کافی باشد. این اتفاق نیز به‌وقوع پیوست و در اوج شیدایی یکباره بالن آرزوها سقوط کرد و در این مسیر شاخص کل بیش از ۴۰ درصد نزول کرد و برخی سهام حتی زیان بیش از ۷۰ درصدی به‌سهامداران خود تحمیل کردند. فارغ از دلایل کوچ افسارگسیخته سرمایه‌های سرگردان به‌بازار سهام در ماه‌های نخست سال ۹۹ که به‌وضعیت اقتصاد کشور و تلاش برای در امان ماندن سرمایه‌ها از گزند تورم بازمی‌گشت، وجود دامنه نوسان مهم‌ترین عاملی بود که اثر خود را به‌شکل افزایش هیجان و در نتیجه ابرنوسان قیمت‌ها منعکس کرد. در همان روزهای پراسترس بود که سیاستگذار به‌جای درمان این درد مزمن، تصمیمی گرفت تا شاید بتواند از زیان بیشتر معامله‌گران جلوگیری کند اما با نامتقارن کردن این محدودیت و کاهش سمت منفی آن تنها هدفی که محقق شد، بهبود چهره منفی بازار با کاهش کمتر از واقع شاخص کل بود اما در باطن هر چند در هر روز به‌ظاهر زیان کمتری متوجه سهامداران بود اما با فرسایشی کردن اصلاحی که می‌توانست در یک روز به‌انتها برسد، برای چند ماهی سهامداران را گرفتار صف‌های فروشی کرد که رهایی از آن ممکن نبود. به‌هر روی در نهایت با بازگشت دامنه نوسان به‌محدوده قبلی یعنی مثبت و منفی ۵ شرایط نسبت به‌گذشته کمی بهبود یافت اما سیاستگذار اعتراف کرد برای رسیدن به‌یک

بورس در شهریور ماه نیز به حرکت در مسیر صعودی ادامه داد و حالا شاخص کل، پدافندترین رالی صعودی در یک سال اخیر را رقم زده و بیش از ۴۰ درصد از آخرین کف ثبت‌شده در سومین روز خردادماه فاصله گرفته است. هرچند هنوز سهامداران خاطره تلخ سقوط و تخلیه حساب سال ۹۹ را فراموش نکرده‌اند، اما به‌نظر می‌رسد شاهد بازگشت آرام سرمایه‌های فراری به این بازار هستیم. در این میان برخی از کارشناسان از فتح مجدد قله دومیلیونی پیش از پایان سال ۱۴۰۰ سخن می‌گویند و برخی دیگر موانع و چالش‌هایی بر سر تداوم این مسیر حداقل در کوتاه‌مدت می‌بینند. در این میان بررسی عوامل اثرگذار بر بازار نشان می‌دهد هرچند در حال حاضر قیمت سهامها در بورس تهران از ارزش ذاتی خود منحرف نشده‌اند، اما چالش‌های مهمی بر سر امکان تداوم رشد، پیش روی سهامداران خواهد بود. در چنین شرایطی استراتژی سرمایه‌گذاری فعال و رصد فرصت‌ها بر اساس تحولات بنیادی، رمز موفقیت در ماه‌های باقی‌مانده از سال جاری خواهد بود. شروین شهریاری: در حالی که شاخص بازار سهام از کف روز سوم خردادماه حدود ۴۱/۵ درصد بالا آمده و پدافندترین رالی صعودی یک سال اخیر را به‌نمایش گذاشته است، سهامداران هنوز خاطره سقوط بازار پس از ترکیدن حساب سال گذشته و کاهش بیش از ۴۷ درصدی این متغیر از اوج ۱۹ مردادماه ۹۹ را از یاد نبرده‌اند. اکنون، برخی از کارشناسان از امکان لمس دوباره سقف شاخص دو میلیونی تا پیش از پایان سال سخن می‌گویند و گروه دیگری رشد اخیر را موجب ایجاد تطابق نسبی قیمت با ارزش ذاتی در اکثر سهام ارزیابی کرده و تداوم این مسیر را در کوتاه‌مدت با چالش ارزیابی می‌کنند. برای داوری بین این دو دیدگاه، باید به‌عوامل بنیادی رجوع کرد تا مشخص شود

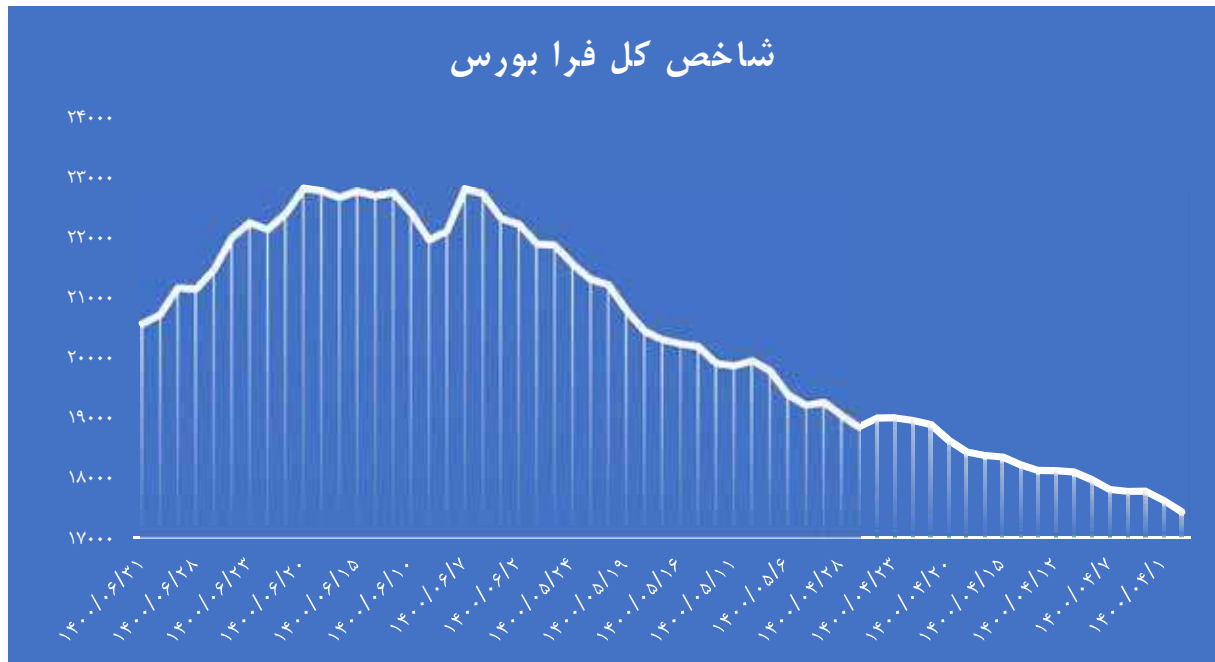
از منظر آنها سناریوهای پیش‌روی بورس تهران چگونه است. بدین منظور عوامل مورد اشاره در چهار دسته بررسی شده است. مدت زمان زیادی از پایان اصلاحی که ۱۰ ماه به‌درازا کشید، نمی‌گذرد اما گویا خاطره تلخ سال ۹۹ خیلی زود از ذهن معامله‌گران پاک شده است. در آن سال شرایط تورمی اقتصاد در کنار محدودیت‌های معاملاتی که شاید به‌جرات بتوان گفت مختص بازار سهام ایران است، سبب شد تا در مدتی کوتاه (کمتر از ۵ ماه) میانگین وزنی قیمت سهام با رشد بیش از ۳۰۰ درصدی همراه شود و حساب قیمتی شکل گرفته در بازار آنچنان بزرگ شود



برجام با کاهش تقاضا مواجه شد. همین امر سبب شده تا در روزهای گذشته شاهد خروج سرمایه‌های حقیقی از تالار شیشه‌ای باشیم. این در حالی است که توافق یاد شده و احیای مجدد آن اگرچه می‌تواند در کوتاه‌مدت به دلیل کاهش نرخ ارز بازار راندگی با التهاب مواجه کند اما در بلندمدت به دلیل کاهش هزینه مبادله و رفع شدن هزینه‌های تحریم و تبادلات مالی، افزایش بازارهای صادراتی و تسهیل شرایط واردات و کاهش قیمت تمام‌شده قطعات و مواد اولیه مورد نیاز تولید می‌تواند بر درآمد دلاری شرکت‌ها بیفزاید، مضاف بر اینکه هموار شدن راه برای ورود تکنولوژی به کشور و پیش‌بردن طرح‌های توسعه‌ای نیز خود عاملی است که در نهایت طی بلندمدت به نفع شرکت‌های بوری خواهد بود. حواشی شکل گرفته در هفته‌های اخیر پیرامون نحوه انتصاب رئیس فعلی سازمان بورس حکایت از آن دارد که در شرایط کنونی کشور و پس از تجربه یک سقوط تلخ در بازار سهام، فضای قانونی حاکم بر عملکرد بازار سرمایه آنچنان مبهم است که هیچ‌کس نتوانسته با اطمینان بر درستی یا نادرستی ادعاهایی از این دست صحنه بگذارد. این در حالی است که بازار سهام در این مدت به جز واژگونی قیمت‌ها مصائب بسیار دیگری را نیز پشت‌سر گذاشته که بسیاری از آنها صرفاً به دلیل ابهام در سازوکار ارائه قوانین و به‌کارگیری آنها در خلال معاملات این بازار بوده‌است. این‌طور که به نظر می‌آید در مواجهه با تند باد حوادث مختلف در اقتصاد ایران، این بخش از اقتصاد کشور اگرچه قانون و قانونگذار بسیار دارد، با این حال خود امر قانون‌گذاری از حدود و ثغور لازم برای حفظ ثبات در بازار و همچنین تقویت و تثبیت شأن مورد نیاز نهاد ناظر در بازار مالی کشور برخوردار نیست.

بازار کاراً لازم است تا هرچه زودتر منگنه دامنه‌نوسان برای همیشه باز شود و در ابتدا در نظر دارد ماهی نیم درصد به این بازه اضافه کند. اکنون دوماه از آخرین اظهار نظر رئیس سازمان بورس در این خصوص می‌گذرد اما خبری از افزایش این محدودیت هیجان‌ساز نیست و به نظر می‌رسد تلاشی نیز برای آماده کردن زیرساخت‌ها برای اجرایی کردن این طرح (آنگونه که متولی سازمان بورس عنوان کرده بود) انجام نشده است. آیا دستیابی به توافق هسته‌ای و احیای برجام به بازار سرمایه لطمه می‌زند؟ این سوالی است که این روزها بسیاری از خود می‌پرسند و به نظر می‌رسد به این اطمینان رسیده‌اند که در صورت حصول چنین توافقی، بازار سرمایه دیگر حالت کنونی را نخواهد داشت. این گزاره به خودی خود درست است اما نه لزوماً به شکل منفی. حقیقت امر این است که با وجود کاهش انتظارات تورمی که در نهایت به افت قیمت ارز می‌انجامد، موهب برداشته شدن تحریم‌ها برای شرکت‌ها تا حدی هست که بتوان به سودآوری بیشتر بنگاه‌های بوری خوش‌بین بود. این خوش‌بینی از آنجا نشأت می‌گیرد که کاهش هزینه تبادلات مالی، افزایش بازارهای صادراتی، تسهیل شرایط ورود و کاهش قیمت تمام‌شده قطعات و مواد اولیه مورد نیاز تولید گشایش‌هایی خواهد بود که با احیای برجام ایجاد می‌شود و می‌تواند بر درآمد شرکت‌ها بیفزاید. مضاف بر اینکه هموار شدن راه برای ورود تکنولوژی به کشور و پیش بردن طرح‌های توسعه‌ای نیز به نفع شرکت‌های بوری و سهامداران خواهد بود. بازار سهام در روزهای گذشته تحت‌تأثیر اخباری همچون احتمال از سرگیری مذاکرات ایران با قدرت‌های طرفین برجام و محتمل‌تر شدن احیای توافق

شاخص کل فرا بورس



نوسانات سکه در تابستان ۱۴۰۰

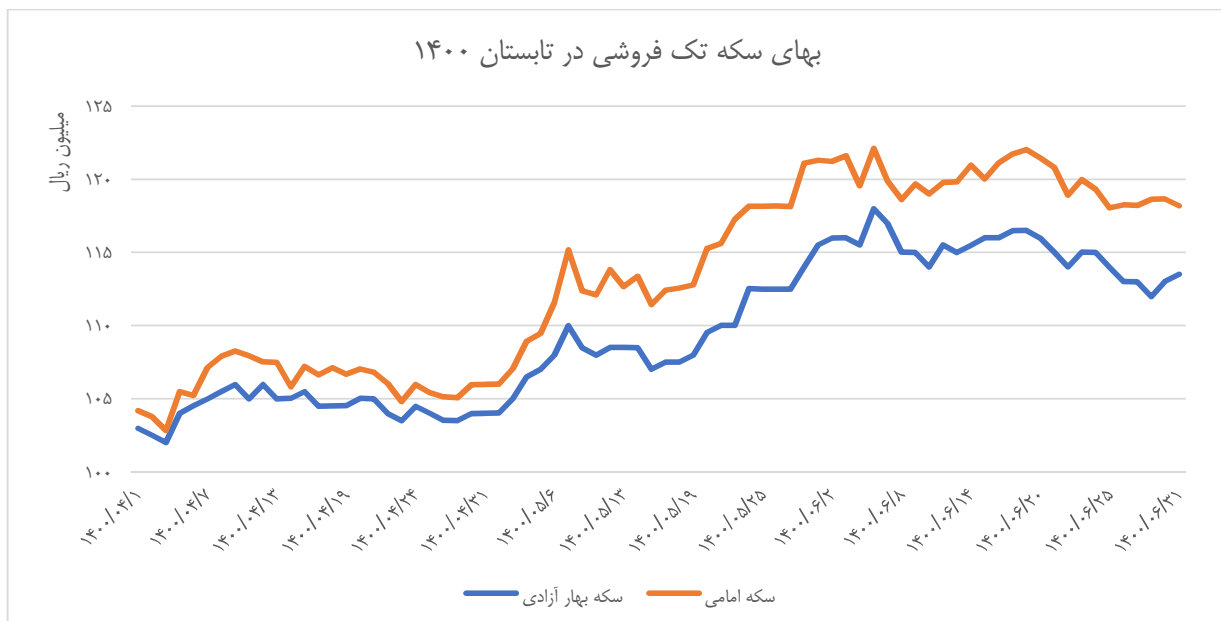
در اولین روز تابستان سکه بهار آزادی در کانال ۱۰ میلیون تومان قرار داشت، اما در آخرین روز کاری اولین هفته از تابستان سکه بهار آزادی به رقم ۱۰ میلیون و ۴۵۲ هزار تومان معامله شد. اما در بازار سکه نوسانات به صورت افزایشی در هفته اول رقم می خورد. تحلیلگران بازار را تحت تاثیر اخبار برجای افزایشی می دانستند. برخی فعالان، وضعیت بازار ارز و سکه در هفته جاری تحت تاثیر مذاکرات احتمالی هسته‌ای قرار خواهد داشت. میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی واقع در وین روز جمعه در توییتی نوشت: «گریزهام به من می گوید که مذاکرات وین بر سر احیای برجام از هفته جاری یعنی حداکثر تا ۴ جولای از سر گرفته خواهند شد و حتی ممکن است زودتر نیز این اتفاق بیفتد. این مساله قطعی نیست، اما احتمال بالایی دارد.» شماری از معامله‌گران اعتقاد دارند، تا زمانی که شانس توافق هسته‌ای وجود دارد، تقاضای معنی‌داری به بازار وارد نخواهد شد. این در حالی است که عده دیگری باور دارند، طولانی شدن فرآیند مذاکرات موجب می‌شود بخشی از تقاضای احتیاطی به دلیل تغییر سمت و سوی انتظارات به تدریج وارد بازار شود. در این میان، افزایشی‌های بازار در انتهای هفته سعی می‌کردند روی خبری مانور دهند که حکایت از آن داشت که آمریکا برای عدم خروج مجدد از برجام حاضر به دادن ضمانت نیست. سکه امامی در هفته دوم تیرماه توانست در صدر جدول بازدهی قرار بگیرد. فلز گرانبه‌ای داخلی که در طول هفته عمدتاً روند صعودی داشت، در آخرین روز هفته، ۸۰ هزار تومان افت قیمت را به ثبت رساند و در محدوده ۱۰ میلیون و ۷۷۰ هزار تومان قرار گرفت. سکه حتی با وجود افت روز آخر هفته، بازدهی ۴/۵ درصدی را تجربه کرد. هیچ‌کدام از دارایی‌های دیگر در هفته گذشته نتوانستند این سطح از بازدهی را به ثبت برسانند. شاخص کل بورس افزایش ۳/۶ درصدی را به ثبت رساند و سهم دلار رشد ۳/۸ درصدی بود. رشد حدوداً ۴ درصدی دلار در هفته گذشته در شرایطی رخ داد که این ارز در روز پنج‌شنبه در مسیر نزولی حرکت کرده و به مرز ۲۵ هزار تومانی نزدیک‌تر شده بود. در آخرین روز هفته، اسکناس آمریکایی ۲۰۰ تومان از ارزش خود را از دست داد و به بهای ۲۵ هزار و ۵۰ تومان رسید. در هفته سوم و چهارم سکه امامی در کانال های ۱۰۷، ۱۰۶ و ۱۰۵ میلیون ریالی در نوسان بود، که این نوسانات به دلیل سطح تقاضای داخلی رقم می خورد، به نوعی می توان گفت که این دو هفته برای طلا یکی از آرامترین هفته های طلا در ماه های اخیر بود. در آخرین روز از تیرماه سکه بهار آزادی به رقم ۱۰۳ میلیون ۹۹۰ هزار ریال، سکه امامی به رقم ۱۰۵ میلیون و ۹۸۰ هزار ریال، نیم سکه به رقم ۵۴ میلیون و ۹۰۰ هزار ریال و ربع سکه به رقم ۳۴ میلیون و ۹۵۰ هزار ریال معامله شد.



در هفته سوم و چهارم سکه امامی در کانال های ۱۰۷، ۱۰۶ و ۱۰۵ میلیون ریالی در نوسان بود، که این نوسانات به دلیل سطح تقاضای داخلی رقم می خورد، به نوعی می توان گفت که این دو هفته برای طلا یکی از آرامترین هفته های طلا در ماه های اخیر بود. در آخرین روز از تیرماه سکه بهار آزادی به رقم ۱۰۳ میلیون ۹۹۰ هزار ریال، سکه امامی به رقم ۱۰۵ میلیون و ۹۸۰ هزار ریال، نیم سکه به رقم ۵۴ میلیون و ۹۰۰ هزار ریال و ربع سکه به رقم ۳۴ میلیون و ۹۵۰ هزار ریال معامله شد. در مرداد ماه نیز شرایط سکه بهار آزادی با یک شیب بسیار کم ولی در کل ماه افزایشی رقم خورد در اولین روز از این ماه سکه بهار آزادی در کانال ۱۰۴ میلیون ریال قرار داشت سکه بهار آزادی نیز مانند سکه امام در کل تیر ماه در سه کانال ۱۰۲، ۱۰۳ و ۱۰۴ میلیون ریال معامله شد. مهمترین افزایش قیمت سکه در مرداد ماه همزمان با گزارش های نرخ بیکاری در آمریکا و افزایش بهای اونس رقم خورد. در نهمین روز از مرداد قیمت سکه بهار آزادی به ۱۰۹ میلیون و ۹۹۰ هزار ریال رسید که این رقم بالاترین رقم از ابتدای تیر ماه بود. هفته دوم مرداد نیز هفته آرامی بود و سکه بهار آزادی توانست خود را در کانال های ۱۰۷، ۱۰۸ و ۱۰۹ میلیون ریال نگه دارد. اما در شروع هفته سوم و با افزایش نسبی سطح تقاضا و افزایش محسوس قیمت اونس در بازارهای جهانی قیمت سکه نیز در ایران دستخوش افزایش بسیار کم شد.



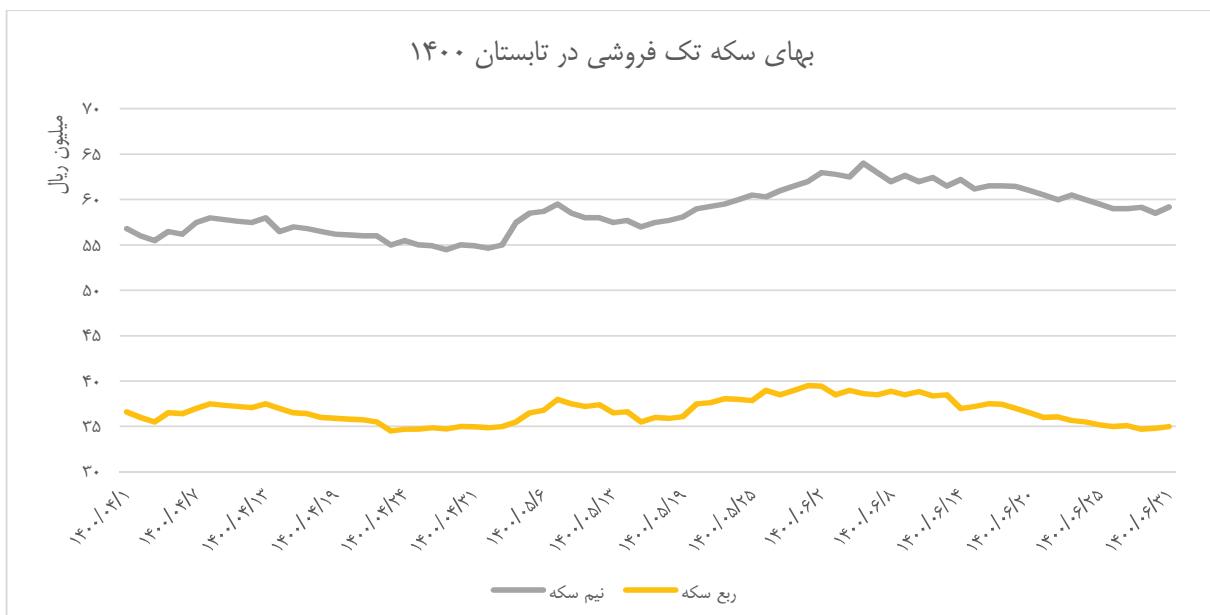
بهای سکه تک فروشی در تابستان ۱۴۰۰



در بیستمین و بیست و یکمین روز از مرداد همزمان با افزایش قیمت دلار در پی گزارش کاهش نرخ بیکاری تا ۵/۴ درصد، سکه افزایش محسوسی را تجربه کرد در این دو روز سکه توانست دو کانال افزایشی را پشت سر هم طی نماید در پایان روز بیست و یکم بهای سکه امامی به ۱۱ میلیون و ۵۶۲ هزار تومان رسید. رشد قیمت سکه نسبت به دلار چندان قابل قیاس نبود، ولی نشان داد که فلز گران‌بهای داخلی بیشتر از نوسانات اونس طلا، جابه‌جایی‌های قیمت دلار را جدی می‌گیرد. کاهش اونس طلا دیروز برای بازار سکه تنها نقش ضربه‌گیری در مسیر افزایش را ایفا کرد و اجازه نداد که فلز گران‌بهای داخلی با همان سرعتی رشد کند که دلار افزایش یافته بود. در واقع رشد ۸ دهم درصدی دلار در بازار سکه زمینه‌ساز افزایشی بیشتر از یک دهم درصد نشد. در آخرین روز مرداد، سکه امامی توانست از مرز حساس ۱۲ میلیون تومانی عبور کند. سکه با قیمت ۱۲ میلیون و ۵۰ هزار تومان معامله شد که نزدیک به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بیشتر از آخرین روز کاری بازار در تیرماه بود. به گفته تحلیل‌گران فنی، در صورتی که سکه بالای مرز ۱۲ میلیون تومانی تثبیت شود، شانس صعود تا محدوده ۱۲ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان را خواهد داشت. البته فلز گران‌بهای داخلی در مردادماه توانست ۱۳/۹ درصد افزایش را تجربه کند و همین موضوع موجب شده است که برخی معامله‌گران انتظار اصلاح قیمت در ابتدای شهریور را داشته باشند. مهم‌ترین عاملی که در نخستین روز کاری بازار، زمینه‌ساز مرز شکنی سکه امامی شد، رشد قیمت دلار بود. اسکناس آمریکایی که پیش از تعطیلات در کانال ۲۶ هزار تومانی قرار داشت، روز یکشنبه تا نقطه ۲۷ هزار و ۴۰۰ تومان رشد کرد. ثبت این قیمت برای دلار به معنای رشد ۱۱/۶ درصدی در مقیاس ماهانه بود. اسکناس آمریکایی در حالی چنین رشدی را تجربه کرد که در تیرماه، تنها ۲/۵ درصد افزایش قیمت را به ثبت رسانده بود.



بهای سکه تک فروشی در تابستان ۱۴۰۰



اندونزی بانک شمس طلا تأسیس کرد

محمد لطفی وزیر تجارت اندونزی از تأسیس بانک شمش طلا در اندونزی خبر داد. این کشور به منظور تقویت تجارت داخلی دست به این اقدام زد. مقامات اندونزی در حال رایزنی با مقامات بانک مرکزی و نمایندگان بخش معدن هستند. لطفی عنوان نمود که صادرات ما به کشورهای ترانزیت انجام می‌شود زیرا آنها از سیستم‌های تجارت طلا چه به شکل بانک شمش یا به شکل بورس، بهتر استفاده می‌کنند، چرا ما به‌عنوان یک کشور تولیدکننده طلا آن را به کشورهای ترانزیت می‌فروشیم؟ اندونزی دهمین تولیدکننده بزرگ طلا در جهان، با معدن گراسبرگ در پاپوآ یکی از بزرگ‌ترین ذخایر جهان را در اختیار دارد. این کشور میان معدن‌داران بزرگ طلا در جنوب‌شرقی آسیا در رتبه اول قرار دارد.



اونس در مقیاس جهانی

به آنچه در کوتاه‌مدت اتفاق می‌افتد توجه خاصی نکنند. دلیل اینکه چرا معامله‌گران و سرمایه‌گذاران باید نسبت به طلا خوش‌بین باشند؟ سرمایه‌گذاران باید نگران زمانی باشند که بانک‌های مرکزی نسبت به طلا بدبین شوند و شروع به خارج کردن ذخایر خود کنند. اما در حال حاضر بانک‌های مرکزی و خریداران بزرگ، هنوز در بازار در حال فعالیت هستند. در سه ماه اول ۲۰۲۱، بانک‌های مرکزی ۹۵/۵ تن طلا خریداری و آن را ذخیره کردند. سال گذشته نیز آنها به‌طور خالص، خریداران طلا بودند. سال ۲۰۲۱ یکی از چالش‌برانگیزترین سال‌ها برای بانک‌های مرکزی از زمان بحران مالی سال ۲۰۰۸ بود. حتی در آن زمان بانک‌های مرکزی طلاهای خود را نفروختند. با بازنگری

در اتفاقات گذشته خواهید دید که بانک‌های مرکزی از سال ۲۰۱۰ خریداران طلا بوده‌اند. تحلیلگران و کارشناسان بازار نیز معتقدند بانک‌های مرکزی خرید طلا را در ماه‌های آینده ادامه می‌دهند. موسسات مالی که وجه نقد دلاری زیادی دارند نیز برای متنوع‌سازی دارایی‌های خود، فلزات گرانبها را خریداری می‌کنند.

اونس طلا اولین روز تیر ماه هزار و ۷۷۸ دلار معامله شد. به طور کلی می‌توان گفت در طول تابستان اونس طلا بین کانال‌های ۱۷۰۰ و ۱۸۰۰ در نوسان بود. اما سوال اصلی این خواهد بود که موضع‌گیری بانک‌های مرکزی نسبت به طلا چه خواهد بود؟ یا آیا آینده‌ای روشن برای طلا خواهد بود. سقوط بازار طلا بعد از دو ماه پروتوق در این بازار، سرمایه‌گذاران بازار جهانی فلز زرد را با نگرانی‌هایی مواجه کرد. عامل اصلی آن نیز برنامه افزایش نرخ بهره ایالات‌متحده و انتظارات افزایش عرضه در بازارهای جهانی بود. اما روند بانک‌های مرکزی در مبادلات طلا نشان می‌دهد بعد از سال ۲۰۰۸ بانک‌های مرکزی علاقه خود را نسبت به فلز زرد حفظ کرده‌اند. در همین راستا پیش‌بینی می‌شود مانند سال گذشته، در سال ۲۰۲۱ نیز بانک‌های مرکزی خریدار خالص طلا باشند. این می‌تواند در تحلیل روند بلندمدت طلا بسیار موثر باشد. در چند هفته گذشته، قیمت طلا دچار افت شده است. فلز زرد بعد از لمس کف قیمتی هزار و ۶۷۰ دلاری در سال جاری میلادی در انتهای ماه مارس، در اوایل ماه می توانست روند صعودی را در پیش بگیرد و نزدیک به هزار و ۹۲۰ دلار معامله شود. در ماه ژوئن اما با مشخص شدن برنامه فدرال‌رزرو مبنی بر کاهش نرخ بهره روند کاهشی خود را شروع کرد و تا سطح حمایتی هزار و ۷۶۰ دلاری نیز رسید. طلا در این بازه زمانی توانست تا هزار و ۷۹۰ دلار نیز بالا برود، فعالان به سرمایه‌گذاران توصیه می‌کردند که باید نگاه بلندمدت داشته باشند و



شورای جهانی طلا (WGC)، به‌طور سالانه از همه بانک‌های مرکزی درباره برنامه آنها برای ذخایر طلا می‌پرسد. اینکه برنامه خرید بیشتر دارند یا فروش ذخایر یا حفظ همین ذخایر. در جدیدترین نظرسنجی شورای جهانی طلا، حدود ۲۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند در ۱۲ ماه آینده طلای بیشتری می‌خرند. بر این اساس، سرمایه‌گذاران همچنان در مورد طلا صعودی هستند و معتقدند بانک‌های مرکزی مقدار بیشتری از آن را خریداری می‌کنند و قیمت‌ها را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهند. برنامه آنها برای ذخایر طلا می‌پرسد. اینکه برنامه خرید بیشتر دارند یا فروش ذخایر یا حفظ همین ذخایر. در جدیدترین نظرسنجی شورای جهانی طلا، حدود ۲۱ درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند در ۱۲ ماه آینده طلای بیشتری می‌خرند. بر این اساس، سرمایه‌گذاران همچنان در مورد طلا صعودی هستند و معتقدند بانک‌های مرکزی مقدار بیشتری از آن را خریداری می‌کنند و قیمت‌ها را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهند.



بهای اونس در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰





به دوران پیش از کرونا بیش از پیش زنده کرد. طلای جهانی با کاهش نرخ دلار و بازده اوراق قرضه در میان انبوه داده‌های نیروی کار ایالات متحده، نگرانی سرمایه‌گذاران در مورد سیاست‌های پولی را کاهش داد و به فلز زرد کمک کرد تا بار دیگر به سطح هزار و ۸۰۰ دلار افزایش یابد. طلای جهانی روز خود را با قیمت هزار و ۷۸۷ دلار در هر اونس آغاز کرد و در ادامه روز توانست تا هزار و ۷۹۴ دلار نیز پیش برود و در تلاش برای ایجاد ثبات پشت کانال هزار و ۸۰۰ دلاری باشد؛ اما این ناحیه به‌عنوان ناحیه مقاومتی شناخته می‌شود. طلای جهانی در اولین هفته از مرداد ماه نوسان چشمگیری نداشت و در این هفت روز همواره در کانال ۱۸۰۰ دلاری حرکت می‌کرد. اونس طلا در چهارمین روز از مرداد در کانال ۱۷۹۷ دلاری قرار گرفت و فردای آن روز یعنی در روز پنجم مرداد دوباره به کانال ۱۸۰۰ دلاری برگشت. این ثبات و عدم کاهش ماندگار قیمت اونس در گرو کاهش شدید ارزش دلار آمریکایی رقم خورد. بعد از جلسه وزارت کار ایالات متحده اعلام شد که نرخ بیکاری در این کشور کاهش پیدا کرده است؛ با این حال، تعداد بیکاران نسبت به انتظارات و پیش‌بینی‌ها بالاتر بود و همین موضوع موجب شد که شاخص دلار تضعیف شود. پیش‌بینی کارشناسان از نرخ بیکاری ۳۸۰ هزار بود، در حالی که نرخ واقعی آن بر اساس گزارش ۴۰۰ هزار نفر اعلام شد.

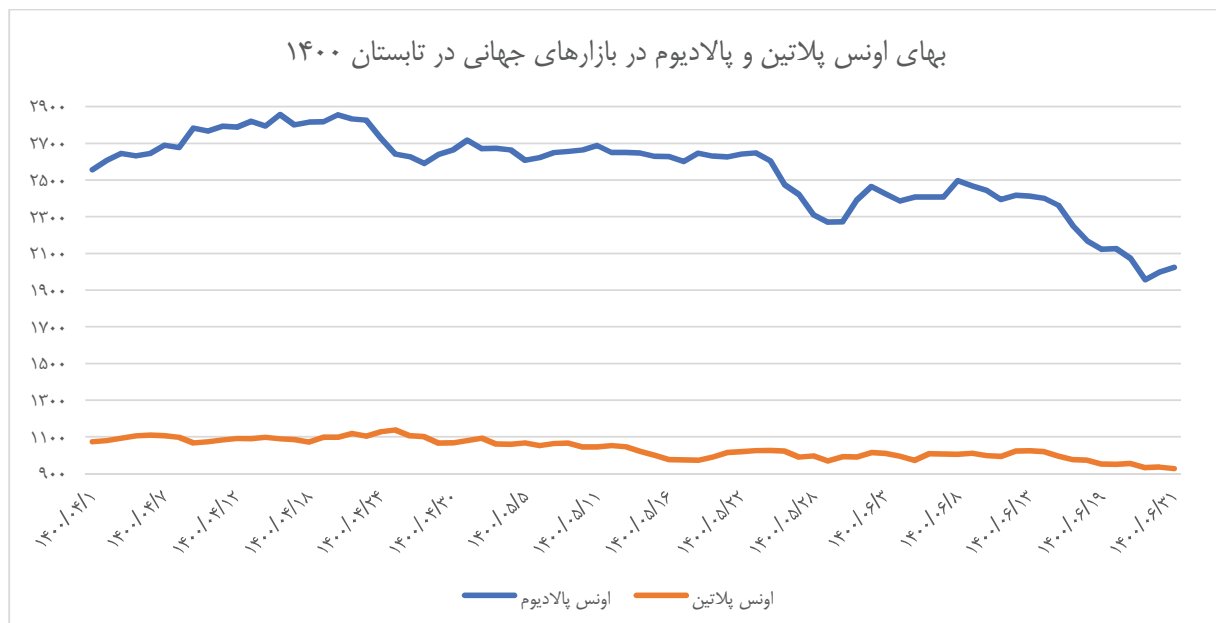
اونس در بازار جهانی، در ماه ژوئن یکی از بدترین ماه‌های خود به پایان برد. افت ۷/۹ درصدی و ۱۵۰ دلاری فلز زرد در ماه ژوئن، بر اثر اعلام سیاست‌های پولی فدرال رزرو رقم خورد. ریزش اونس در این بازه زمانی نیز در اثر افزایش آمار ابتلا به کرونا دلالتاً در اروپا، چشم‌انداز عادی‌شدن اقتصاد را تار کرد. همین موجب شد طلا تا مرز هزار و ۷۵۳ دلار نیز کاهش یابد. این ریزش موجب شد فلز زرد بزرگ‌ترین افت خود را در چهار سال گذشته تجربه کند. بر این اساس فلز زرد در کف ۷۰ روزه قرار گرفت. افتی که در صورت ادامه روند نزولی می‌تواند به بدترین نزول قیمتی از نوامبر ۲۰۱۶ تبدیل شود. طلای جهانی با رسیدن اخبار شیوع ویروس کرونا دلالتاً، به قیمت اواسط ماه آوریل رسید. همچنین سرمایه‌گذاران برای مشخص‌شدن اطلاعات حقوق و دستمزد و آمار اشتغال ایالات متحده برای دریافت سیگنال‌های سیاست پولی منتظر اخبار فدرال رزرو هستند. اما در پی انتشار افزایش اشتغال در آمریکا طلای جهانی با رسیدن این اخبار امیدوارکننده دوباره صعودی شد. فلز زرد با آغاز هفته کاری توانست روند صعودی خود طی دو روز اخیر کاری را حفظ کند. گزارش نیروی کار شاغل و نرخ بیکاری در ایالات متحده که نشان از کاهش نرخ بیکاری به زیر ۱۰ درصد از ماه مارس ۲۰۲۰ دارد امیدها را برای بازگشت اقتصاد

با اعلام این گزارش شاخص دلار روند نزولی خود را آغاز کرد و از مرز ۹۳ واحد فاصله گرفت و با افتی ۰/۸ درصدی به ۹۱/۷ واحد رسید. با ادامه تضعیف دلار در روز جمعه، طلا دو محدوده دیگر رشد کرد. جولای بعد از افت شدید طلا، ماه طلایی طلا بود. فدرال رزرو نرخ بهره را افزایش و برنامه کاهش سرعت خرید دارایی‌ها را در دستور کار قرار داد. از این رو طلا در ماه ژوئن افتی شدید را تجربه کرد. اما آغاز جولای، با روند صعودی طلا همراه شد. به طوری که تا انتهای این ماه توانست تقریباً ۷۰ دلار از افت قیمتی خود را جبران کند. اکنون بعد از تعدیل احساسات نزولی برای فلز زرد، تحلیل‌گران نیز روند صعودی را برای طلا پیش‌بینی می‌کنند. طلای جهانی بعد از ریزش شدید ۱۵۰ دلاری در اوایل ماه ژوئن، با وجود ثبت ضرر توانست رشدی هفتگی و ماهانه را برای خود به ثبت برساند. بیشتر رشد این فلز گرانبها نیز در هفته آخر این ماه رقم خورد. با رسیدن اخباری مبنی بر عدم افزایش زودتر از موعد نرخ بهره در ایالات متحده و همچنین بالاتر بودن رقم حقیقی بیکاری ماه ژوئن و جولای نسبت به پیش‌بینی‌ها موجب کاهش ارزش دلار آمریکا و افزایش ارزش طلا شد تا جایی که طلا برای دومین بار در این ماه، قیمت هزار و ۸۳۰ دلار را لمس کرد. اما نهایتاً طلا در این هفته با رشدی ۱۲ دلاری و ۰/۶۷ درصدی جولای را در قیمت هزار و ۸۱۴ دلار به پایان برد. روند طلا در ماه جولای به طور کلی نسبت به ژوئن متفاوت آغاز شد. بعد از مهاجرت طلا از کانال هزار و ۹۰۰ به قیمت هزار و ۷۵۰ دلار، به مدت حدوداً ۵۰ روز نوساناتی محدود را تجربه کرد اما به هر حال با شتاب کمی صعودی بود. با آغاز جولای شتاب رشد قیمت طلا افزایش یافت و فلز گرانبها توانست رشدی ۳ درصدی و ۵۲ دلاری را محقق کند. دست آخر در پایان مرداد ماه حاصل اخبار و اتفاقات مختلف در جهان برای طلا، توقف صعود طلا و ثبات در انتهای هفته بود. با افزایش موارد ابتلا به کرونا در جهان و همچنین بازگشت طالبان به افغانستان، شرایط نااطمینانی موجب شد طلا بتواند بعد از ریزش ۹ جولای تا حدی ریکاوری کند و تا هزار و ۷۹۵ دلار نیز پیشروی کند. اما انتشار صورت‌جلسه نشست ماه جولای فدرال رزرو در روز چهارشنبه و افزایش احتمال توقف خرید دارایی‌ها توسط دولت، باعث شد خریداران طلای جهانی کمی عقب‌نشینی کنند و طلای جهانی آخر هفته خود را در کانال هزار و ۷۸۰ دلاری به اتمام برساند.





در ابتدای شهریور اونس جهانی در سایه نیروهای مختلف، صعودی شد. فلز زرد که بعد از گزارش اشتغال ایالات متحده در ماه جولای ریزشی ۱۰۰ دلاری را تجربه کرد، توانست طی دو روز در ابتدای شهریور رشدی ۲۵ دلاری، ۱/۴ درصد سود را برای سرمایه‌گذاران رقم بزند. این رشد در افت شاخص دلار آمریکایی طی روزهای گذشته و رسیدن به ۹۳ واحد رخ داد. داده‌های ضعیف منتشرشده از شاخص مدیران خرید که می‌تواند نشانی از رونق بازار باشد و همچنین افزایش موارد ابتلا به کرونا در سرتاسر جهان، نشان از کاهش سرعت بهبودی اقتصادی در ایالات متحده دارد که موجب شد موج صعودی طلا بلندتر شود. از این رو اونس جهانی دوباره به کانال هزار و ۸۰۰ دلاری بازگشت. ترکیبی جهانی از نیروها و داده‌های مختلف موجب شد تا طلا از سطح روان‌شناختی هزار و ۸۰۰ دلار در هر اونس عبور کند که آخرین بار در ابتدای آگوست در این کانال حضور داشت. فلز زرد که هفته خود را با قیمت هزار و ۷۸۱ دلار آغاز کرد در روز دوشنبه توانست طی رشدی دومرحله‌ای، خود را کمی بالاتر از مرز کانال هزار و ۸۰۰ دلار قرار دهد تا بعد از ریزشی که در ابتدای ماه آگوست در پی داده‌های قوی اشتغال در ایالات متحده رخ داد، طلا دوباره برای سرمایه‌گذاران جذاب شود. نااطمینانی‌های فعالان بازار طلا درباره آینده اقتصاد آمریکا، موجب افت ۴۰ دلاری فلز زرد شد. بعد از گزارش تورمی آمریکا که طلا نتوانست رشد چندانی در پی آن داشته باشد، اونس جهانی در پایان شهریور ماه در مدار نزولی به قیمت ۱۷۴۷ دلار رسید.

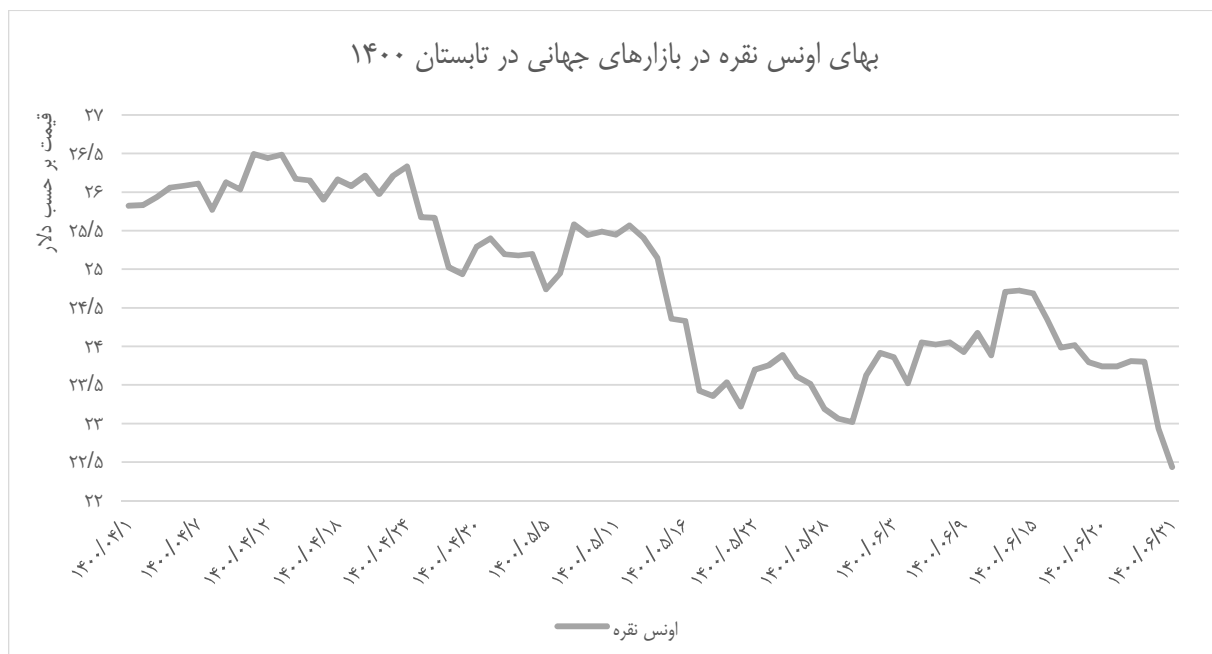


گواهی سپرده سکه طلا



تعدیل انتظارات تورمی در رفتار معامله‌گران گواهی سپرده سکه طلا در بازار مالی بورس کالا ظرف ساعات ابتدایی بازگشایی بازارها در روز ابتدایی هفته جاری کاملاً نمایان بود، به گونه‌ای که معامله‌گران این بازار روز گذشته برخلاف رویه هفته‌های قبل، دادوستد گواهی سکه را با نرخ کمی کمتر از ارزش بنیادی آن انجام دادند. معامله گواهی سکه با نرخ کمی کمتر از ارزش بنیادی، در شرایطی که طلا در بازارهای جهانی در مدار رشد قیمتی نوسان دارد، می‌تواند بیانگر انتظار اهالی این بازار از کاهش بیشتر نرخ ارز در بازار داخلی باشد. گواهی سکه طلا در هفته همسو با نوسان قیمتی سکه در بازار فیزیکی در مسیر کاهش نرخ نوسان داشت. البته با وجود روند قیمتی کاهشی به وجود آمده در این بازار، در اغلب روزهای هفته قبل معامله‌گران بازار مالی بورس کالا حاضر به خرید گواهی سکه با نرخ کمی بالاتر از ارزش بنیادی آن شدند که این موضوع به مفهوم انتظار فعالان این بازار از بازگشت قیمت‌ها به مدار صعودی بود؛ اگرچه کم و بیش متفاوت بود.

بهای اونس نقره در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



قیمت‌های فعلی را بالا ارزیابی کرده و پتانسیل افت نرخ را جدی می‌پندارند؛ آن‌هم در شرایطی که این دو بازار با محدودیت نوسان نرخ به دادوستد می‌پردازند، بنابراین این احتمال وجود دارد که در صورت تداوم افت بهای آزاد ارز در بازار، کاهش قیمت‌ها در این دو بازار نیز ادامه یابد. همچنین در این بازه زمانی یعنی نیمه شهریور ماه شاهد نوسان منفی قیمت برای دادوستد واحدهای ۵ صندوق طلای فعال در بورس کالا بودیم، تا جایی که در برخی از نمادها، قیمت پایانی این اوراق در نرخی کمتر از قیمت ابطال آنها مورد معامله قرار گرفت. روند تغییرات قیمتی در این بازار از جریان رفت و برگشتی نرخ حکایت دارد که با تکان‌های قیمتی در بازار آزاد ارز همگرا می‌شود.

سکه و بهای سکه فیزیکی برابر بوده و حتی گواهی سکه به دلیل شرایط و قوانین حاکم بر روند معامله ارزان‌تر نیز هست، ارزان‌تر شدن گواهی سکه نسبت به قیمت آن در بازار آزاد، از ذهنیت کاهشی میان معامله‌گران بازار مالی بورس کالا حکایت دارد. در بورس کالا نیز نرخ اوراق طلائی با تضعیف بهای ارز در هفته جاری به قیمت‌های بنیادین خود نزدیک شد. معامله‌گران این بازارها با تخلیه حساب قیمتی در معاملات سعی کردند نرخ خرید و فروش این اوراق را در سطوح قیمتی ابطال آنها حفظ کنند تا از هرگونه نوسان شدید قیمتی در روزهای آینده مصون بمانند. در حالی که بهای دلار در بازار آزاد میل به عقب‌نشینی قیمتی پیدا کرده است، معامله‌گران در بازار گواهی سپرده سکه طلا و صندوق‌های طلائی بورس کالا

اما در ساعات ابتدایی بازگشایی بازارها در هفته جاری، یعنی شنبه سیزدهم شهریور و در زمان تنظیم این گزارش، روند انتظارات میان معامله‌گران بازار مالی بورس کالا تعدیل شد، به‌گونه‌ای که در زمان تنظیم این گزارش، هر گواهی سپرده سکه در بازار مالی بورس کالا با نرخی حدود ۰/۱۵ درصد کمتر از ارزش بنیادی آن مورد دادوستد قرار گرفت. به شکل بنیادی ارزش هر واحد گواهی سکه طلا برابر ۰/۰۱ نرخ معامله (میانگین قیمت خرید و فروش روز) سکه در بازار فیزیکی است، اما بازار گواهی سپرده سکه طلا تابعی از عرضه و تقاضا بوده و از همین‌رو ذهنیت خریداران و فروشندگان می‌تواند قیمت‌ها را در این بازار، در نرخی بالاتر یا پایین‌تر از ارزش بنیادی آن قرار دهد. بنابراین در حالی که ارزش بنیادی گواهی



پیش‌بینی تحلیل‌گران از روند آتی طلا

تحلیل‌گران نشان می‌دهند که طلا در حال بازگشت به مسیر صعود است و آنها علت آن را در بانک‌های مرکزی جست‌وجو می‌کنند. آدریان دی، موسس شرکت مدیریت مالی آدریان‌دی در همین مورد گفت: «شواهد فزاینده‌ای در میان سرمایه‌گذاران وجود دارد و متوجه شده‌اند که بانک‌های مرکزی بزرگ جهان از جمله فدرال رزرو به هیچ‌عنوان عجله‌ای برای تغییر برنامه‌های خود نخواهند داشت. فدرال رزرو با وجود صحبت درباره کاهش خرید دارایی‌ها، در حال افزایش ترازنامه خود است و این برای طلا بسیار صعودی است.» تحلیل‌گران فنی نیز در صورت ادامه این روند صعودی برای طلا در هفته آینده و شکستن مقاومت هزار و ۸۳۸ دلار در هر اونس، سطح مقاومتی پیش‌روی آن، هزار و ۸۵۰ دلار خواهد بود. در صورتی که فلز زرد بتواند قیمت روزانه خود را در بالای این قیمت ثبت کند، معامله‌گران می‌توانند به قیمت‌های هزار و ۸۷۰ دلاری نیز امیدوار باشند. نظرات تحلیل‌گران نیز برای روند بلندمدتی طلا، بازگشت به هزار و ۹۰۰ دلار را نشان می‌دهد. به گفته یکی از تحلیل‌گران این حوزه، طلا توانسته بر احساسات شدید نزولی در بازار غلبه کند و اکنون به سطوح حساس قیمتی خود رسیده و آماده از سرگیری روند صعودی بلندمدت خود است.

در حالی که قیمت طلا نزدیک به بالاترین سطح شش هفته‌ای خود قرار گرفت، در آخرین نظرسنجی هفته‌ای سایت تحلیلی کیتکو، اکثراً هفته آینده را برای طلا صعودی پیش‌بینی کردند. این در حالی است که تحلیل‌گران وال‌استریت و کلان‌بازار جهانی طلا در نظرسنجی هفته گذشته، روند آن را نزولی پیش‌بینی کردند. در نظر سنجی این هفته ۷۹ درصد از ۱۴ تحلیل‌گر وال‌استریت در این نظرسنجی به صعود طلا در هفته آتی امیدوار بودند و در میان تحلیل‌گران شخصی از میان ۸۶۲ نفر شرکت‌کننده، ۷۰ درصد مسیر طلا را صعودی دیدند. نظرات



بازار فلزات در تابستان ۱۴۰۰

می‌کشد. حال در شرایطی که بهای آزاد ارز در فصل بهار ۳/۳ درصد کاهش داشته و قیمت‌های جهانی هم وارد یک فاز نزولی شده است، رفتار معامله‌گران در بازار از یک تغییر عمده حکایت داشته که تغییر انتظارات به سمت افت قیمت‌هاست. این در حالی است که رشد سالانه بهای میلگرد در دی‌ماه ۹۹ نزدیک به ۱۴۰ درصد بوده که در پایان خرداد به ۱۱۰ درصد کاهش یافته است. اما این افت نرخ انتظاری از دو اهرم مهم برخوردار است؛ یکی اثرپذیری از کاهش قیمت‌های جهانی و دیگری نبود انتظارات گسترده افزایشی. این در حالی است که کاهش نرخ در بازار فولاد با محوریت شمش یا میلگرد در همین بازار محدود نشده و به بازارهای مشابه دیگری همچون ورق‌های فولادی یا سایر مصنوعات ساختمانی سرایت می‌کند که اثر پروانه‌ای آن به سایر صنایع نیز گسترش خواهد یافت. ظرف یک ماه گذشته فولادسازان کشور با چالش تامین پایدار برق روبه‌رو بوده‌اند و همین موضوع نیز به شدت تولید این واحدها را تحت‌الشعاع قرار داده است. با توجه به تعطیلی یا افت قابل ملاحظه تولید میان فولادسازان کشور ظرف این مدت، اغلب این تولیدکنندگان اقدام به فروش محصول موجود در انبار خود کرده‌اند و طبیعتاً در حال حاضر میزان موجودی این واحدها رو به اتمام است.

در ابتدای تیر ماه رشد قیمت‌ها در بازار فولاد کمی افت کرد، بررسی قیمت‌ها در بازار جهانی نشان می‌دهد که انتظارات در این بازار نه‌تنها از رشد قیمت‌ها حمایت نمی‌کند، بلکه میل به افت نرخ را نشان می‌دهد. افت انتظارات تورمی در بازار فولاد به این بازار خاص محدود نشده و می‌تواند به ذه‌نیت کاهش تقاضا و افت قیمت‌ها در بازارهای دیگری همچون مصالح ساختمانی، املاک و خودروسازی منجر شود. پس از مدت‌ها رشد نرخ در بازار فولاد، احتمال تغییر فاز در این بازار ایجاد شده که بیشتر از مسیر تغییر انتظارات و کاهش قیمت‌های جهانی رخ داده است. اثر این تغییر می‌تواند به سایر بازارها و صنایع از املاک تا خودروسازی و مواد غذایی نیز سرایت کند. از اواخر خردادماه سال گذشته تاکنون بهای مصنوعات فولادی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته در شرایطی که بهای ارز رشدی نزدیک به ۳۰ درصدی داشته است. این مطلب نشانه‌ای از رشد قیمت‌های جهانی است که اثر دوگانه افزایش این نرخ در کنار رشد بهای آزاد و نیمایی ارز را به رخ

فولاد

جهانی به رکورد تاریخی قیمتی خود رسید. بسیاری از تحلیلگران تعدیل قیمتی در این بازار را پیش‌بینی می‌کردند، اما سقوط قیمتی ایجادشده در این بازار ظرف یک ماه اخیر دور از انتظار بود. بهای سنگ‌آهن در معاملات روز پنج‌شنبه (نوزدهم آگوست)، به کف قیمتی خود ظرف هشت ماه اخیر رسید. هر تن سنگ‌آهن، ۶۲ درصد صادراتی استرالیا تحویل بندر چین با نرخ ۱۲۹ دلار به ازای هر تن روزهای پنج‌شنبه و جمعه (نوزدهم و بیستم آگوست) به فروش رفت. این کاهش قیمتی شامل حال سایر محموله‌های سنگ‌آهن نقاط مختلف دنیا نیز می‌شد. در مجموع می‌توان گفت که قیمت سنگ‌آهن نسبت به روزهای گذشته از نرخ آن در زمان رکوردشکنی قیمتی، افت ۴۰ درصدی داشته است.

بنابراین استمرار قطعی و نوسان برق این واحدها می‌تواند بازار فولاد کشور را در هفته‌های آینده با شوک‌های بیشتری روبه‌رو کند. با این وجود روی کار آمدن دولت جدید حتی ذهنیت احتمال اعمال سیاست‌های سختگیرانه به‌منظور کنترل قیمت‌ها سرعت‌گیری قوی است که در کوتاه‌مدت از رشد قیمت فولاد به‌علت کمبود عرضه جلوگیری می‌کند. افزایش قابل ملاحظه بهای شمش و محصولات فولادی اولین واکنش بازار به خبر قطعی برق فولادسازان در اواسط تیر ماه امسال بود. البته همزمان با انتشار این خبر بورس کالای ایران عرضه شمش فولاد را در این بازار متوقف کرد تا متقاضیان این محصول در واکنش به این خبر خریدهای هیجانی نداشته باشند. عموماً انتشار اخباری همچون توقف تولید از دو منظر می‌تواند بر بازار اثرگذار شود؛ منظر روانی و منظر عملکردی. به این

ترتیب بورس کالا برای جلوگیری از اثرگذاری روانی این خبر بر بازار شمش و محصولات فولادی از هفته سوم تیر ماه تا هفته منتهی به ۸ مرداد عرضه شمش فولاد را در این بازار متوقف کرد. البته بازار آزاد مقاطع طویل فولادی به خبر تعطیلی واحدهای فولادی واکنش نشان دادند و شاهد ورود نرخ میلگرد به کانال ۱۷ هزار تومانی بودیم که رقمی قابل توجه برای این محصول به شمار می‌رود.

تضعیف تقاضا برای فولاد در کشور چین ظرف نیمه‌دوم سال جاری میلادی، جدی‌شدن اخذ سیاست انقباض پولی از سوی فدرال رزرو که به تعدیل تورم جهانی می‌انجامد

و شیوع سویه جدید کرونا در کشورهای آسیای شرقی به سقوط قیمتی سنگ‌آهن در بازارهای جهانی ظرف هفته‌های اخیر منجر شد. این سقوط قیمتی در حالی در این بازار رقم خورد که امسال بهای سنگ‌آهن در بازارهای



آلومینیوم

زمینه ثبت رکورد جدید قیمتی برای این فلز را فراهم کند. در میانه مرداد ماه از تب معاملات آلومینیوم در بازارهای جهانی کاسته شده، اما همچنان بسیاری از تحلیلگران، آینده روشن و صعود مجدد بهای این فلز را در میان مدت و بلندمدت محتمل می‌دانند. استمرار سیاست‌های انبساطی از سوی اقتصادهای بزرگ دنیا همچون ایالات متحده و چین، در عین محدودیت عرضه این فلز، فاکتورهایی هستند که از رشد قیمتی این محصول حمایت می‌کنند. در این شرایط شیوع سویه کرونای دلتا سیگنال مهمی است که می‌تواند مانع مهم و جدی در مقابل این رشد قیمتی باشد. مدیرعامل شرکت آلومینای ایران تورج زارع با اشاره به اینکه طبق برنامه ۱۴۰۴، تولید ۱/۵ میلیون تن آلومینیوم هدف‌گذاری شده و در نتیجه نیاز به ذخایر بیشتر بوکسیت و در نتیجه آن، افزایش ظرفیت تولید آلومینا است، تشریح کرد: براین اساس، شرکت آلومینای ایران طرح اکتشاف سراسری بوکسیت و توسعه پهنه‌های اکتشافی را از سال ۹۷ عملیاتی کرد. وی ادامه داد: عملیات پی‌جویی این طرح در سال ۹۷، شصت و هفت هزار کیلومتر مربع، در سال ۹۸ بیست هزار کیلومتر مربع و در سال ۹۹ هم ۲۰ هزار کیلومتر مربع دیگر انجام شده است. با بررسی و تجمیع مطالعات اکتشافی ادوار مختلف، مشخص شد که بوکسیت در گستره ۲۹ استان توزیع شده است؛ با در نظر گرفتن گستره جغرافیای بوکسیت، ۲۰ هزار کیلومتر مربع عملیات پتانسیل‌یابی و پی‌جویی برای سال ۱۴۰۰ هدف‌گذاری شده است. این شرکت اکنون بهره‌بردار ۱۱ ذخیره بوکسیت در پنج استان کشور در ۳۱ بلوکه معدنی است که حاصل آن، دستیابی به ۳۸ میلیون تن ذخیره بوکسیت دیاسپوری و ۴۴ میلیون تن بوکسیت شیلی است. مدیرعامل شرکت آلومینای ایران با اشاره به افزایش قطعی ذخایر بوکسیت این مجموعه گفت: با فعالیت‌های انجام شده از ابتدای سال ۹۵ تا ۹۹ (دوره پنج ساله) در مقایسه با سال‌های ۶۲ لغایت ۹۴ (دوره ۳۲ ساله)، ذخایر قطعی بوکسیت ۱۷۹ درصد و ذخایر قابل استخراج بوکسیت ۶۷۸ درصد افزایش یافت.

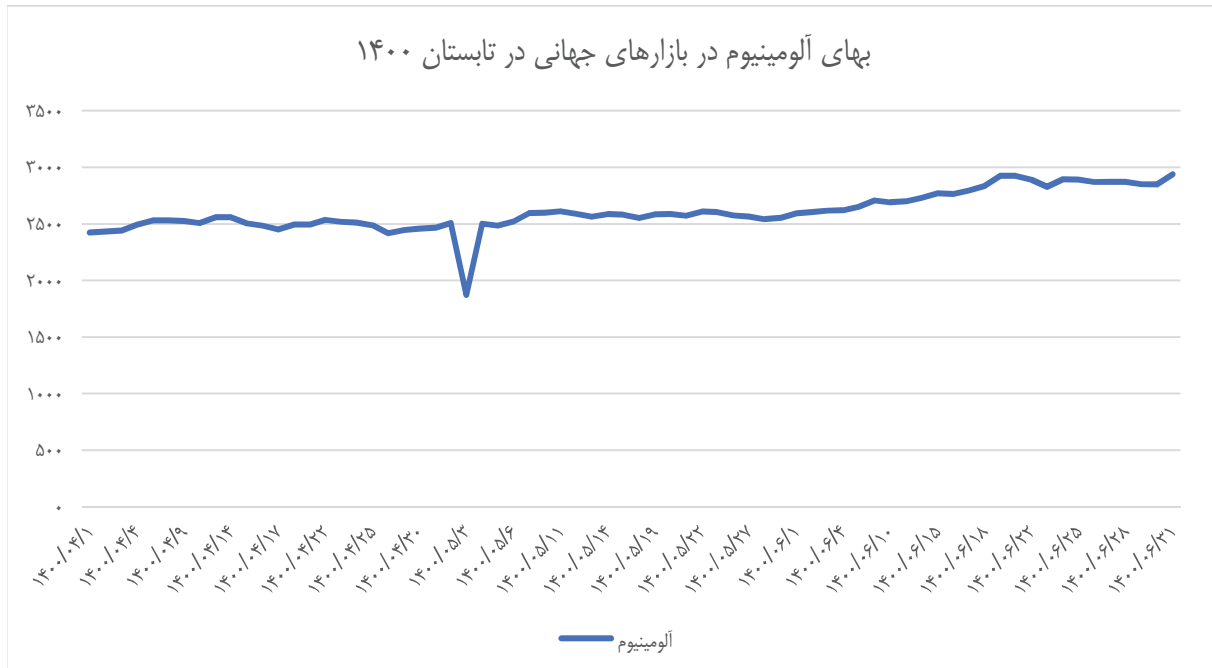
بازده آلومینیوم در ابتدای تیر ماه حدود منفی ۲/۴ درصدی را نصیب سرمایه‌گذاران خود کرد. این کاهش قیمت هفتگی در حالی در این بازار رقم خورد که بسیاری از سیگنال‌ها شامل روند عرضه و تقاضا و تورم جهانی حامی رشد قیمت بودند، اما سیگنال‌های منفی، قوی‌تر از سیگنال‌های مثبت عمل کردند. هرچند با توجه به تصمیم روسیه مبنی بر وضع عوارض ۱۵ درصدی بر صادرات آلومینیوم این کشور احتمال بازگشت قوی قیمت‌ها در این بازار وجود دارد. آلومینیوم در بورس فلزات لندن برای ساعاتی در روزهای ابتدایی ماه جولای با قیمت ۲۵۶۰ دلار به ازای هر تن مورد دادوستد قرار گرفت که این نرخ بیشترین بهای معامله این محصول پس از سال ۲۰۱۱ بود. همچنین قیمت نهایی معامله این فلز در این بازار برای روز دوم جولای به ۲ هزار و ۵۴۰ دلار به ازای هر تن رسید که این رقم بیشترین نرخ فروش آلومینیوم پس از ماه مه امسال بود. کنترل نسبی کرونا در بخش قابل توجهی از بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا با انجام واکسیناسیون به افزایش تقاضا برای خودرو و از سرگیری فعالیت‌های ساخت‌وساز و صنایع بسته‌بندی منجر شد که این موضوع نیز از رشد بهای این فلز حمایت کرد. روسیه نیز به‌عنوان کشوری که ۶ درصد عرضه جهانی آلومینیوم را در اختیار دارد، تصمیم به وضع مالیات ۱۵ درصدی روی صادرات این محصول از ماه از آگوست تا دسامبر امسال گرفت. تحقق این موضوع می‌تواند سیگنالی مثبت برای بازارهای جهانی باشد. کشورهای اروپایی مقصد آلومینیوم صادراتی روسیه هستند. این افزایش مالیات به رشد هزینه بسته‌بندی منجر شده که به شکل مستقیم بر تورم انواع کالاهای مصرفی که شامل بسته‌بندی آلومینیومی هستند اثرگذار است و به این ترتیب به رشد هزینه مصرف‌کنندگان منجر می‌شود. به گزارش رویترز؛ خورخه وازکز، بنیان‌گذار موسسه هاربر آلومینیوم یکی از تحلیلگرانی است که معتقد است با توجه پتانسیل فعلی این بازار، وضع این مالیات می‌تواند قیمت آلومینیوم در بورس فلزات لندن را در کانال ۲۶۰۰ دلار به ازای هر تن تثبیت کرده و حتی





وی افزود: با افزایش ذخیره ماده معدنی بوکسیت، مدت زمان فعالیت برای بهره‌برداری از معدن به ۳۰ سال افزایش یافت. با ورود به سال جدید کمبود برق صنایع مادر را به طور جدی تحت تاثیر قرار داد به طوری که صنایعی همچون فولاد و سیمان با قطعی‌های مداوم مواجه شدند و جهش قیمت در بازار حاکم شد. در این بین به دلیل نوع عملکرد و کوره‌های مصرفی توانست از این موضوع جان سالم به در برد و همچون گذشته و با به‌کارگیری برنامه‌های خاصی چرخه تولید را در حالت پویا نگه دارند. در همین راستا دبیر کل سندیکای آلومینیوم با بیان اینکه از اواخر بهار شاهد قطعی‌های مکرر برق خانگی و صنعتی شدیم گفت: بر این اساس وزارت نیرو تصمیم گرفت برای کنترل مصرف برق اولویت خاموشی‌های مکرر را به صنایع اختصاص دهد و آنها را از داشتن برق محروم کردند. چنان که در زمستان نیز این اتفاق منجر به قطعی گاز بخش‌های صنعتی شد. آریا صادق نیت‌حقیقی افزود: اگرچه امسال مزین به شعار «پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» است، اما در واقعیت و در عمل این‌گونه نیست و کمترین حمایت از صنعت می‌شود و به نظر می‌رسد دیواری کوتاه‌تر از صنایع وجود ندارد. در این بین به صورت مستقیم با وزیر نیرو وارد مذاکره شد و مشکلات صنعت را مطرح کرد.

بهای آلومینیوم در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



مس

اقتصادی چین از رشد قیمتی کامودیتی‌ها در کوتاه و میان‌مدت حمایت می‌کند اما همچنان دولت این کشور بر سیاست کنترل قیمت در این کشور تاکید دارد، هرچند که توضیحی درخصوص چگونگی این کنترل نرخ نمی‌دهد. مس در بورس فلزات

لندن ظرف یک هفته اخیر روزهای پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت، ظرف دو روز ابتدایی هفته قبل این فلز در مسیر کاهش قیمت نوسان می‌کرد اما از اواسط هفته روند نوسان قیمتی آن تغییر کرد و در نهایت بهای هر تن کاتد مس در این بازار به ۹ هزار و ۳۹۶ دلار به ازای هر تن رسید. این رشد نرخ در حالی در این بازار رقم خورد که ظرف روزهای پایانی این هفته (منتهی به ۱۶ جولای) شاخص دلار آمریکا در مسیر رشد قرار گرفته بود و این موضوع سیگنال منفی برای بازارهای کالایی دنیا به شمار می‌رفت. با این وجود سیگنال‌های مثبت اثرگذار بر این بازار که اغلب نیز از چین مخابره می‌شد قوی‌تر از این سیگنال منفی جهانی عمل کرد و رشد بهای این فلز را رقم زد. البته باید بر این موضوع نیز تاکید کرد که مس همچنان در ابتدای رالی صعود خود بوده و باید دید برآیند سیگنال‌های اثرگذار، این فلز را به کدام سمت و سو سوق می‌دهد. شناخته‌شده‌ترین شرکت‌ها در حوزه تولید مس عبارتند از: شرکت ملی صنایع مس ایران، شرکت مس شهید باهنر و سرمایه‌گذاری مس سرچشمه. همان‌طور که از اسم شرکت سرمایه‌گذاری مس سرچشمه مشخص است، فعالیت این شرکت در زمینه سرمایه‌گذاری در صنعت مس است. شرکت ملی مس ایران که با نماد «فملی» در بازار سرمایه

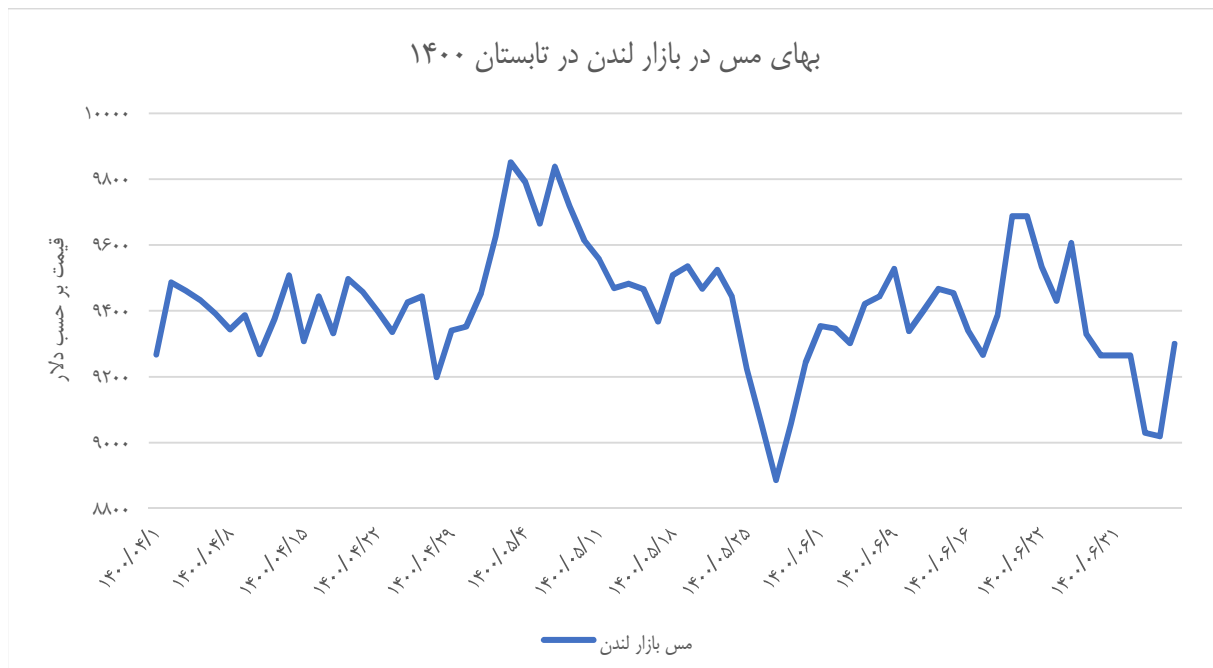
مس پس از آهن و آلومینیوم سومین فلز صنعتی پرمصرف جهان است و حدود سه‌چهارم مصرف این فلز برای ساخت سیم‌های برقی، کابل‌های ارتباطی و الکترونیک است. صنعت برق یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان فلز مس است؛ زیرا بهترین فلز ارزان برای انتقال جریان برق است. علاوه بر این، قدرت انعطاف‌پذیری مس آن را به بهترین و ایمن‌ترین انتقال‌دهنده برای ساخت سیم تبدیل کرده است. مس همچنین در کابل‌های

برق، به‌صورت عایق‌بندی‌شده یا نشده برای کاربردهای ولتاژ پایین، متوسط یا بالا مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فلز بخش اصلی موتورها و تبدیل‌کننده‌ها است. همچنین مس در فیبر نوری در خطوط اصلی ارتباطات نیز کاربرد دارد. خاصیت ضد میکروبی مس آن را به فلز محبوب در زمینه پزشکی نیز تبدیل کرده است. تصمیمات اقتصادی دولت چین مجدد مس را وارد رالی افزایش نرخ کرد؛ این در حالی بود که بازار جهانی کامودیتی‌ها با سیگنال منفی افزایش ارزش دلار آمریکا روبه‌رو بود. با این وجود میزان اثرگذاری سیگنال‌های مثبت در این بازار قوی‌تر از سیگنال‌های منفی بود و در آخرین روز از هفته قبل مس در بورس فلزات لندن به مرز ۹ هزار و ۴۰۰ دلاری شدن بازگشت. فلز سرخ برای تحویل ۳ ماه بعد حدود ۴۰ دلار گران‌تر خریداری کردند که این موضوع به معنای پیش‌بینی افزایش بیشتر قیمت در هفته‌های آینده خواهد بود. کاهش تولید مس تصفیه شده در چین به دلیل انجام تعمیرات اساسی در واحدهای اصلی ذوب در این کشور و تصمیم بانک مرکزی چین برای افزایش وام به بخش خصوصی این کشور به منظور تحرک بیشتر اقتصادی مهم‌ترین دلایل تقویت نرخ مس در بازار داخلی چین و در ادامه بازارهای جهانی بود. اگرچه سیگنال‌های

فعالیت می‌کند، به‌عنوان یکی از معروف‌ترین و بزرگ‌ترین شرکت‌های بورسی شناخته شده است. ارزش بازار شرکت ملی مس ایران در حال حاضر حدود ۲۷۰ هزار میلیارد تومان است که بعد از فولاد مبارکه اصفهان، دومین شرکت بزرگ در صنعت فلزات اساسی و سومین شرکت بزرگ در کل بازار سرمایه محسوب می‌شود. محصولات شرکت ملی مس ایران شامل کاتد مس، مفتول، کنسانتره مولیبدن، کنسانتره طلا و نقره، سنگ سولفور، اسیدسولفوریک و کنسانتره مس است. البته عمده درآمد عملیاتی شرکت از فروش کاتد مس است، به صورتی که در سال ۱۳۹۹ این شرکت حدود ۴۲ هزار میلیارد تومان درآمد عملیاتی داشت که حدود ۳۷ هزار میلیارد تومان آن از فروش کاتد مس بوده است (داخلی و صادراتی). «فملی» در سال ۱۳۹۸ حدود ۲۳۸ هزار تن کاتد مس به فروش رساند که حدود ۱۲۶ هزار تن آن فروش داخلی و ۱۱۲ هزار تن آن فروش صادراتی بود. از مجموع ۴۲ هزار میلیارد تومان درآمد عملیاتی شرکت، حدود ۲۳/۷ هزار میلیارد تومان فروش داخلی و حدود ۱۸/۳ هزار میلیارد تومان فروش صادراتی بوده است. اگر بخواهیم P/E forward را محاسبه کنیم، در شرکت ملی

مس ایران (فملی) برای سال ۱۴۰۰ با در نظر گرفتن میانگین نرخ دلار نیمایی در محدوده ۲۲,۵۰۰ تومان و کاتد مس جهانی به‌طور میانگین حدود ۹۵۰۰ دلار، می‌توان انتظار سود ۲,۱۰۰ تا ۲,۳۰۰ ریالی را برای هر سهم «فملی» در سال ۱۴۰۰ داشت که با توجه به قیمت فعلی که حدود ۱۳,۵۴۰ ریال است، P/E forward «فملی» در سال ۱۴۰۰ بین عدد ۵/۹ تا ۶/۴ خواهد بود. در مس شهید باهنر نیز با توجه به فروضاتی که در نظر گرفته شده می‌تواند برای سال ۱۴۰۰ به ازای هر سهم بین ۳,۵۰۰ تا ۳,۸۰۰ ریال سود بسازد که با در نظر گرفتن قیمت فعلی سهم که در محدوده ۲۵,۷۴۰ است P/E forward بین ۶/۸ تا ۷/۴ را در سال ۱۴۰۰ می‌تواند داشته باشد. با توجه به مصارف فلز مس که در ابتدای مطلب آورده شد و رشد تکنولوژی و با توجه به این موضوع که در پیشرفت تکنولوژی، فلزی مانند مس با افزایش تقاضا در سطح جهانی روبه‌رو می‌شود، در سال‌های آینده مثبت خواهد بود. با توجه به موضوعاتی که مطرح شد، انتخاب یک نماد از گروه مس داخل پرتفوی برای سال ۱۴۰۰ می‌تواند ریسک نسبتاً کمی داشته و گزینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری در سال ۱۴۰۰ باشد.

بهای مس در بازار لندن در تابستان ۱۴۰۰





و همین‌طور عوامل تاثیرگذار بر تعیین قیمت این دو فلز پر کاربرد نگاهی انداخته است. در بخش دوم هم شرکت‌های تولیدکننده این دو محصول در بازار سرمایه ایران از منظر سوددهی مورد مقایسه قرار گرفته‌اند. روی، فلزی به رنگ سفید متمایل به آبی است که بر اثر واکنش با رطوبت هوا تیره‌رنگ می‌شود و در حین احتراق رنگ سبز براقی تولید می‌کند. این فلز بعد از آهن، آلومینیوم و مس چهارمین فلز مورد استفاده در دنیا است. آلیاژهایی که عنصر روی در آنها قرار می‌گیرد، از قرن‌ها پیش مورد استفاده بوده‌اند. کالاهای برنجی که به ۱۰۰۰ تا ۱۴۰۰ سال پیش بازمی‌گردند در فلسطین پیدا شده‌اند و اشیای زینتی با ۸۷ درصد روی در ترانسیلوانیای ماقبل تاریخ یافت شده‌اند.

استخراج و تصفیه روی ناخالص هزار سال پیش از میلاد مسیح در هند و چین صورت می‌گرفت. روی با اکسیژن و دیگر

غیرفلزات ترکیب می‌شود و با اسید رقیق واکنش نشان می‌دهد. این فلز مانند فلزات دیگر به آرامی واکنش نشان می‌دهد. حدود ۵۵ درصد از موارد استفاده روی در آلیاژهای مختلف از جمله برنج و فولاد گالوانیزه و آبکاری الکتریکی فولاد است. روی برای آبکاری الکتریکی فلزها استفاده می‌شود تا از زنگ‌زدگی آنها جلوگیری کند. همچنین این فلز به‌طور گسترده در صنعت خودروسازی و ریخته‌گری تحت فشار (دایکست) استفاده می‌شود. روی لوله‌ای به عنوان قسمتی از محتوی باتری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این فلز در تولید ظروف، صنایع نظامی، خودروسازی، کشتی‌سازی و باتری‌سازی استفاده می‌شود. برنج به خاطر استحکام و مقاومت در برابر زنگ‌زدگی و خوردگی کاربردهای وسیعی دارد. از آنجا که آلیاژ برنج در برابر زنگ‌زدگی و خوردگی مقاومت بالایی دارد، می‌توان از آن در بسیاری از صنایع استفاده کرد.

کل ذخایر موجود در جهان در سال ۲۰۲۰، معادل با ۲۵۰ میلیون تن برآورد شده است که در این بین کشور استرالیا ۳۰ درصد از این ذخایر، چین ۱۹ درصد و مکزیک ۱۰ درصد را در اختیار دارد. بزرگ‌ترین مناطق مصرف‌کننده روی در جهان نیز به ترتیب کشور چین با سهمی ۴۸ درصدی، اروپا با سهمی ۱۷ درصد و آمریکا با سهمی ۶ درصدی هستند. همچنین در بخش اول گزارش به عوامل موثر بر قیمت جهانی روی پرداخته شد که بر اساس آن ۵ دسته عوامل شامل قیمت مواد اولیه، سطح موجودی انبار روی، چشم‌انداز عرضه و تقاضای جهانی این فلز و چشم‌انداز اقتصاد جهانی مورد بررسی قرار گرفتند. در مطلب پیش‌روی

بخش دوم این گزارش ارائه شده است که در آن سعی می‌شود با نگاهی به وضعیت تولید و تقاضای این صنعت در ایران، شرکت‌های اصلی تولیدکننده این فلزات در بازار سرمایه

ایران مورد بررسی قرار گیرند. در ایران ۱۹۵ معدن فلزی وجود دارد که ۴۳ عدد از این معادن، مربوط به استخراج سرب و روی هستند. از این تعداد ۲۱ معدن فعال، ۱۵ معدن غیرفعال و ۷ معدن در حال تجهیز هستند. مهم‌ترین کمربندهای سرب و روی ایران در زنجان، یزد، گلپایگان، طبس، نایبند، انارک و آذربایجان قرار دارند. ایران بعد از چین، قزاقستان و هند جایگاه چهارم تولید روی را در آسیا دارد. ۳ درصد از ذخایر جهانی سرب و روی (در حدود ۱۲ میلیون تن) در ایران قرار گرفته است و با تولید ۲/۱۲ درصد از روی جهان، رتبه پانزدهم تولید را به نام خود ثبت کرده است. ظرفیت اسمی تولید شمش روی ۴۵۰ هزار تن است که در حالت عملی این رقم به ۲۰۰ هزار تن می‌رسد. بررسی صنعت تولید دو فلز روی و سرب نشان از آن دارد که میزان ذخایر، استخراج، تولید و مصرف روی در ایران و جهان

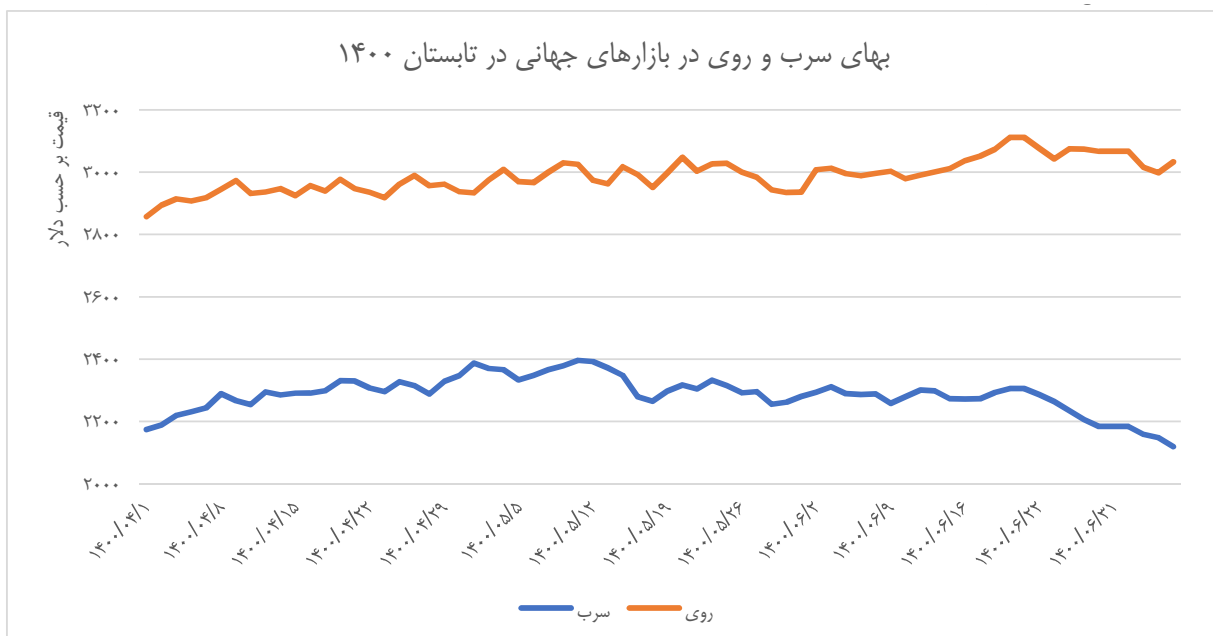
سرب و روی

و چشم‌انداز اقتصاد جهانی پنجمین دسته از این عوامل هستند. پیش‌بینی توازن عرضه و تقاضای روی در نمودار ۵ نشان داده شده است. در نمودار ۶ یکی از عوامل اثرگذار بر قیمت روی، یعنی میزان رشد اقتصاد جهانی نشان داده شده است. این رشد در سال ۲۰۲۰ به واسطه همه‌گیری کرونا پس از مدت‌ها منفی شد و پیش‌بینی می‌شود در انتهای سال ۲۰۲۲ شاهد رشد مثبت ۴ درصدی در اقتصاد جهانی باشیم. سطح موجودی انبارها یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر قیمت روی است. مطابق عوامل فوق، پیش‌بینی قیمت روی، طبق گزارش‌های دو نهاد معتبر (بانک جهانی و انجمن سرب و روی) به صورت نمودار ۷ آمده است. از دیگر عوامل تحریک قیمت می‌توان به پول ارزان بانک‌های مرکزی و بسته اقتصادی حدود ۱/۹ تریلیون دلاری، کاهش عرضه و تعطیلی بسیاری از معادن در یک سال اخیر، امید به رشد اقتصادی بعد از کرونا و تداوم رشد تولیدات صنعتی بیشتر و مصرف انرژی و مواد اولیه به همان میزان اشاره کرد. دست‌اندازهای قیمت نیز مواردی همچون اختلاف بین

و مصرف این فلز به ترتیب ۱۳/۷ و ۱۳/۲ میلیون تن ثبت شده است. در نمودار «۲» ارقام مربوط به میزان استخراج، تولید و مصرف فلز روی در سال‌های اخیر نشان داده شده است. در دنیا بیشترین سهم از تولید فلز روی متعلق به چین است که حدود یک‌سوم از تولید جهانی را در اختیار دارد و پس از چین، پرو و استرالیا قرار می‌گیرند. در میان شرکت‌های تولیدکننده روی، شرکت «Korea Zink» با حجم تولیدی بیش از ۱/۲ میلیون تن، بزرگ‌ترین تولیدکننده روی است. بزرگ‌ترین مناطق مصرف‌کننده روی در جهان نیز به ترتیب چین با سهم ۴۸ درصد، اروپا با سهم ۱۷ درصد و آمریکا با سهم ۶ درصد هستند. ارزش تجارت جهانی در سال ۲۰۱۹ حدود ۱۸ میلیارد دلار بوده است. در نمودارهای ۳ و ۴ بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده و واردکننده روی نشان داده شده‌اند. عوامل موثر بر قیمت روی را می‌توان به پنج دسته تقسیم کرد: دسته اول، قیمت مواد اولیه و دسته دوم سطح موجودی انبار روی است. چشم‌انداز عرضه و تقاضای جهانی این فلز به ترتیب دسته‌های سوم و چهارم

محصول استخراج‌شده از معادن کانسنگ روی، پس از یک‌سری عملیات خردایش و پرعیارسازی، به‌ویژه روش فلوتاسیون تبدیل به کنسانتره روی می‌شود. استخراج روی از کنسانتره آن به دو روش پیرومتالورژی و هیدرومتالورژی صورت می‌گیرد. روش هیدرومتالورژی روی به طریقه تانک کیچینگ طی مراحل زیر صورت می‌پذیرد. برای آماده‌سازی کنسانتره روی، در این بخش از عملیات، کنسانتره روی به شکلی درآورده می‌شود که به راحتی در حلال مناسب (اسیدسولفوریک) حل شود. این امر توسط عملیات تسویه و تکلیس صورت می‌پذیرد. در روش پیرومتالورژی نیز استخراج فلز روی با استفاده از کربن در کوره‌های خاصی انجام می‌شود. در نهایت روی کاتدی به دست آمده از این مراحل، وارد مرحله ذوب و شمش‌ریزی می‌شود. کل ذخایر روی موجود در جهان در سال ۲۰۲۰، معادل ۲۵۰ میلیون تن برآورد شده است. در این بین استرالیا ۳۰ درصد، چین ۱۹ درصد و مکزیک ۱۰ درصد از این ذخایر را در اختیار دارد. حجم استخراج فلز روی در سال ۲۰۲۰، بالغ بر ۱۲/۲ میلیون تن و حجم تولید

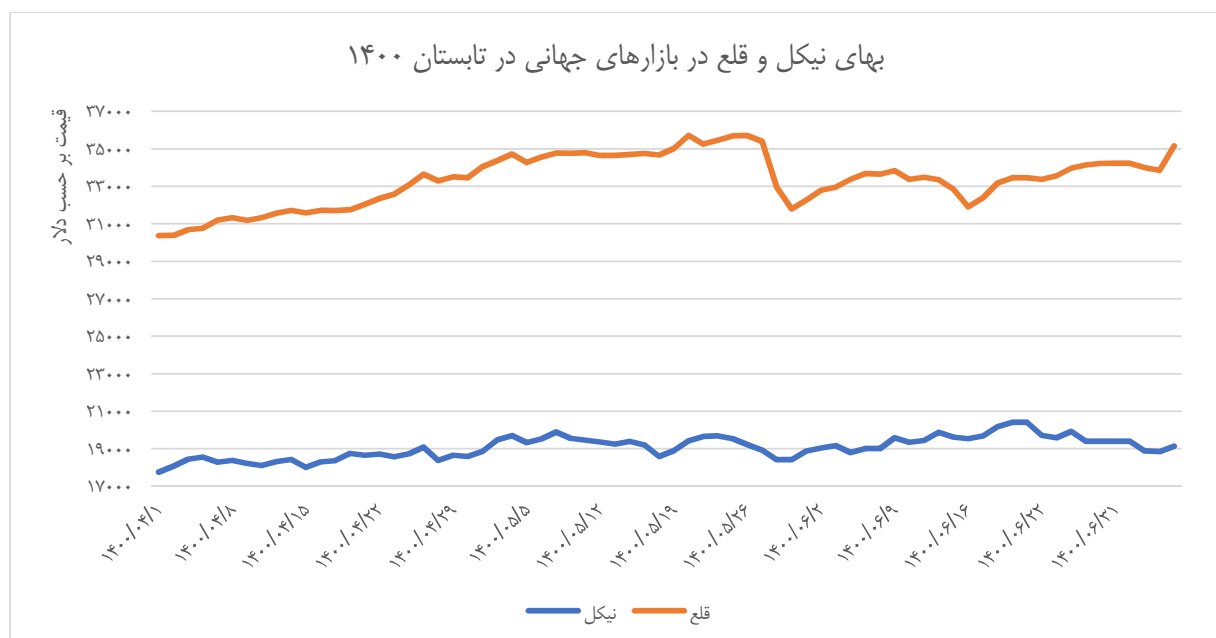
بهای سرب و روی در بازارهای جهانی در تابستان ۱۴۰۰



است، این امر نشان‌دهنده رشد بسیار مطلوب صنعت در سنوات اخیر است. عمده فروش متناسب با ظرفیت، متعلق به شرکت کالسیمین با ۳۵ درصد سهم بازار است. همچنین شرکت زرین معدن آسیا، کیمیا و باما به جهت طرح‌های توسعه‌ای و زیرمجموعه‌های در حال رشد به نظر از نرخ بالاتری از رشد سهم بازار و ارزش فروش برخوردارند. سهم کالسیمین از سهم بازار کاهش یافته است اما نرخ رشد فروش مناسبی را تجربه کرده است. شرکت کالسیمین، باما، کیمیا و زرین معدن آسیا بالاتر از متوسط و دیگر شرکت‌ها کمتر از میانگین رشد فروش را تجربه کرده‌اند. در حال حاضر سرنوشت صنعت سرب و روی کشور به برنامه و تصمیم‌های وزیر صمت و معاونان انتخابی در این وزارتخانه بستگی دارد، هر شخصی روی کار می‌آید تفکر خاصی دارد ولی باید برنامه‌های پنج ساله توسعه، چشم‌انداز ۱۴۰۴، وضعیت بودجه، قوانین رفع موانع تولید و بهبود فضای کسب و کار را مورد توجه قرار دهد و عملی کند. این اتحادیه برنامه‌های ارائه شده وزیر صمت را به طور دقیق مطالعه و بررسی کرده و می‌توان گفت اگر تا حدودی این طرح‌ها عملی شوند برخی از مشکلات صنعت سرب و روی حل خواهد شد. حسن حسینی نقلی افزود: در مجموع اگر وزیر صمت در دولت سیزدهم بخواهد همچون وزرای پیشین به بخش خصوصی و تشکل‌ها توجهی نکند، روند گذشته تکرار خواهد شد و در واقع تغییر بزرگی اتفاق نمی‌افتد. مدیران و تصمیم‌گیران صنعت جلسه‌های مهم را پشت درهای بسته برگزار می‌کنند و بدون توجه به حرف‌ها و نیازهای بخش خصوصی و تشکل‌ها برنامه‌ها را به مرحله اجرا می‌رسانند. برنامه‌های ارائه شده از سوی این وزارتخانه کلی بیان شده و به جزئیات اشاره‌ای نشده است.



بهای تمام‌شده و نرخ‌های فروش تولیدکنندگان، حساسیت دولت‌ها و بانک‌های مرکزی نسبت به رشد قیمت‌ها و افت شدید قیمت بعد از دوره‌های رشد است. صنعت سرب و روی با رشد مناسبی در بخش فروش در سنوات اخیر همراه شده و در این راستا، متوسط رشد فروش شرکت‌های کیمیا زنجان، توسعه سرب و روی و زرین معدن آسیا در مقایسه با سایر رقبای، بیشتر بوده به نحوی که طی روند پنج سال گذشته خود با رشد ۵۵۸ درصدی همراه شده‌اند. طی پنج سال، مجموع فروش شرکت‌های فعال در صنعت سرب و روی (بورسی) با افزایش ۵۴۰ درصدی همراه شده و از ۷۴۰ میلیارد تومان به بیش از ۴ هزار و ۷۷۷ میلیارد تومان رسیده



بازار مسکن

این کشورها تهیه شده، نشان می‌دهد که اشتباه تاکتیکی دولت‌ها در یک سال و نیم گذشته در حوزه نحوه تنظیم بازار مسکن در عصر کرونا این بوده که به استفاده دائمی از «سیاست اضطراری» در بازار مسکن روی آورده‌اند. سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه تاکید می‌کند که باید سیاست‌های بلندمدت را جایگزین سیاست‌های کوتاه‌مدت کرد تا مانع از نوسانات شدید در بازار شود و مسکن را بازاری جذاب نگه داشت. کنترل‌های اعمالی بر اجاره‌ها و محدودیت‌های اعمالی بر بازار اجاره، سبب گران‌تر شدن مسکن در طولانی‌مدت می‌شود چرا که آدرسی غلط در باب عرضه و تقاضا به بازار مخابره می‌کند. همچنین تنظیم‌گری بیش از حد در روابط میان موجر و مستاجر و قراردادهای آنان سبب کاهش تحرک در بازار مسکن می‌شود و از آنجا که تحرک بازار ارتباط مستقیمی با نیروی کار دارد، این امر بعد از پایان محدودیت‌های کرونایی آثار نامطلوبی بر بازار کار خواهد گذاشت. این نهاد بین‌المللی همچنین تاکید می‌کند سیاست‌های مالیاتی از دارندگان وام‌های رهنی به کاهش قیمت‌ها منتج می‌شود که عاملی برای بی‌ثباتی اقتصاد است. تسهیل مقررات کلان مربوط به امور مالی بخش مسکن نیز در صورت عدم بازگشت به موقع، سبب آسیب به انعطاف‌پذیری اقتصاد در درازمدت می‌شود. در نتیجه آنکه اقداماتی که در کوتاه‌مدت سبب حفظ استطاعت مسکن می‌شود می‌تواند عوارض جانبی بلندمدتی داشته باشد که عملکرد بازار را به خطر می‌اندازد.

بررسی‌ها نشان از آن دارد که اوضاع بازارهای ساخت‌وساز، خرید و اجاره‌خانه در ۳۷ کشور نشان می‌دهد حمایت‌هایی که دولت‌ها طی یک‌سال و نیم گذشته از عصر کرونا، در حوزه تامین مسکن در قالب بسته‌های اعتباری و معافیت‌های مالی به عمل آوردند، به دلیل آنچه «غفلت از تاریخ مصرف» این بسته‌ها عنوان می‌شود، اثر معکوس بر بازار گذاشته است. رشد قیمت مسکن به میزان دوبرابر نرخ تورم و همچنین افزایش سهم اجاره‌ها در سبد هزینه خانوارها تا ۳۰ درصد، تنها بخشی از عوارض مداخله دولت در بازار مسکن است. سیاستگذار مسکن در نقش «مزاحم» بازار باعث شده است در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، هم سرمایه‌گذاران ساختمانی دلسرد شوند و هم تمایل موجران به ادامه اجاره‌داری کاهش پیدا کند. مداخله افراطی دولت‌ها در بازار مسکن کشورهای مختلف جهان به منظور حمایت کرونایی از اقشار فاقد مسکن، مستاجران و خانوارهای کم‌درآمد، دو عارضه اولیه و ثانویه تداوم این مدل پشتیبانی ملکی از خانوارها به شکل محسوس و البته هشدارآمیز بروز پیدا کرده است. «سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)» که ۳۷ عضو از کشورهای توسعه‌یافته عمدتاً اروپایی و آمریکایی دارد، درباره اختلال آشکار در سه حوزه خرید مسکن، اجاره مسکن و ساخت‌وساز تحت تاثیر حمایت افراطی دولت‌ها هشدار داده است. گزارش مکتوب این سازمان که برای آسیب‌شناسی علت شکل‌گیری حباب قیمت مسکن در



استقبال خریداران و فروشندگان به یکجا

خرید» در بازار ملک ریشه دوانده، سیاستگذار سراغ طرحی رفته است که هرگز نباید در این مقطع به‌عنوان «اولین گام خروج از رکود» اجرایی شود. برنامه‌ای برای افزایش سقف وام خرید خانه طراحی شده است که اگر تصویب شود «قدرت پوششی تسهیلات» از میانگین ۱۳ درصد در بازار مسکن ۳۱ مرکز استان به ۲۰ درصد افزایش می‌یابد. هرچند این میزان تعدیل مبلغ وام در مقایسه با ضرباتی که موج جهش قیمت به تقاضای مصرفی وارد کرد، کارگشا نخواهد بود، اما به‌دلیل «کمبود شدید عرضه در بازار» همین محرک خفیف می‌تواند مشکل‌آفرین شود. در مقطع فعلی، برنامه‌ریزی هوشمندانه برای پایان دادن به رکود عمیق در دو بازار ساخت‌وساز و معاملات مسکن لازم است؛ یک «جدول زمانی برای اجرای بسته سیاستی» که گام اول آن «انجمادزایی از املاک» است. بسته افزایش ۱۰۰ درصدی وام خرید مسکن در حالی به سیاستگذار پولی ارائه شده است که کارشناسان نسبت به پیامدهای

بررسی موتورهای جست‌وجوی ملکی معتبر نشان می‌دهد در حال حاضر دست‌کم یک درصد از فایل‌های نوساز ثبت شده در این سایت‌ها، از نوع «یکجا فروشی» هستند. البته اگر مجموع واحدهای آپارتمانی که به صورت یکجا فروشی عرضه شده‌اند را با سایر فایل‌های نوساز مقایسه کنیم قطعاً سهم این مدل فروش بیشتر خواهد بود چراکه در هر یک از فایل‌های یکجا فروشی دست‌کم چهار یا پنج واحد و بعضاً بیش از ۱۰ واحد به صورت یکجا و در قالب یک فایل برای فروش عرضه شده‌اند. بررسی علت افزایش جزئی در تعداد فایل‌هایی که به صورت فروش یکجای املاک کلید نخورده متعلق به سازنده‌ها در موتورهای جست‌وجوی ملکی ثبت شده‌اند حاکی است بر اساس یک قاعده کلی معمولاً در دوره پساجهش، تقاضای فروش یکجای مستغلات بیشتر می‌شود، چراکه فروش تک‌واحد به منزله صرف زمان بیشتر برای تبدیل دارایی ملکی به نقدینگی است. واسطه‌ها می‌گویند در شرایط رکودی فروش یک ساختمان پنج یا شش طبقه دست‌کم شش ماه تا یک سال زمان می‌برد و این در حالی است که اگر سازنده کل ساختمان را برای فروش به صورت یکجا عرضه کند،


احتمالاً ظرف مدت بسیار کوتاه‌تری، بعضاً در حدود یکی دو ماه می‌تواند پای میز معامله بنشیند. اگرچه خریداران مصرفی و حتی خریداران سرمایه‌ای مسکن مدت‌هاست بازار را ترک کرده‌اند اما یک گروه از سرمایه‌گذاران ویژه همواره در بازار مسکن حضور دارند و این بازار را حتی در دوره‌های پساجهش ترک نمی‌کنند، چراکه معتقدند اتفاقاً در شرایط رکود معاملات می‌توانند خریدهای مطلوب‌تری با قیمت مناسب‌تر انجام دهند. این گروه از سرمایه‌گذاران ملکی هم در زمره اشخاص حقیقی و هم از اشخاص حقوقی هستند که به عنوان مثال به شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته هستند. البته اغلب ماهیت «حقیقی» یا «حقوقی» خریداران برای واسطه‌های ملکی نامشخص است اما این گروه را می‌توان به طور کلی متقاضیان سرمایه‌ای مسکن خطاب کرد که نقدینگی با ارقام غیرمعمول در اختیار دارند و متقاضی سرمایه‌گذاری ملکی هستند.

سیاست تحریک تقاضای مسکن در بدترین زمان ممکن در دستور کار قرار گرفته است. بعد از سه سال عقب‌ماندگی در برنامه تامین مالی مسکن، اکنون که چالش به مراتب حادث‌تر از «سقوط قدرت

سیاست تحریک

تقاضا بدون انجمادزایی از عرضه مسکن هشدار می‌دهند. ارائه بسته شارژ قدرت خرید مسکن با محتوای افزایش سقف وام مسکن به میزان دو برابر وام فعلی به سیاستگذار پولی در حالی به عنوان یکی از اجزای مهم خروج بازار ملک از حالت رکود مورد تاکید قرار دارد که کارشناسان عملکرد درست این سیاست را منوط به اجرای گام‌مقدماتی برای افزایش عرضه واحدهای مسکونی می‌دانند. وام خرید مسکن در شهر تهران هم‌اکنون معادل ۱۰۰ میلیون تومان (برای متقاضیان انفرادی) و در ۳۰ مرکز استان کشور برابر با ۸۰ میلیون تومان است. این در حالی است که براساس آخرین آمارهای رسمی از وضعیت قیمت مسکن در مراکز استان‌های کشور، در پاییز ۹۹ متوسط قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در ۳۱ مرکز استان معادل حدود ۷ میلیون تومان بوده است.





با احتساب سقف ۸۰ میلیون تومانی وام خرید مسکن در ۳۰ مرکز استان کشور و وام ۱۰۰ میلیون تومانی در شهر تهران قدرت پوشش دهی وام موجود با احتساب قیمت پاییز سال گذشته مسکن در مراکز استان‌ها، به طور متوسط ۱۵/۵ مترمربع از هزینه خرید مسکن در این شهرها است. از طرفی دولت جدید هم مثل همین دولت، با طرح ناتمام «خانه‌سازی دولتی» سورپرایز می‌شود. ۸ سال پیش، پروژه‌های باقی‌مانده «مسکن مهر» - ۴۰ درصد کل طرح - به دولت بعد منتقل شد و الان هم بیش از ۷۰ درصد کار در «مسکن ملی» به بعدی‌ها منتقل می‌شود. این تکلیف تحمیلی که سیاست اشتباهی برای تنظیم بازار مسکن است با وضع موجود بعید است به سرانجام برسد. متولی جدید بخش مسکن برای گریز از عوارض تورمی این مدل عرضه مسکن برای خانه‌اولی‌ها، باید ابتدا نقش دولت را در «مسکن ملی» تغییر دهد و سپس دو گام تکمیلی بردارد. در حال حاضر تقاضای سرمایه‌ای و سفته‌بازانه بازار مسکن را اشغال نموده است. بر این اساس تا زمانی که «انتظارات تورمی» به قوت خود باقی است و پناهگاه بازار ملک هیچ هزینه‌ای برای تقاضای غیرمصرفی ایجاد نمی‌کند (مثل مالیات سالانه بر املاک که برخلاف مالیات‌های فرعی مثل مالیات بر خانه خالی یا مالیات بر عایدی سرمایه، صحبتی از آن نمی‌شود) افزایش عرضه باعث کاهش قیمت مسکن نخواهد شد. بنابراین اضافه‌پرش قیمت مسکن با سیاست صحیح مالیاتی به نفع تقاضای مصرفی قابل مهار است.

ترمز تورم مسکن در تیرماه کشیده شد

از آن دارد که مسکن با افزایش عرضه نیز مواجه است. حال اگر دوربین خود را کمی عقب تر ببریم در ۱۷ سال اخیر سال ۹۹ سردترین بازار به لحاظ تیراژ ساختمانی بوده که در آن کمترین میزان از ساخت مسکن به ثبت رسیده است. سال گذشته تنها ۵۳ هزار و ۴۰۰ واحد مسکونی در شهر تهران مجوز ساخت دریافت کردند که این میزان از سال ۸۳ تاکنون که داده‌های مربوط به تیراژ سالانه ساخت مسکن ثبت می‌شود در حوزه ساخت‌وساز نشان‌دهنده رکورد بی‌سابقه در رکود ساختمانی بود تا اینکه روند نزولی ساخت‌وساز در سال جاری، رکورد جدیدی از رکود را از خود برجای گذاشت. به شکلی دیگر نیز می‌توان این موضوع را بررسی کرد: کارنامه ۵۳ ماهه تورم مسکن پایتخت نشان می‌دهد فاصله متعارف قیمتی بین مناطق شمال و جنوب شهر تهران که در عصر اول جهش قیمت مسکن (از ابتدای ۹۶ تا تیرماه ۹۸)، به دلیل رشد شتابان قیمت در پنج منطقه اول پایتخت، از حالت تعادل خارج شده و این فاصله تبدیل به گسل قیمتی شمال و جنوب پایتخت شده بود، هم‌اکنون در مسیر بازگشت به نقطه تعادل قرار گرفته است. نرخ تورم مسکن ۸ کلان‌شهر کشور در دو مقطع زمانی «جهش قیمت در سال ۹۷» و «میانه تابستان ۱۴۰۰» سنجش شد. نتایج نشان می‌دهد، رشد تند قیمت مسکن ابتدا در تهران شروع شد؛ به‌طوری‌که این کلان‌شهر در سال اول جهش، رتبه اول بیشترین نرخ تورم ملکی را به خود اختصاص داد. اما در حال حاضر، تهران در این رده‌بندی، آخر شده و کرج در جایگاه اول قرار گرفته است.

در اولین ماه تابستان بعد از ۴۵ ماه بالاخره تورم مسکن نسبت به تورم عمومی متعادل شد. در تیرماه سرانجام سرعت رشد نقطه‌ای قیمت مسکن از نرخ تورم عمومی کمتر شد. هر چند این تغییر سطح به میزان جزئی اتفاق افتاده، اما بیانگر کاهش قیمت واقعی مسکن در پایتخت است. با این حال، قیمت اسمی آپارتمان‌ها در تیرماه افزایش پیدا کرد که علت آن با توجه به متغیر غیراقتصادی موثر بر رفتار معامله‌گران و زورآزمایی انتظارات، مشخص است. قیمت مسکن در نخستین ماه تابستان شکل متفاوتی از تخلیه حباب را تجربه کرد. در حالی که میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان مسکونی معامله شده در تهران طی تیرماه رشد ماهانه جزئی ۱/۳ درصدی داشته است اما مقایسه تغییرات قیمت مسکن در پایتخت با نرخ تورم عمومی نشان می‌دهد قیمت واقعی مسکن در شروع تابستان کاهش یافته است، به این معنا که تورم مسکن از تورم عمومی عقب افتاده است. مجموع تغییرات قیمت مسکن از ابتدای امسال تاکنون به شکلی پیش رفته که اکنون در بازار، آپارتمان‌های مسکونی به قیمت پایین‌تر از قیمت مسکن در ایام شب عید (اسفند ۹۹) معامله می‌شود. بر این اساس تعداد آپارتمان‌های معامله شده در تهران طی تیرماه ۵ هزار و ۷۱ فقره بوده که این میزان در مقایسه با حدود ۵ هزار و ۱۰۰ آپارتمان فروخته شده در خرداد، افت خفیف ۰/۶ درصدی را نشان می‌دهد. بررسی‌ها نشان از آن دارد که ساخت‌وساز ۴ ماه اول ۱۴۰۰ در پایتخت کمتر از ابررکود ساختمانی ۹۹ بود ده است. به عبارتی دیگر شکاف بین «عرضه جدید مسکن» و «کف نیاز به آپارتمان جدید» از ۳۰ درصد سال گذشته و به ۴۰ درصد در سال جاری رسیده است. در تهران برای تعادل بخشی عرضه و تقاضا طبق نیازسنجی‌های صورت گرفته، ماهانه به حداقل ۷ هزار واحد مسکونی جدید نیاز است. کارنامه سازنده‌ها طی ماه‌های گذشته از سال جاری حدود نصف این رقم بوده است. این رکود، تاوان هفتم سفته‌بازی ملکی است. رکورد ۱۶ ساله رکود ساختمان‌سازی در سال ۹۹، شکسته شد و تیراژ خانه‌سازی در چهارماه نخست در تهران، ۱۴ هزار و ۷۰۰ واحد مسکونی است که کمترین میزان عرضه از سال ۸۳ به بعد است. اما سوال اینگونه مطرح می‌شود که آیا افزایش عرضه مسکن می‌تواند باعث کاهش قیمت مسکن شود؟ آیا اساسا در بازار مسکن با کسری عرضه نسبت به تقاضای مصرفی مواجه هستیم یا با مازاد عرضه؟ بررسی‌های نشان



طراح، طرح مسکن یک میلیون واحد در سال به دنبال ساخت خانه است یا ایجاد شغل؟ این سوال بزرگی است که از زمان ارایه طرح مطرح شده است. در محافل اجرایی دولت یکی از بحث‌های کانونی، موضوع ساخت یک میلیون مسکن در سال است تا بعد از مدت ۴ سال مجموعاً ۴ میلیون مسکن جدید ساخته شود. اینکه نیاز واقعی جامعه ایران چه تعداد مسکن است خود بحث دیگری است؛ ولی با فرض اینکه چنین تقاضایی وجود دارد، بحث این است که آیا امکان تولید ۴ میلیون مسکن در ۴ سال دوره ریاست‌جمهوری آقای رئیسی وجود دارد یا خیر؟ با توجه به بررسی‌های انجام شده در حال حاضر ۱۰ درصد از مسکن تولید شده مازاد مصرف است و سفته بازی و سرمایه‌گذاری در این بخش موجب شده که اینگونه به نظر برسد که هنوز نیاز به خانه‌های جدید است. حال با این بررسی نیاز ساخت ۴ میلیون خانه در ۴ سال چگونه طرح ریزی شده است. بر اساس و تحت تأثیر این طرح «رکوردهای جدید و خامت در بازار سرمایه‌گذاری

ساختمانی»، بیشترین حس «نااطمینانی به آینده» هویدا شد. سطح چهار نمایشگر در بازاری که فعالان ساختمانی در آن حضور دارند، نشان می‌دهد طرح دولت نتوانسته نظر این گروه را جلب کند و باعث امیدواری آنها به بهبود شرایط شود. رشد دوباره قیمت

مسکن، نبود قدرت خرید در تقاضای موثر و همچنین رکود بازار ملک، فعالیت را برای سازنده‌ها غیرممکن کرده است. از منظر آماری می‌توان این گونه عنوان کرد که شاخص «انتظارات ساختمانی‌ها» از مطالبه طرح رکودزدا حکایت دارد. با مروری بر وضعیت بخش مسکن در ایران از منظر شاخص دسترسی به مسکن می‌توان عنوان کرد که یک خانوار برای دسترسی به مسکن با حقوق تقریبی ۱۰ میلیون تومان و قیمت مسکن ۲ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان باید ۲۰ سال درآمد خود را کنار بگذارد. البته براساس مطالعات صورت‌گرفته در حال حاضر متوسط طول دوره انتظار برای خرید مسکن حدود ۷۵متری برای کل جامعه ایران بالای ۲۴ سال است. این شاخص برای دهک اول (فقیرترین) ۱۴۳ سال و برای دهک دهم فقط ۱۱ سال است. اما نکته فقط این موضوع نیست اگر روش‌های ساخت واحدهای مسکونی مورد تعهد دولت از روش‌های متمرکز دولتی (مسکن مهر) به روش‌های غیرمتمرکز مبتنی بر امکانات بخش خصوصی و بانک‌ها (روش بنیاد مسکن) تغییر کند، می‌توان هدف‌گذاری یک‌میلیون مسکن را عملی کرد (با فرض اینکه نیاز باشد) - البته در روش غیرمتمرکز امکان هدف‌گذاری اشتباه نیز

حذف می‌شود؛ چرا که اگر واحدی متقاضی نداشته باشد، شروع نمی‌شود). به این دلیل که گلوگاه تأمین مالی مسکن، تأمین یک میلیون مسکن در سال در گلوگاه فنی و تدارکات به ویژه فولاد و سیمان تأمین زمین مناسب، تأمین آب و برق و... که اگر این قسمت متناسب با هدف‌گذاری یک‌میلیونی جلو نرود، کل هدف با مشکل مواجه می‌شود. دولت اگر از ظرفیت‌های بخش خصوصی استفاده کند و با احداث شهرک‌های اقماری توسعه مسکن را برنامه‌ریزی کند، امکان دستیابی به هدف یک‌میلیون مسکن وجود دارد؛ ولی روش مسکن مهر و مسکن ملی از تحرک کافی برای رسیدن به هدف یک‌میلیون مسکن در سال برخوردار نیست و نه تنها امکان دستیابی به هدف یک میلیون مسکن در سال را غیرعملی می‌کند، بلکه موجب افزایش تورم نیز می‌شود. به شکلی دیگر نیز می‌توان این موضوع را عنوان کرد که برای شروع کار دو موتور «زمین دولتی» و «تسهیلات بانکی» ابزارهای قدرتمندی هستند. البته اراضی دولتی بیرون از محدوده شهرها به دلیل «خدمات زیربنایی صفر»

به این سادگی امکان آماده‌سازی برای بارگذاری را ندارد. فعالیت موتور دوم با یک «نامعادل پولی» روبه‌رو است. وام در نظر گرفته شده برای ساخت یک‌میلیون آپارتمان به معنای آن است که سهم بخش مسکن از کل تسهیلات جدید بانکی در سال، باید دست‌کم به ۲۰ درصد افزایش پیدا کند؛ درحالی‌که

طی دو سال اخیر، این سهم حدود ۵ درصد بوده است. تولید کنندگان معتقدند که تأمین مصالح قابلیت اجرایی دارد به عنوان مثال: مجمع تولیدکنندگان شن، ماسه و مصالح ساختمانی ایران در بیان پتانسیل گفت کفایت سری به دپوهای عظیم موجود در کارخانه‌های فرآوری و واحدهای تولید مصالح بزند. اتحادیه صنف فروشندگان آهن، فولاد و فلزات استان تهران نیز با اشاره به اینکه پتانسیل تولید آهن آلات ۶۰ درصد بیشتر از نیاز مصرف کشور است، وی تأکید می‌کند: توانایی تأمین ۱۰۰ درصد آهن و فولاد به منظور ساخت یک میلیون واحد مسکونی بدون تزیق هیچ سرمایه در گردش در داخل کشور وجود دارد. براساس برآورد تقاضای محصولات فولادی تخت مورد نیاز برای طرح ویژه مسکن از سوی فولاد مبارکه برای ساخت ۴ میلیون مسکن (سالانه یک میلیون)، با آورده صفر، زمین رایگان و وام ارزان، بدون یک ریال بودجه دولتی، برای ساخت یک میلیون مسکن با فرض متراژ ساخت ۱۰۰ مترمربعی با هزینه ساخت ۵ میلیون تومانی نیاز به تأمین بودجه ۵۰۰ هزار میلیارد تومانی است که این مبلغ حدوداً ۵ برابر بودجه عمرانی سالیان اخیر کشور است.

طرح یک میلیون مسکن در سال



تقاضای مسکن

در سالهای پیش رو از چه جنسی است بررسی آمارها در حوزه نرخ رشد و نحوه رشد جمعیت ایران از تغییر معنادار وزن دو گروه سنی در ترکیب جمعیتی کشور حکایت از «سقوط نرخ جانشینی جمعیت ناشی از افت شدید زاد و ولد»، دارد. از طرف دیگر روند رشد سالانه تعداد خانوارها نیز در سطح پایین قرار دارد. این دو رویداد عمدتاً ناشی از مشکلات اقتصادی خانوارها و همچنین تاثیر کرونا بر زندگی مردم است. اما دگرگونی جمعیتی فقط به این دو مورد ختم نمی‌شود. در حال حاضر سهم «جمعیت جوان» از یک‌سوم کل جمعیت در نیمه دهه ۸۰ به یک‌پنجم کاهش پیدا کرده و سهم «جمعیت سالخورده» دو برابر شده و به ۱۰ درصد رسیده است. برآوردها رشد تندتر جمعیت سالخورده طی دهه پیش‌رو را نشان می‌دهد. این وضعیت بیانگر «ورود به فاز پیری» و افزایش «مجردهای سالمند» است که بر آینده بازار مسکن تاثیرگذار خواهد بود. پیش‌بینی‌ها حاکی است تغییرات فاز جمعیتی در ایران در سال‌های پیش‌رو به سمت فازهای بعدی سالمندی ادامه خواهد داشت. این موضوع نه تنها ساختارهای مختلف اجتماعی و اقتصادی را تحت تاثیر قرار خواهد داد بلکه افزایش پدیده «مجردهای سالمند» جنس تقاضای مسکن را در سال‌ها و دهه‌های آتی نیز تغییر می‌دهد. بر این اساس جمعیت کشور در سال ۹۹ به حدود ۸۴ میلیون و ۷۷۰ هزار نفر رسید. آمارهای مربوط به تحولات جمعیتی از کاهش آهنگ رشد جمعیت در کشور خبر می‌دهد. آمارها نشان می‌دهد در حالی که نرخ رشد سالانه جمعیت در دهه ۶۰ معادل ۳/۹ درصد بود این میزان در پنج ساله منتهی به سال ۹۵ به ۱/۲۴ درصد، در سال ۹۸ به ۱/۲۳ درصد و در سال ۹۹ به ۱/۰۲ درصد رسید. همچنین تعداد خانوارهای کشور که در سال ۹۵ برابر با ۲۴ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار بود در سال ۹۸ به ۲۵ میلیون و ۶۰۰ هزار خانوار و در سال ۹۹ به ۲۶ میلیون و ۲۰۰ هزار خانوار کاهش یافت. به عبارتی دیگر نرخ رشد سالانه خانوار در پنج ساله منتهی به سال ۹۵ معادل ۲/۶۵ درصد بوده است. این در حالی است که این میزان در سال ۹۸ به حدود ۲ درصد و در سال ۹۹ به ۲ درصد کاهش یافت. همچنین میزان زاد و ولد در سال ۹۴ برابر با یک میلیون و ۵۷۰ هزار نفر بود این میزان در سال‌های بعد به‌طور شوکه‌کننده‌ای کاهش یافته است. در سال ۹۷ میزان زاد و ولد به یک میلیون و ۳۶۶ هزار نفر و

در سال ۹۸ به یک میلیون و ۱۹۸ هزار نفر کاهش یافته است. که این میزان کاهش، نشان‌دهنده بحران جانشینی جمعیت در کشور است. این آمارها نشان می‌دهد هم‌اکنون سرعت رشد جمعیت به دلیل کاهش شوکه‌کننده زاد و ولد، نسبت به سال‌های قبل کندتر شده است. همچنین آمارها حاکی است سرعت رشد تشکیل خانوار نیز پایین آمده است که یکی از مهم‌ترین دلایل آن کاهش میزان ازدواج، کاهش سرعت رشد جمعیت و همچنین بالا رفتن سن ازدواج و تشکیل خانواده است. حال با تمامی این موضوعات نکته مهم‌تر آن است که سهم جمعیت جوان کشور (گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال) مربوط می‌شود. این رویداد را می‌توان به نوعی مکمل رویداد حرکت جمعیت کشور به سمت سالخوردگی عنوان کرد. یک‌سوم کل جمعیت جوان در میانه دهه ۸۰ به یک‌پنجم کاهش یافت و از سوی دیگر ۵ درصد جمعیت سالخورده در دهه ۸۰ به ۱۰ درصد در سال ۱۴۰۰ اشاره کرد. پیش‌بینی‌های انجام شده نشان می‌دهد در سال جاری سهم سالمندان (گروه سنی بیش از ۶۰ سال) از ۱۰ درصد عبور خواهد کرد که این میزان معادل بیش از ۸ میلیون نفر سالمند تا پایان سال جاری است. به شکلی صریح تر می‌توان عنوان نمود که در سال ۱۴۱۰، با عبور سهم جمعیت سالمند کشور از ۱۴ درصد شرایط خاصی بر کشور غالب خواهد شد، در این راستا پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۲۰ کشور به مرز سالمندی مفرط جمعیتی حدود ۱۹ درصد از جمعیت کشور برسد.

گزارش تحولات بازار مسکن در تابستان ۱۴۰۰

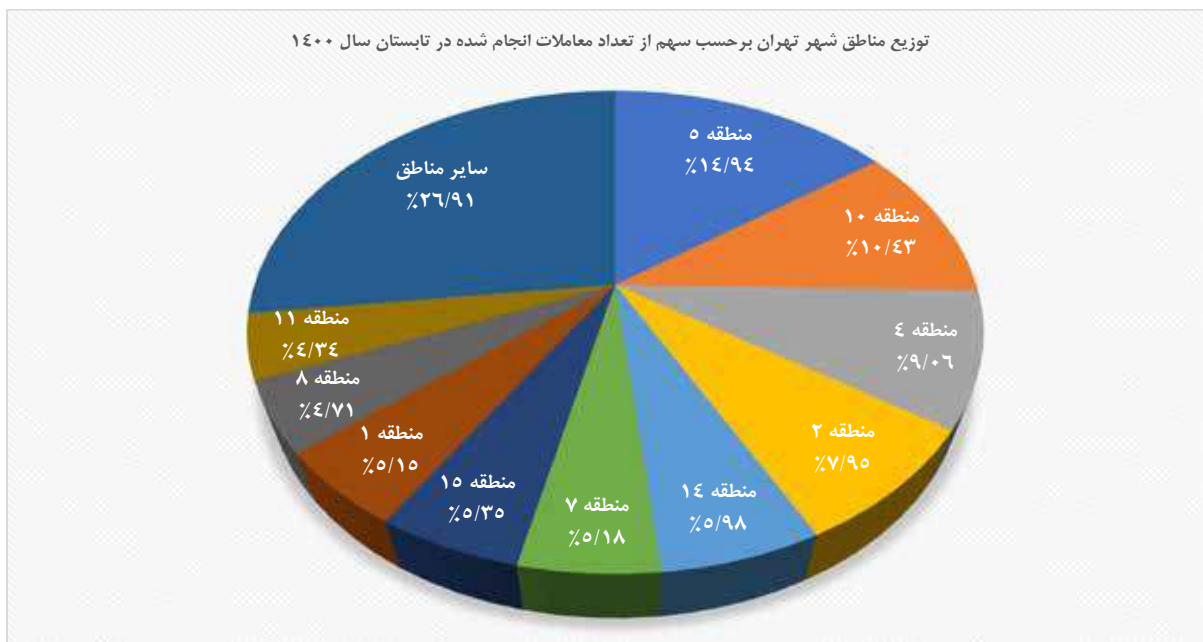
واحدهای تا ۵ سال ساخت با سهم ۳۳/۵ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. سهم مذکور در مقایسه با تیرماه سال قبل حدود ۵/۱ واحد درصد کاهش یافته و در مقابل به سهم واحدهای با قدمت بالا در سایر گروه ها شامل « ۶ تا ۱۰ »، « ۱۱ تا ۱۵ »، « ۱۶ تا ۲۰ » و « بیش از ۲۰ » سال ساخت افزوده شده است. در مرداد از مجموع ۵۴۹۹ واحد مسکونی معامله شده، واحدهای تا ۵ سال ساخت با سهم ۳۳ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. سهم مذکور در مقایسه با مردادماه سال قبل حدود ۵/۳ واحد درصد کاهش یافته و در مقابل به سهم واحدهای با قدمت بالا در گروه های « ۶ تا ۱۰ »، « ۱۱ تا ۱۵ » و « ۱۶ تا ۲۰ » سال ساخت افزوده شده است. در شهریور ماه از مجموع ۷۷۸۹ واحد مسکونی معامله شده، واحدهای تا ۵ سال ساخت با سهم ۳۳ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده اند. سهم مذکور در مقایسه با شهریورماه سال قبل حدود ۵ واحد درصد کاهش یافته و در مقابل به سهم واحدهای با قدمت بالا در سایر گروه ها شامل « ۶ تا ۱۰ »، « ۱۱ تا ۱۵ »، « ۱۶ تا ۲۰ » و « بیش از ۲۰ » سال ساخت افزوده شده است.

در تیرماه سال ۱۴۰۰، تعداد معاملات آپارتمانهای مسکونی شهر تهران به حدود ۵/۱ هزار واحد مسکونی رسید که نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۰/۶ و ۶۳/۹ درصد کاهش نشان داد. این آمار در ماه مرداد به حدود ۵/۵ هزار واحد مسکونی رسید که نسبت به ماه قبل ۸/۴ درصد افزایش و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۳۹/۴ درصد کاهش نشان داد. و در شهریور ماه نیز به حدود ۷/۸ هزار واحد مسکونی رسید که نسبت به ماه قبل ۴۱/۶ درصد افزایش و نسبت به ماه مشابه سال قبل ۸ درصد کاهش نشان داد. در ماه اول تابستان متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاههای معاملات ملکی شهر تهران ۳۰۰/۴ میلیون ریال بود که نسبت به ماه قبل ۱/۳ درصد افزایش نشان داد. در ماه دوم ۳۰۹ میلیون ریال بود که نسبت به ماه قبل ۳/۱ درصد افزایش نشان داد. و در ماه سوم ۳۱۷ میلیون ریال بود که نسبت به ماه قبل ۲/۴ درصد افزایش نشان داد. بررسی توزیع تعداد واحدهای مسکونی معامله شده در شهر تهران به تفکیک عمر بنا در تیرماه سال ۱۴۰۰ حاکی از آن است که از مجموع ۵۰۷۱ واحد مسکونی معامله شده،

توزیع تعداد آپارتمانهای مسکونی معامله شده در شهر تهران بر حسب عمر بنا (واحد مسکونی)															
عمر بنا (سال)	تیر			مرداد			شهریور			درصد تغییر تیر			درصد تغییر مرداد		
	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰
تا ۵ سال	۱۹۲۶	۵۴۱۸	۱۶۹۸	۱۲۷۶	۳۴۹۲	۱۸۲۵	۱۱۳۶	۱۵۳/۸	-۴۷/۷	۱۱۳۶	۱۵۳/۸	-۴۷/۷	۱۱۳۶	۱۵۳/۸	-۴۷/۷
۶-۱۰	۸۶۶	۲۷۱۱	۱۰۹۲	۶۱۹	۱۶۶۳	۱۲۳۱	۱۶۸/۷	-۲۶	۱۶۸/۷	۱۲۳۱	۱۶۶۳	-۲۶	۱۶۸/۷	۱۲۳۱	۱۶۶۳
۱۱-۱۵	۶۵۰	۱۸۲۱	۷۳۷	۴۱۷	۱۱۷۶	۸۱۸	۱۸۲	-۳۰/۴	۱۸۲	۸۱۸	۱۱۷۶	-۳۰/۴	۱۸۲	۸۱۸	۱۱۷۶
۱۶-۲۰	۷۷۲	۲۳۸۹	۸۸۰	۴۹۱	۱۵۴۲	۹۷۹	۲۱۴/۱	-۳۶/۵	۲۱۴/۱	۹۷۹	۱۵۴۲	-۳۶/۵	۲۱۴/۱	۹۷۹	۱۵۴۲
بیش از ۲۰	۵۷۶	۱۷۰۸	۶۶۴	۳۸۹	۱۲۰۷	۶۴۶	۳۱۰/۳	-۴۶/۵	۳۱۰/۳	۶۴۶	۱۲۰۷	-۴۶/۵	۳۱۰/۳	۶۴۶	۱۲۰۷
جمع کل	۴۷۹۰	۱۴۰۴۷	۵۰۷۱	۳۲۹۲	۹۰۸۰	۵۴۹۹	۱۷۵/۸	-۳۹/۴	۱۷۵/۸	۵۴۹۹	۹۰۸۰	-۳۹/۴	۱۷۵/۸	۵۴۹۹	۹۰۸۰

مناطق ۱۰ و ۲ به ترتیب با اختصاص سهم های ۱۰/۸ و ۸/۸ درصدی و در مجموع ۷۳/۲ درصد و ۱۰ منطقه شهر به ترتیب بیشترین فراوانی شامل مناطق ۵، ۱۰، ۲، ۴، ۱۴، ۸، ۱۵، ۷، ۱ و ۱۱ بوده و ۱۲ منطقه باقیمانده ۲۶/۸ درصد از کل تعداد معاملات را به خود اختصاص داده اند. در شهریور ماه منطقه ۵ با سهم ۱۴/۲ درصدی از کل و مناطق ۱۰ و ۲ به ترتیب با اختصاص سهم های ۱۰ و ۸/۷ درصدی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در مجموع ۷۲/۶ درصد از کل تعداد معاملات انجام شده در شهر تهران مربوط به ۱۰ منطقه ۵، ۱۰، ۲، ۴، ۱۴، ۷، ۸، ۱، ۱۵ و ۱۱ بوده و ۱۲ منطقه باقیمانده ۲۷/۴ درصد از کل تعداد معاملات را به خود اختصاص داده اند.

توزیع تعداد معاملات انجام شده بر حسب مناطق مختلف شهر تهران در تیرماه نشان از آن دارد که میان مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، منطقه ۵ با سهم ۱۴/۴ درصدی از کل معاملات، بیشترین تعداد قراردادهای مبادعه نامه را به خود اختصاص داده است. همچنین مناطق ۱۰ و ۲ به ترتیب با اختصاص سهم های ۱۰/۴ و ۹/۶ درصدی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در مجموع ۷۳/۷ درصد از کل تعداد معاملات انجام شده در شهر تهران در این ماه مربوط به ۱۰ منطقه شهر (به ترتیب بیشترین فراوانی شامل مناطق ۵، ۱۰، ۲، ۴، ۱۴، ۷، ۸، ۱، ۱۵ و ۱۱) بوده و ۱۲ منطقه باقیمانده ۲۶/۳ درصد از کل تعداد معاملات را به خود اختصاص داده اند. در مرداد ماه منطقه ۵ با سهم ۱۶/۱ درصدی از کل معاملات، همچنین

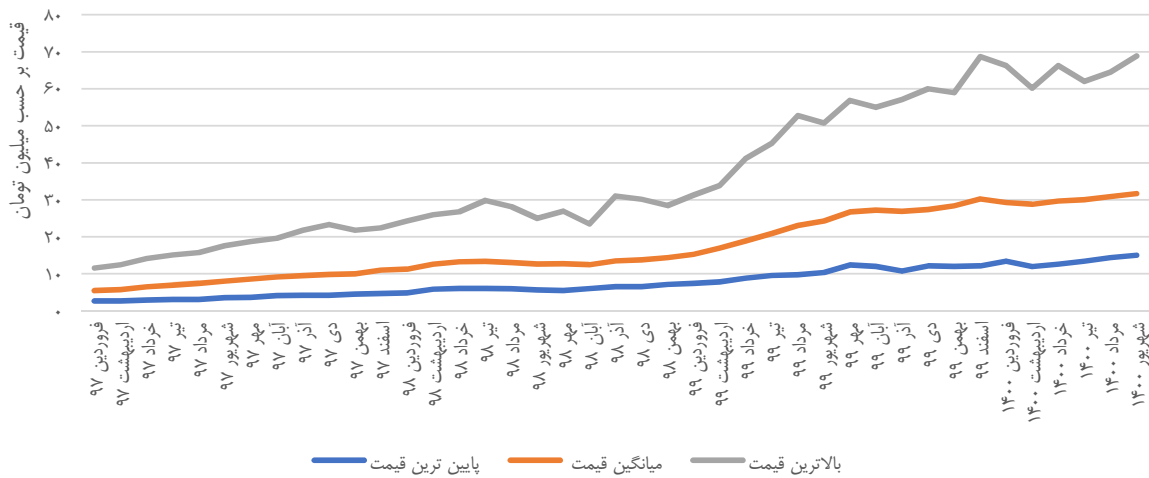


درصد تغییر نسبت به ماه مشابه سال قبل	درصد تغییر نسبت به ماه قبل			۱۴۰۰			۱۳۹۹			تعداد معاملات (واحد مسکونی)		
	مرداد	تیر	شهریور	مرداد	تیر	شهریور	مرداد	تیر	شهریور			
۸	۳۹/۴	-۶۳/۹	۴۱/۶	۸/۴	-۶	۵۴۹۹	۵۰۷۱	۵۰۷۱	۵۱۰۲	۸۴۶۳	۹۰۸۰	۱۴۰۴۷
۳۰/۵	۳۴	۴۳/۷	۲/۴	۳/۱	۱/۳	۳۰۹۷۰۱	۳۰۰۴۴۷	۳۰۰۴۴۷	۲۹۶۷۳۶	۲۴۲۸۸۱	۲۳۱۰۷۸	۲۰۹۰۹۴

در تیر ماه متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاههای معاملات ملکی شهر تهران ۳۰۰/۴ میلیون ریال بود که نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب معادل ۳/۱ و ۴۳/۷ درصد افزایش نشان داد. این رقم در مرداد ماه ۳۰۹ میلیون ریال بود که نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب معادل ۳/۱ و ۳۴ درصد افزایش نشان داد. همچنین در شهریورماه ۳۱۷ میلیون ریال بود که نسبت به ماه قبل و ماه مشابه سال قبل به ترتیب معادل ۲/۴ و ۳۰/۵ درصد افزایش نشان داد. در میان مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران، بیشترین متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای مسکونی معامله شده معادل ۶۲۰/۳ میلیون ریال به منطقه ۱ و کمترین آن با ۱۳۴/۴ میلیون ریال به منطقه ۱۸ تعلق داشت. ارقام مزبور نسبت به ماه مشابه سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۳۶/۹ و ۳۹/۶ درصد افزایش نشان می دهند. در مرداد ماه این رقم معادل ۶۴۵/۶ میلیون ریال به منطقه ۱ و کمترین آن با ۱۴۴/۱ میلیون ریال به منطقه ۱۸ تعلق داشته است. ارقام مزبور نسبت به ماه مشابه سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۲۲/۲ و ۴۷/۸ درصد افزایش نشان می دهند. در شهریور ماه این رقم معادل ۶۸۹/۱ میلیون ریال به منطقه ۱ و کمترین آن با ۱۵۰/۳ میلیون ریال به منطقه ۱۸ تعلق داشته است. ارقام مزبور نسبت به ماه مشابه سال ۱۳۹۹ به ترتیب ۳۵/۷ و ۴۴/۳ درصد افزایش نشان می دهند.



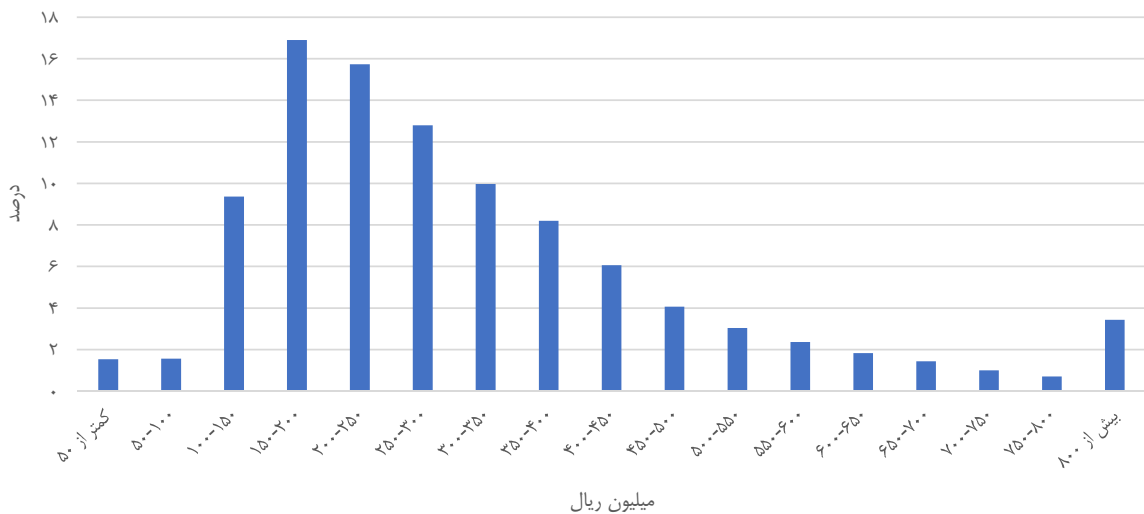
بهای یک متر مربع واحد مسکونی در شهر تهران از فروردین ۹۷ تا مهر ۱۴۰۰



مربع بنا با سهم ۱۷/۲ درصد، و دامنه های قیمتی « ۲۰۰ تا ۲۵۰ م و « ۲۵۰ تا ۳۰۰ » میلیون ریال به ترتیب با سهم های ۱۵/۳ و ۱۲/۸ درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در این ماه، ۵۹/۵ درصد واحدهای مسکونی با قیمتی کمتر از متوسط قیمت هر متر مربع واحد مسکونی شهر تهران ۳۰۰/۴ میلیون ریال معامله شده اند. در شهریور ماه واحدهای مسکونی در دامنه قیمتی « ۱۵۰ تا ۲۰۰ » میلیون ریال به ازای هر متر مربع بنا با سه ۱۶/۳ درصد، و دامنه های قیمتی « ۲۰۰ تا ۲۵۰ » و « ۲۵۰ تا ۳۰۰ » میلیون ریال به ترتیب با سهم های ۱۶ و ۱۲/۹ درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در این ماه، ۶۱/۱ درصد واحدهای مسکونی با قیمتی کمتر از متوسط قیمت هر متر مربع واحد مسکونی شهر تهران ۳۱۷ میلیون ریال معامله شده اند.

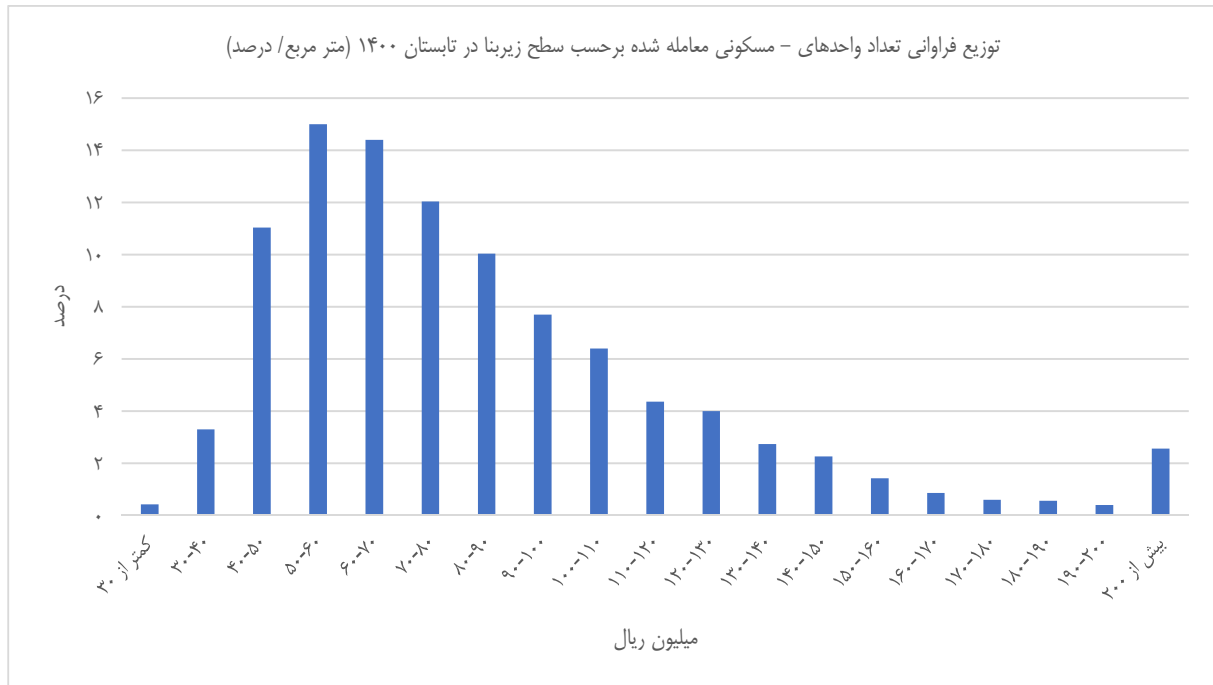
توزیع فراوانی تعداد واحدهای مسکونی معامله شده بر حسب قیمت یک متر مربع بنا در تیرماه حاکی از آن است که واحدهای مسکونی در دامنه قیمتی « ۱۵۰ تا ۲۰۰ » میلیون ریال به ازای هر متر مربع بنا با سهم ۱۷/۲ درصد، بیشترین سهم از تعداد معاملات شهر تهران را به خود اختصاص داده است و دامنه های قیمتی « ۲۰۰ تا ۲۵۰ » و « ۲۵۰ تا ۳۰۰ » میلیون ریال به ترتیب با سهم های ۱۵/۳ و ۱۲/۸ درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در این ماه، توزیع حجم معاملات به گونهای بوده است که ۵۹/۵ درصد واحدهای مسکونی با قیمتی کمتر از متوسط قیمت هر متر مربع واحد مسکونی شهر تهران ۳۰۰/۴ میلیون ریال معامله شده اند. در مرداد ماه واحدهای مسکونی در دامنه قیمتی « ۱۵۰ تا ۲۰۰ » میلیون ریال به ازای هر متر

توزیع فراوانی تعداد واحدهای مسکونی معامله شده بر حسب قیمت یک متر مربع بنا در تابستان ۱۴۰۰



«۵۰ تا ۶۰» متر مربع با سه ۱۴/۹ درصد، «۶۰ تا ۷۰» و «۷۰ تا ۸۰» متر مربع به ترتیب با سهم های ۱۴/۲ و ۱۲/۷ درصد و با سطح زیربنای کمتر از ۸۰ متر مربع، ۵۷ درصد را به خود اختصاص داده اند. در شهریور ماه نیز واحدهای مسکونی با زیربنای «۶۰ تا ۷۰» متر مربع با سهم ۱۵/۱ درصد، «۵۰ تا ۶۰» و «۷۰ تا ۸۰» متر مربع به ترتیب با سهم های ۱۴/۷ و ۱۱/۸ درصد و واحدهای مسکونی با سطح زیربنای کمتر از ۸۰ متر مربع، ۵۶/۳ درصد از معاملات انجام شده را به خود اختصاص دادند.

توزیع فراوانی تعداد واحدهای مسکونی معامله شده بر حسب سطح زیربنای هر واحد مسکونی در تیرماه نشان داد، بیشترین سهم از معاملات انجام شده به واحدهای مسکونی با زیربنای «۵۰ تا ۶۰» متر مربع با سهم ۱۵/۴ درصد اختصاص داشته است. واحدهای دارای زیربنای «۶۰ تا ۷۰» و «۷۰ تا ۸۰» متر مربع به ترتیب با سهم های ۱۳/۹ و ۱۱/۶ درصدی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در مجموع در این ماه، واحدهای مسکونی با سطح زیربنای کمتر از ۸۰ متر مربع، ۵۵/۳ درصد از معاملات انجام شده را به خود اختصاص دادند. در مرداد ماه واحدهای مسکونی با زیربنای

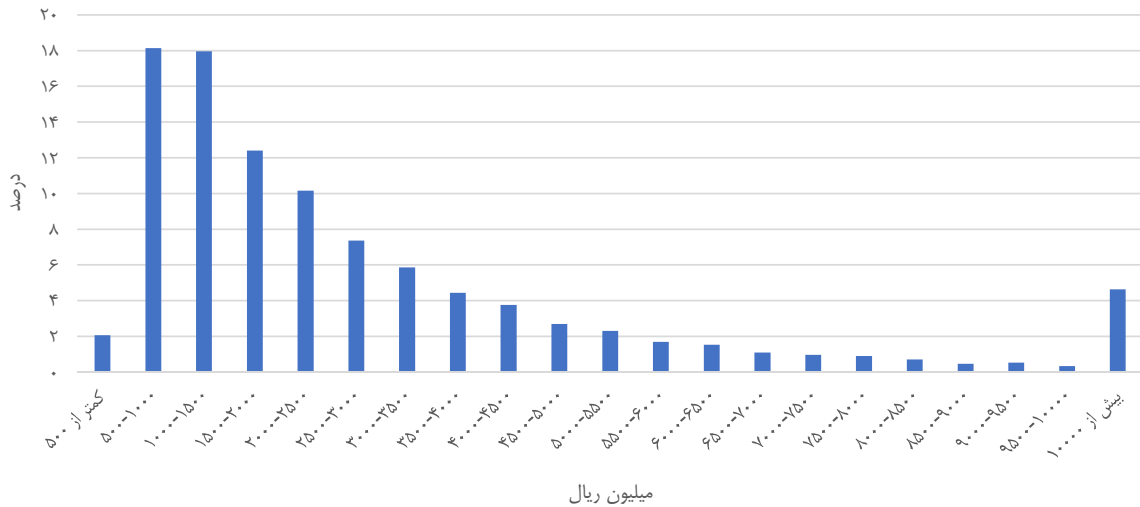


به خود اختصاص داده اند. واحدهای دارای ارزش «۱۰ تا ۱۵» و «۱۵ تا ۲۰» میلیارد ریال به ترتیب با اختصاص سهم های ۱۱/۹ و ۱۷/۴ درصدی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در مجموع در این ماه، حدود ۵۱ درصد از معاملات به واحدهای مسکونی با ارزش کمتر از ۲۰ میلیارد ریال اختصاص داشته است. در مرداد ماه واحدهای مسکونی با ارزش «۱۰ تا ۱۵» میلیارد ریال با اختصاص سهم ۱۸/۳ درصد، «۵ تا ۱۰» و «۱۵ تا ۲۰» میلیارد ریال به ترتیب با اختصاص سهم های ۱۷/۷ و ۱۲/۷ درصد در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در مجموع در این ماه، حدود ۵۰/۶ درصد از معاملات به واحدهای مسکونی با ارزش کمتر از ۲۰ میلیارد ریال اختصاص داشته است. در شهریور ماه واحدهای مسکونی با ارزش «۱۰ تا ۱۵» میلیارد ریال با سهم ۱۸/۲ درصد، و «۵ تا ۱۰» و «۱۵ تا ۲۰» میلیارد ریال به ترتیب با اختصاص سه های ۱۷/۶ و ۱۲/۶ درصدی در رتبه های بعدی قرار گرفته اند. در مجموع در این ماه، حدود ۵۰/۱ درصد از معاملات به واحدهای مسکونی با ارزش کمتر از ۲۰ میلیارد ریال اختصاص داشته است.

در تیرماه سال ۱۴۰۰، توزیع فراوانی تعداد واحدهای مسکونی معامله شده بر حسب ارزش هر واحد حاکی از آن است که در میان دامنه های قیمتی مورد بررسی، واحدهای مسکونی با ارزش «۵ تا ۱۰» میلیارد ریال با اختصاص سهم ۱۹/۱ درصد، بیشترین سهم از معاملات انجام شده را



توزیع فراوانی تعداد واحدهای - مسکونی معامله شده برحسب ارزش واحد در بهار ۱۴۰۰ (میلیون ریال/ درصد)



بررسی شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران و کل مناطق شهری در تیرماه سال ۱۴۰۰ نشان دهنده رشد به ترتیب معادل ۳۴/۹ و ۳۸/۷ درصد نسبت به ماه مشابه سال قبل می باشد. بررسی شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران و کل مناطق شهری در مردادماه سهال ۱۴۰۰ نشان دهنده رشد به ترتیب معادل ۳۷/۸ و ۴۱/۲ درصد نسبت به ماه مشابه سال قبل می باشد. بررسی شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران و کل مناطق شهری در شهریورماه سال ۱۴۰۰ نشان دهنده رشد به ترتیب معادل ۴۲/۸ و ۴۵/۷ درصد نسبت به ماه مشابه سال قبل می باشد.

۹۲ نیز تجربه شد. در سال های ۸۸، ۹۴ و ۹۵ یعنی سال هایی که بازار بعد از جهش قیمت به دوره پساجهش ورود کرده و قیمت مسکن در بازار با کاهش مواجه شد، تورم اجاره بها نسبت به دوره جهش به یکدوم کاهش یافت. یعنی سرعت رشد اجاره بها در این سال ها در مقایسه با یکی، دو سال قبل از آن که بازار معاملات خرید و فروش مسکن در اوج جهش قیمت قرار داشت به یکدوم کاهش یافت. تورم اجاره مسکن تهران در سال ۹۹

معادل ۴۰ درصد به ثبت رسید. این میزان تورم در سال ۹۹ در شهر تهران بی سابقه ترین میزان تورم در بازار اجاره از سال ۷۵ تاکنون

بوده است. در سال ۷۵ تورم اجاره مسکن شهر تهران به ۴۱ درصد و تورم بازار مسکن به ۶۷ درصد رسید. بعد از این سال دیگر تورم بازار اجاره از ۴۰ درصد فراتر نرفته است و تنها در سال گذشته تورم ۴۰ درصدی در این بازار رقم خورد. در حوزه اجاره مسکن در آمریکا نیز مستاجران در پی رکوردزنی مکرر تورم مسکن در این کشور، دومین ضربه را هم متحمل شدند. نتایج یک نظرسنجی از اجاره نشین ها در آمریکا نشان می دهد نزدیک به نیمی از این جمعیت خانه اولی، نسبت به خانه دار شدن، ناامید شده اند. سطح فعلی رشد قیمت مسکن در آمریکا دست کم از بحران ۲۰۰۸ تاکنون بی سابقه است. هرچند جهش مسکن در این

بازار اجاره مسکن در شهر تهران

بازار اجاره مسکن با رشد دو علامت تغییر در نبض اجاره بها به طوری که روند یک ساله تورم اجاره در پایتخت، برگشت از قله را نشان می دهد. بعد از ثبت نرخ رشد نزدیک به ۵۰ درصدی «میانگین هزینه اجاره» در تابستان سال گذشته، این شاخص -تورم اجاره- در ابتدای امسال تا مرز ۳۰ درصد کاهش پیدا کرد. مفهوم این کاهش نرخ آن است که اگر چه اجاره بها ی آپارتمان ها همچنان رو به افزایش است،

اما سرعت رشد آن به شکل محسوسی کاهش پیدا کرده است. علامت دوم تغییر در این بازار به «رفتار گروهی از موجران» مربوط است. نتایج تحقیقات میدانی حاکی است، بعد از طراحی «پله فرار»

از سوی صاحبخانه ها در سال گذشته برای فرار از سقف دستوری اجاره بها که به صورت «تخلیه اجباری آپارتمان» و «انعقاد قرارداد» با مستاجر جدید عمل کرد، در حال حاضر این گروه، «توافق با مستاجر ساکن» را در اولویت دارند. الگوی نوسان اجاره بها در فاز پساجهش قیمت مسکن، یک پیام برای این دوره مخابره می کند. در سال های پساجهش قیمت مسکن، همزمان با قرار گرفتن بازار معاملات خرید و فروش مسکن در مدار کاهش قیمت اسمی یا کاهش قیمت واقعی، تورم اجاره مسکن به نصف تورم بازار اجاره در سال های جهش کاهش یافته است. این شرایط در یکی، دو سال بعد از جهش قیمت مسکن در سال های ۷۵، ۸۶ و

یا ۳۰ درصد درآمد آنهاست. این میزان در آلمان به‌طور متوسط ۲۳ درصد است. به این ترتیب در این کشور نه تنها قوانین اجاره‌نشینی در نهایت به نفع مستاجران است بلکه سهم اجاره‌بها در سبد هزینه خانوارها به مراتب کمتر از بسیاری از کشورهای دیگر و حتی نرخ استاندارد هزینه اجاره‌بها در دنیا است. هم‌اکنون هزینه اجاره‌نشینی در شهر تهران به‌طور متوسط بیش از ۷۰ درصد درآمد خانوارها و در سایر شهرهای کشور بیش از ۴۰ درصد است. در اوایل انقلاب اسلامی حدود ۷۵ درصد از مسکن‌های ایران ملکی و ۱۵ درصد نیز اجاری بود. در حال حاضر سهم مسکن ملکی به حدود ۵۵ درصد و سهم مسکن اجاری به حدود ۳۵ درصد رسیده است. در شهر تهران که شاهد بالاترین سهم اجاره‌نشینی در ایران هستیم، حدود ۴۷/۵ درصد خانه‌ها اجاری هستند؛ سهم اجاره‌نشینی در کشورهای صنعتی به بالای ۷۰ درصد نیز می‌رسد. به‌طور کلی در کشورهایی که سهم اجاره‌نشینی بالاست، امکان حل مشکل مسکن آسان‌تر است؛ به‌طور مثال زوج‌های جوان برای تشکیل خانواده اگر قرار باشد از طریق تملک به مسکن دسترسی پیدا کنند، ممکن است از ازدواج منصرف شوند؛ درحالی‌که اگر پرداخت اجاره برای آنان میسر باشد به راحتی می‌توانند به مسکن

کشور در حد زیر ۲۰ درصد رقم خورده، اما همین میزان افزایش، زمان انتظار برای صاحب‌خانه شدن را به ۱/۵ برابر نرخ متعارف رسانده است. یک نظرسنجی در آمریکا، موانع خرید مسکن را مشخص کرد. دومین رکورد بیشترین تورم مسکن در آمریکا طی ۳۰ سال اخیر در سال ۲۰۲۱ به ثبت رسید. رکورد نخست تورم مسکن در آمریکا طی سه دهه اخیر مربوط به ماه مه سال جاری میلادی بود که این نرخ در آن مقطع زمانی ۱۶/۶ درصد بود اما در ماه گذشته میلادی (آگوست) این نرخ با ثبت یک رکورد تازه به ۱۸ درصد رسیده است. این تغییرات در اجاره بها ناشی از حباب قیمت ملک در غالب کشورها است. و در حال حاضر این حباب بزرگ‌تر شده و زنگ خطر «مسکن خارج از استطاعت» را برای دولت‌ها به صدا درآورده است. سرعت رشد ماهانه قیمت مسکن در آمریکا به بیشترین میزان طی ۶ سال گذشته رسیده است. در کشورهای اروپایی نیز خریدهای سرمایه‌ای ملک باعث شده است تامین مسکن برای زوج‌های جوان به چالش بزرگ تبدیل شود. هجوم تقاضای سرمایه‌گذاری به بازارهای دارایی طی دست کم یک سال گذشته یکی از عوامل اصلی رشد تند قیمت در جذاب‌ترین بازار - مسکن - بوده است؛ به‌طوری‌که در خیلی از کشورها بسته‌های محرک اقتصادی و معافیت‌های

مالیاتی مخصوص عصر کرونا، چاشنی رونق خرید

ملک شد. یک مطالعه جهانی با هدف «کشف رمز

عملیات علیه حباب مسکن» نشان می‌دهد دو ابزار پولی و مالی باید به کار بیفتد. آنچه می‌تواند هیجان خریدهای سرمایه‌ای در بازار ملک و البته سایر بازارهای دارایی را کنترل کند، افزایش نرخ بهره و فروش اوراق قرضه است. در کنار آن، بازگشت مالیات‌های ضدسفته‌بازی نیز توصیه شده است. اما رابطه موجر و مستاجر در آلمان با اجاره‌نامه‌های «نامحدود» تنظیم می‌شود که ۶ ویژگی دارد. مالکان در بازار اجاره آلمان با مدل اقتصادی برد-برد و فرمول مشخص «رشد سالانه اجاره‌بها»، اجاره‌داری می‌کنند. مستاجرها قبل از ورود به آپارتمان‌ها باید «ماراتن انتخاب از سوی موجر» را طی کنند؛ اما بعد از انعقاد قرارداد، دست بالا را پیدا می‌کنند. موجر تحت هر شرایطی نمی‌تواند به قرارداد خاتمه دهد. در مسیر اجاره نامحدود واحدهای مسکونی در این کشور، مستاجرها فرآیندی چندمرحله‌ای شامل اعتبارسنجی، ارائه قراردادها، کار، سنجش سطح اخلاق و معیارهای رفتاری و شهروندی و همچنین ارزیابی تمکن مالی را طی می‌کنند و بعد از احراز تمام این شرایط واحد مسکونی به اجاره آنها در خواهد آمد. نتیجه این قوانین همراه با مستاجران در نهایت منجر به پوشش مستاجرها در این کشور با سقف آلمانی خواهد شد. به گونه‌ای که در این کشور میزان هزینه اجاره‌نشینی در مقایسه با استاندارد جهانی در سبد هزینه‌های خانوار کمتر است. در دنیا استاندارد هزینه اجاره مسکن معادل ۳۰ درصد سبد هزینه‌های خانوارها

دسترسی پیدا کنند.

بنابراین سوالی که

مطرح است این است

که با فرض وجود واحدهای

مسکونی استیجاری به اندازه

کافی آیا اجاره‌نشینیان به راحتی از

عهده پرداخت اجاره برمی‌آیند؟

در یک مطالعه که در سال

۱۳۹۵ در این رابطه صورت

گرفت مشخص شد از تعداد

۱۸/۲ میلیون خانوار شهری

تعداد ۶/۶ میلیون نفر اجاره‌نشین

هستند که از این تعداد حدود ۲/۳ میلیون نفر

برای پرداخت اجاره نیازمند حمایت هستند

(۳۵ درصد). درصد خانوارهای اجاره‌نشین

نیازمند حمایت در تهران حدود ۴۳ درصد

است؛ زیرا در تهران هزینه اجاره بالاتر است.

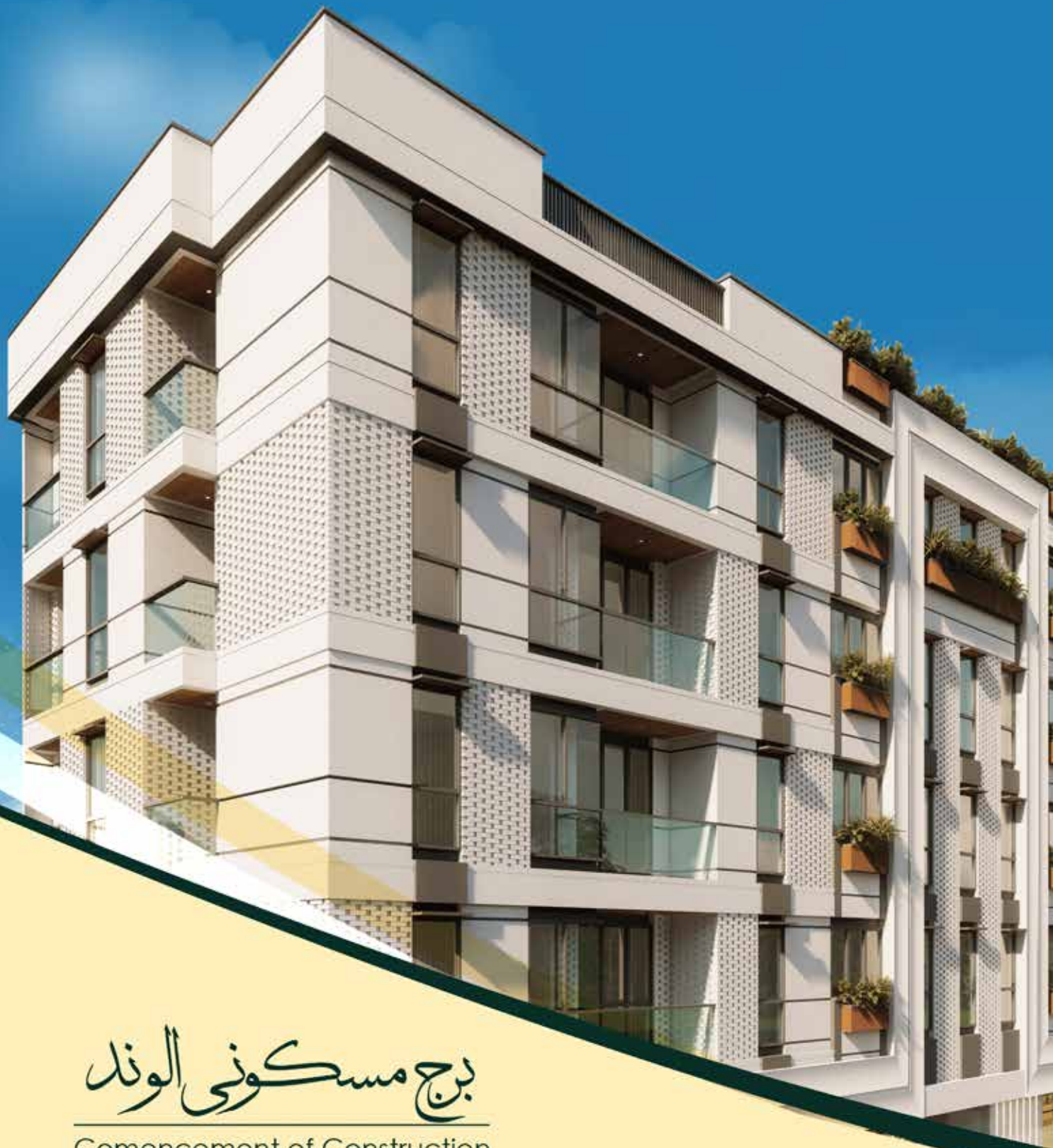
بنابراین خانوارها باید بخش بیشتری از درآمد

خود را صرف پرداخت اجاره مسکن کنند.

RESIDENTIAL TOWER

ALVAND





برج مسكونی الوند

Comencement of Construction
of ALVAND residential project

دفتر فروش: تهران، ساحل شرقی دریاچه چیتگر، پروژه لکسون

02144755719-23-24 | 02144710097 | 0214784

09123118190 | 09121011061 | 09121003623

RESIDENTIAL TOWER
ALBORZ





برج مسكونی البرز

Comencement of Construction
of ALBORZ residential project

دفتر فروش: تهران، ساحل شرقی دریاچه چیتگر، پروژه لکسون

02144755719-23-24 | 02144710097 | 0214784

09123118190 | 09121011061 | 09121003623



سیم و کابل دامغان

سیم و کابل دامغان

(بهره‌ر)



📍 تهران، میرداماد، پاساژ پایتخت، طبقه ۷، واحد ۷-۲B

☎ ۸۸۶۴۵۹۲۱-۸۸۶۵۱۷۳۲-۸۶۰۸۷۳۵۱



✉ Email: misco444@yahoo.com

🌐 Site: www.cabledamghan.com

کارخانجات تولیدی

مهراصل

متخصص تهویه و تبرید

MEHRASL

MANUFACTURING CORPORATION

General Catalogue 2019



WWW.MEHRASL.IR

PABR Series Packages



▶ Range: 5 , 10 , 20 & 30 RT

Unit Heaters



▶ Range: 28200 - 806600 Btu/Hr

Electric Fan Motors



▶ Range: 0.2 to 6 Kw

Split Chiller

▶ 3RT & 5RT



گروه صنعتی ایران توحید

تولید کننده پیچ و مهره فولادی به روش فورج سرد



ما از ابتدا تا پایان شما را
همراهی می کنیم

◀ تهیه لیست های اقتصادی پیچ و مهره
مصرفی پروژه

◀ تولید، حمل و تحویل



◀ بازرسی دوره ای و آموزش کارگاهی
فرایند نصب و ایجاد پیش تنیدگی در
اتصالات

◀ برگزاری دوره های آموزشی نحوه
کنترل، تحویل گیری و نصب پیچ و
مهره



T.C Bolt در ایران دیگر یک رویا نیست

T.C Bolt is not a Dream any more , in IRAN



COVENTYA

precote

MAGNI EUROPE



IRAN TOHID CO.

**Steel Structure
Bult & nut Family**



آدرس دفتر مرکزی: ایران - تهران - بلوار آفریقا
بلوار گلشهر - مجتمع تجاری آی تک - طبقه ۱۲ الی ۱۴
تلفن تماس: +۹۸ - ۲۱ - ۲۲۰۵۰۷۰۷

جهاد بتن

تولید کننده بتن آماده تا رده مقاومتی C50

دفتر نمایندگی فروش: آیت الله کاشانی، روبروی مسجد نظام مافی
مجتمع تجاری و اداری اترک ۸، طبقه ۲، واحد ۲۰۷



تلفن تماس: ۰۹۱۲۲۸۸۰۵۷۰

www.jahadbeton.ir

JAHAD BETON

Manufacturer of ready
mixed concrete up to
C50 strength class



نوین افزار

طراح و مجری سیستم های
هوشمند پارکینگ و ساختمان



Wulian

FERMAX

•Zennio®

www.novin-afzar.ir

88283760

طراح و مجری سیستم های هوشمند پارکینگ برج مجلل لکسون



شرکت آسانسور و پله برقی بهمن

Elevator and escalator company



تهران، میدان آرژانتین، ابتدای خیابان آفریقا، ساختمان شماره ۵
طبقه اول، تلفن: ۸۸۷۹۰۱۰۱ (خط ویژه) فکس: ۸۸۷۹۳۲۰۳
www.bfelevator.com info@bfelevator.com

**FIRMLY
WALK INTO FUTURE ...**





NEGIN BORJ GHAEM

Industrial Group



Unit 14, Floor 6, Daryoosh Complex, 196 street
South Bagheri Highway, Tehran, Iran
Tel: +9821-77726004

neginborjco@gmail.com

Design, Fabrication, Transportation and Installation of
Various Steel Structures For Buildings,
High-rise and Industrial Projects



طراح، ساخت، حمل و نقل و نصب سازه ها
مختلف فلزات برای ساختمان ها،
پروژه ها بلند مرتبه و صنعتی.



FARZANEGAN

Residential Tower

برج مسكونے فرزانگان

تجربہ اے از آرامش ہمہ با چشم اندازے زیبا

FARZANEGAN
RESIDENTIAL TOWER

AN EXPERIENCE
OF RELAXATION
WITH A BEAUTIFUL
VIEW

شہرک گلستان - میدان موج - خیابان صدف - دفتر پروژہ

02144755719-23-24 - 02144710097 - 0214784
09123118190 - 09121011061 - 09121003623

www.TOSEABNIEH.com





نتایج خوب حاصل انتخاب‌های هوشمندانه است

FINE RESULTS COME FROM WISE CHOICES





OFFICE
BUILDING



LEXON

| Luxury Tower
| Eternal Fortune WWW.LEXONTOWER.COM

02144755719-23-24 | 02144710097 | 0214784

09123118190 | 09121011061 | 09121003623

KARANEH PARS



Karane Pars

شرکت فنی مهندسی خدمات مشاوره ای گردشگری، ارائه دهنده طرح های توجیهی، ظرفیت سنجی، سودآوری ایده پردازی در حوزه صنعت گردشگری

Technical engineering company, tourism consulting services, provider of justification plans, profitability, Ideation in the field of tourism industry

